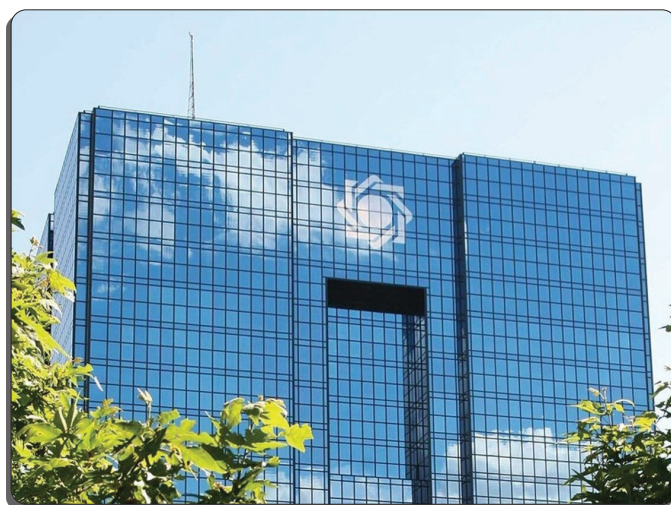






۱۹

## اقتدار بانک مرکزی اعتماد به سیاست‌گذاری‌ها را افزایش می‌دهد

در نشست هیأت اندیشه‌ورز بانک مرکزی  
با استادان و صاحب‌نظران پولی  
و بانکی مطرح شد

۳۸



## آمارها نشان‌دهنده اجرای صحیح سیاست‌های پولی است

علی ابدالی  
مدیرعامل بانک سینا

۵



## برقراری آرامش در بازار ارز شایسته تقدیر و قدردانی است

حسین عبده تبریزی، کارشناس مسائل اقتصادی

۳۲



## دیپلماسی ارزی بانک مرکزی به کمک تجار ایرانی آمد

رامین پولادگر  
عضو اتاق بازرگانی ایران و عراق

۱۶



## تکانه‌های سیاسی اثر اقدامات بانک مرکزی را خنثی می‌کند

"اکرام عبدالعزیز"  
مدیرکل اداره اقتصاد در سازمان  
سرما به‌گذاری ملی عراق

۵۲

## مقابله با ناترازی‌های بانکی روی میز دولت چهاردهم

۵۵

## ثبات در بازار ارز عمیق‌تر شد

۶۸

## فدرال رزرو چگونه آمریکا را برنده جنگ سرد کرد؟

۷۴

## نفوذ بانک مرکزی فنلاند تا جنوب شرق آسیا

۳۵



## اقدام بانک مرکزی در جلوگیری از خلق پول بانک‌ها درست بود

حسن فرامزند  
استاد اقتصاد دانشگاه  
شهید چمران اهواز

۴۳



## تقویت ارزش پول ملی انتظارات منفی را کنترل می‌کند

محمد مهدی مجاهدی  
استاد اقتصاد  
دانشگاه علامه



• صاحب امتیاز:

موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز

• سردبیر:

علی احمد قاسمی

• ناظر محتوایی و مشاور سردبیر:

فاطمه محمدی

• مشاور سردبیر:

سینا احدیان

• همکاران این شماره:

رضا فراهانی، پوریا صادقی، حمید کمار، امیرحسین موسوی

حسین کمال زارع، سید مهدی میرحسینی

هانیه محمدی و هانیه اسماعیلی

• مدیر اجرایی:

محمود مهدوی

• دبیر سایت:

دنیا نظرسروش

• گرافیکست و طراح جلد:

سید احسان نوری نجفی

• صفحه آرایی:

مهدی بخشی

• عکاس:

مجید سلطانی

• نشانی:

تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان خالد اسلامبولی (وزرا)

نیش خیابان شهید رفیعی (۲۰)، ساختمان مرکز مبادله

ارز و طلای ایران - طبقه ۱۱، موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز

• کد پستی:

۱۵۱۱۹۱۸۹۲۰

• لیتوگرافی و صحافی:

نگار نقش

• چاپ و توزیع:

احمد شیرازیان



@tazehayeeghtesad

## سرمقاله

|    |                                                                  |
|----|------------------------------------------------------------------|
| ۴  | موتور دلالتی ارز خاموش شد                                        |
| ۵  | برقراری آرامش در بازار ارز شایسته تقدیر و قدردانی است            |
| ۱۶ | تکانه های سیاسی، اثر اقدامات بانک مرکزی را خنثی می کند           |
| ۱۹ | اقتدار بانک مرکزی، اعتماد به سیاست گذاری ها را افزایش می دهد     |
| ۳۲ | دیپلماسی ارزی بانک مرکزی به کمک تجار ایرانی آمد                  |
| ۳۴ | پیمان های پولی، اقتصاد کشور را از سیطره دلار خارج می کند         |
| ۳۵ | اقدام بانک مرکزی در جلوگیری از خلق پول بانک ها درست بود          |
| ۳۸ | آمارها نشان دهنده اجرای صحیح سیاست های پولی است                  |
| ۴۳ | تقویت ارزش پول ملی انتظارات منفی را کنترل می کند                 |
| ۵۱ | بانک مرکزی انتظارات تورمی را مدیریت کرد                          |
| ۵۲ | مقابله با ناترازی های بانکی روی میز دولت چهاردهم                 |
| ۵۵ | ثبات در بازار ارز عمیق تر شد                                     |
| ۶۱ | احتمال اعمال سیاست های پولی ریاضتی در عربستان                    |
| ۶۸ | فدرال رزرو چگونه آمریکا را برنده جنگ سرد کرد؟                    |
| ۷۱ | بانک مرکزی ژاپن الگوی کارآمد مدیریت جنگی                         |
| ۷۴ | نفوذ بانک مرکزی فنلاند تا جنوب شرق آسیا                          |
| ۷۷ | دستاوردهای بانک پارسیان در بانکداری اسلامی                       |
| ۸۰ | ایده جدید وام قرض الحسنه اموال (منقول و غیرمنقول) برای جهش تولید |

## موتور دلالی ارز خاموش شد

در بازار ارز و بازارهای موازی همسو با آن نظیر طلا، سکه، خودرو و مسکن صورت می‌گیرد، به نظر می‌رسد خط شایعه‌پراکنی و انتشار گسترده اخبار جعلی و آمارسازی‌های خلاف واقع از سوی دلان ارز به دنبال تضعیف قدرت مدیریت ارزی مقام پولی است تا این گروه بتوانند از نوسانات احتمالی دلار سود کسب کنند.

افزایش نظارت سیاست‌گذار ارزی و تقویت قدرت بازارساز به واسطه توسعه ابزارهای ارزی در مرکز مبادله ارز و طلا موجب شد تا نرخ دلار روندی نزولی را در بازار غیررسمی به ثبت برساند و در بازار غیررسمی قیمت دلار از سقف کانال ۵۹ هزار تومان به کف این کانال برسد. کاهش قیمت ارز در مقطع کنونی، نشان‌دهنده اثرگذاری مثبت سیاست‌های بانک مرکزی در ماه‌های گذشته است که مانع از ایجاد نوسانات شدید در بازار شده است.

گروهی از متقاضیان سفته‌بازی در بازار ارز، در دوره ریاست کلی محمدرضا فرزین بر بانک مرکزی به واسطه تحقق ثبات ارزی نتوانستند عایدی از این بازار کسب کنند و به همین دلیل به هر بهانه‌ای تلاش می‌کنند با موج‌سازی‌های خلاف واقع، پمپاژ شایعات و آمارسازی‌های غیرحقیقی، التهابی تصنعی در بازار ارز ایجاد کنند اما به واسطه اقدامات بنیادین سیاست‌گذار ارزی در یک و نیم سال گذشته، اجازه موفقیت به ذی‌نفعان جهش‌های ارزی داده نشده است.

در ۱۸ ماه گذشته، ایران با شوک‌های متعدد سیاسی و اقتصادی داخلی و خارجی مواجه بوده است، شوک‌های پیاپی نظیر تشدید تنش‌ها میان رژیم صهیونیستی و غزه، حمله به کنسولگری ایران توسط رژیم اشغالگر قدس، عملیات وعده صادق، حمله تروریستی کرمان، شهادت رئیس‌جمهور و ترور اسماعیل هنیه در تهران باعث شد تا در این مقاطع زمانی انتظار افزایش شدید قیمت دلار در بازار ارز ایجاد شود در حالی که برخلاف ادوار گذشته که هرگونه بحران سیاسی و شوک برون‌زا به افزایش نرخ ارز منجر می‌شد، قیمت دلار در بازار غیررسمی طی این دوره زمانی در یک کریدور مشخص ثابت باقی ماند و در محدوده ۶۰ هزار تومان، ثبات نسبی را تجربه کرده است. به نظر می‌رسد، با توجه به جریان‌سازی‌های ماه‌های گذشته گروه‌هایی در فضای رسانه‌ای و اقتصادی کشور به منظور ایجاد التهابات کاذب در بازار ارز، تداوم ثبات نرخ ارز موجب نگرانی و عصبانیت دلان و ذی‌نفعان گرانی دلار شده است.

دلان بازار ارز، نوسان‌گیران، سفته‌بازان و برخی ذی‌نفعان بازار ارز که از نوسانات و افزایش قیمت ارز سود می‌بردند، در نتیجه ثبات قیمت ارز عایدی کسب نمی‌کنند و در مدت اخیر به روش‌های مختلفی برای برهم زدن آرامش بازار ارز دست زده‌اند. موج‌سازی‌های کاذب گروه‌های ذی‌نفع افزایش نرخ ارز با هدف ایجاد التهاب



حسین عبده تبریزی، کارشناس مسائل اقتصادی در گفت و گو با تازه های اقتصاد:

## برقراری آرامش در بازار ارز شایسته تقدیر و قدردانی است

- دستاورد بانک مرکزی در کنترل نرخ ارز باید حفظ شود
- اینکه بانک مرکزی توانسته آرامشی در بازار ارز ایجاد کند، قطعاً یک موفقیت برای این نهاد است
- اگر شما بتوانید نقدینگی را کنترل کنید تورم آرام می گیرد و در این مورد شکی نیست
- سیاست گذار پولی به دنبال ایجاد تعادل است و نمی تواند به طور ناگهانی نرخ تورم را از ۴۵ درصد به تک رقمی کاهش دهد
- اصلاح وضعیت تورم در ایران و کنترل نقدینگی باید به صورت ساختاری و پایدار انجام شود
- با سیاست های پولی و ارزی، به تنهایی نمی توانیم مسائل رشد اقتصادی ایران را حل کنیم
- فقط بانک مرکزی نمی تواند مشکلات و چالش های نظام اقتصادی ایران را حل کند



بسیاری از  
اقتصاددانان  
نگران بودند  
که ممکن  
است نرخ  
تورم از سطوح  
۴۰-۵۰ درصد  
به نرخ‌های  
غیرقابل کنترل  
و سه‌رقمی  
افزایش یابد

یکی از بارزترین چالش‌های اقتصاد ایران در سال‌های اخیر نوسانات شدید نرخ ارز و افزایش نرخ تورم بوده است. در این شرایط، بانک مرکزی به عنوان نهاد مسئول سیاست‌گذاری اقتصادی، تلاش کرده است تا با اتخاذ تدابیر مناسب، ثبات را به بازار ارز بازگرداند. در این راستا، کاهش نرخ رشد نقدینگی از سطوح بالای ۴۰ درصد به محدوده ۲۵ درصد، نشان‌دهنده تلاش‌های بانک مرکزی برای کنترل نقدینگی و مدیریت انتظارات تورمی است.

با توجه به افزایش نگرانی‌ها درباره نرخ تورم و تأثیرات آن بر اقتصاد، بانک مرکزی اقدام به تشکیل کمیته‌ای برای مدیریت نقدینگی کرده است. این کمیته به دنبال کنترل جدی و دائمی نقدینگی و اتخاذ اقدامات لازم برای جلوگیری از افزایش نرخ تورم به سطوح غیرقابل کنترل بوده است. در این راستا، موفقیت‌های نسبی حاصل شده است، اما همچنان دو نگرانی اساسی وجود دارد: اول اینکه آیا این کنترل و موفقیت‌ها پایدار خواهد بود و دوم، تأثیر آن بر وضعیت اقتصادی و کسب‌وکارها چگونه خواهد بود؟ هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد در گفت‌وگو با حسین عبده تبریزی، کارشناس مسائل اقتصادی به تحلیل روند کاهش نرخ رشد نقدینگی و تأثیرات آن بر تورم و وضعیت اقتصادی پرداخته است. همچنین، این موضوع مورد بررسی قرار گرفت که چگونه سیاست‌های پولی و مالی می‌توانند به هم‌افزایی دست یابند تا ضمن کنترل تورم، شرایط مطلوبی برای رشد اقتصادی و حمایت از کسب‌وکارها فراهم آورند. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.

#### نرخ رشد نقدینگی از سطوح بالای ۴۰ درصد در دوره اخیر، به محدوده ۲۳ تا ۲۵ درصد رسیده است، تحلیل شما از روند کاهش نرخ رشد نقدینگی چیست؟

بدیهی است که در سال‌های اخیر و به ویژه در اواخر دهه ۹۰، نرخ تورم در ایران به سطوح نگران‌کننده‌ای رسید. همچنین، میزان نقدینگی در داخل کشور نیز مورد توجه قرار گرفت و بسیاری از اقتصاددانان نگران بودند که ممکن است نرخ تورم از سطوح ۴۰-۵۰ درصد به نرخ‌های غیرقابل کنترل و سه‌رقمی افزایش یابد. این هشدارها در بالاترین سطوح کشور مورد توجه قرار گرفت و

کمیته‌ای برای مدیریت نقدینگی در بانک مرکزی تشکیل و در این کمیته تأکید شد که کنترل جدی، دائمی و مشخصی برای نقدینگی لازم است و اقدامات لازم در چند سال اخیر آغاز شد. بنابراین، وقتی نظام متوجه شد که تورم حتی به یک موضوع امنیتی برای کشور تبدیل شده و نگرانی‌های شدیدی در این زمینه وجود دارد، ابزارهای کنترلی خود را به کار گرفت و تلاش کرد تا نقدینگی و رشد پول را کنترل کند. تا حد زیادی نیز موفقیت‌هایی حاصل شده است، همانطور که اشاره کردید، نرخ‌های رشد کاهش یافته و تورم نیز تا حدی کنترل شده است.

با این حال، دو نگرانی همواره وجود دارد: اول اینکه آیا این کنترل و موفقیت نسبی، پایدار خواهد بود و آیا می‌توانیم برای بلندمدت روی آن حساب کنیم؟ آیا عناصر اقتصادی که موجب کنترل پایه پولی و رشد پول در نظام بانکی می‌شود، به گونه‌ای است که نرخ تورم را به ارقام تاریخی‌اش در ایران، یعنی حدود ۲۰ تا ۲۲ درصد در چند دهه اخیر، بازگرداند؟ دوم اینکه این کنترل‌ها چه تأثیری بر وضعیت اقتصادی و موقعیت کسب‌وکارها خواهد داشت. زیرا حتی ممکن است فشار بیشتری برای کنترل نقدینگی وارد شود، اما در عوض رکود حاصل از این اقدام نیز به وجود آید. به عبارت دیگر، به محض اینکه فشار برای کنترل نقدینگی در نظام بانکی افزایش یابد، مشخص است که کاهش پول در گردش می‌تواند کسب‌وکارها را تحت فشار قرار دهد و سرمایه در گردش کافی در اختیار آنها قرار ندهد، که این امر می‌تواند به تولید آسیب برساند. از اینرو، سیاست‌گذار پولی به دنبال برقراری تعادل است، یعنی تعادل بین کنترل نرخ تورم و حفظ حیات کسب‌وکارها. در این زمینه می‌توان گفت که این کنترل با چالش‌هایی مواجه است: اول اینکه آیا این نرخ پایدار خواهد بود و دوم اینکه آیا می‌توانیم به تدریج فشار بر تأمین مالی کسب‌وکارها را کاهش دهیم و اجازه دهیم اقتصاد بیشتر حرکت کند؟

**بانک مرکزی معتقد است که  
نرخ تورم در پی کاهش نرخ رشد  
نقدینگی کاهش می‌شود و یک  
همبستگی بین این دو نرخ وجود  
دارد، نظر شما در این خصوص  
چيست؟ آیا تداوم سياست كنترل  
كل‌های پولی نظیر حجم پول  
و رشد نقدینگی را به مقام پولی  
کشور پیشنهاد می‌کنید؟**

۱۰۰ درصد، اگر شما بتوانید نقدینگی را کنترل کنید، تورم آرام می‌گیرد و در این مورد شکی نیست. اما مسئله این است که اداره اقتصاد تنها به سیاست‌های پولی وابسته نیست. سیاست‌های پولی، مالی و اقتصادی دیگر نیز باید به طور همزمان عمل کنند تا اقتصاد به پیش برود. درست است که وظیفه بانک مرکزی کنترل نقدینگی، تثبیت نرخ ارز و کنترل تورم است، اما در عین حال باید رشد اقتصادی را نیز مدنظر قرار دهد. به عبارت دیگر، بانک مرکزی باید به رشد اقتصادی، افزایش اشتغال و افزایش درآمد ملی و سرانه توجه کند، این موارد نیز جزو چشم‌اندازهای بانک مرکزی هستند. بانک مرکزی نمی‌تواند تنها به کنترل تورم بسنده کند. بلکه رئیس کل بانک مرکزی می‌تواند دستور دهد که هیچ بانکی وامی ندهد و به این ترتیب نرخ‌ها به شدت کنترل شود و تورم به تکریمی برسد. اما رئیس کل بانک مرکزی می‌داند که این کار ممکن نیست، زیرا این اقدام به نرخ رشد آسیب می‌زند. بنابراین، سیاست‌گذار پولی به دنبال ایجاد تعادل است و نمی‌تواند به طور ناگهانی نرخ تورم را از ۴۵ درصد به تکریمی کاهش دهد، چرا که این امر به تعطیلی اقتصاد منجر می‌شود. سیاست‌گذار پولی باید تعادل را برقرار کند و در کنار آن، سیاست‌گذاران مالی نیز باید در این مسیر تلاش کنند. اصلاح وضعیت تورم در ایران و کنترل نقدینگی باید به صورت ساختاری و پایدار انجام شود. برای مثال، کسری بودجه نباید وجود داشته باشد. اگر کسری بودجه ادامه پیدا کند و بودجه‌هایی مصوب شود که کسری را تشدید کند، کار سیاست‌گذار پولی نیز پیش نخواهد رفت. بنابراین، باید هماهنگی بین این دو وجود داشته باشد.

ما نمی‌توانیم به طور ناگهانی بودجه را تعطیل کنیم، زیرا باید به افراد حقوق پرداخت کنیم و هزینه‌هایی را در کشور انجام دهیم. اگر سیاست‌گذار پولی اهداف بسیار تندی را تعیین کند، این اهداف پایدار نخواهند بود، زیرا سیاست‌گذار مالی اجازه نمی‌دهد کسری‌ها به سرعت کاهش یابند و یا به تعادل برسند. این دو باید به طور همزمان حرکت کنند. فشارهای خارجی و تحریم‌ها نیز تأثیر زیادی بر سیاست‌های ارزی ما دارند. ممکن است سیاست‌گذار پولی تمام تلاش خود را برای تثبیت انجام دهد و وارد بازار شود، اما از طرف دیگر، ما اقتصادی داریم که مصرف‌کننده ارز هستیم. اگر مشکلاتی در فروش نفت، یا وصول مطالبات ارزی مان در دنیا به وجود آید و تحریم‌ها شدت بیشتری پیدا کند، نمی‌توان همه مسائل را حل کرد. به بیان دیگر،

نمی‌توانیم تمام انتظارات را از سیاست‌گذار پولی داشته باشیم. به نظر می‌رسد که در حال حاضر سیاست‌گذار پولی نگران تورم است و عوامل کنترلی خود را به کار گرفته است، از جمله افزایش نرخ بهره، ورود به بازار و اجرای سیاست‌های بازار باز و کنترل ترازنامه به عنوان ابزاری مؤثر برای کاهش حجم پول در داخل اقتصاد. اما در کنار این اقدامات، سیاست‌های مالی و بودجه‌ای نیز نقش بسیار مهمی دارند و فشارهای خارجی و تحریم‌ها نیز تأثیر عمده‌ای بر کل اقتصاد دارند. برای اینکه تعادل مناسبی بین نرخ تورم و نرخ رشد اقتصادی برقرار شود، این دو باید به طور همزمان حرکت کنند. باید در دولت چهاردهم این امکان فراهم شود که این سیاست‌ها هماهنگ با یکدیگر عمل کنند.

**اشاره داشتید که بحث کسری بودجه دولت و مسائلی مثل تسهیلات تکلیفی بر سیاست‌های پولی اثر می‌گذارد و اجازه نمی‌دهد سیاست‌گذار پولی به اهداف مدنظر خود برسد، سیاست‌های مطلوب در این حوزه چیست و به چه سمتی باید برویم تا اثرات منفی سیاست‌های مالی بر سیاست‌های پولی کاسته شود؟**

الان مشکلات اقتصادی کشور ما بسیار زیاد است و شاید در تاریخ اخیر، حتی در مقایسه با زمان جنگ، چنین حجم بالایی از مشکلات را تجربه نکرده‌ایم. در همه حوزه‌ها با چالش‌های جدی روبه‌رو هستیم، چالش‌هایی که برخی از آنها را می‌توان به عنوان بحران توصیف کرد. هر جا که نگاه می‌کنید، با مشکلات اساسی مواجه هستیم. بنابراین، من درک می‌کنم که مسئولان فعلی، از جمله بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و دیگر نهادها، وظایف بسیار سنگینی دارند که باید انجام دهند. سازمان برنامه نیز باید در هماهنگی کامل با این نهادها باشد. امیدواریم این هماهنگی در دولت چهاردهم به طور کامل برقرار شود و خوشبختانه به نظر می‌رسد افرادی که به مجلس معرفی شده‌اند، در دیدگاه‌ها هماهنگ هستند. همه آنها به یک اقتصاد رقابتی معتقدند و در مورد مجاری تورم و ضرورت کنترل قیمت‌ها و سیستم تک‌نرخ در بلندمدت اجماع نظر دارند. با انتخاب وزرا در دولت چهاردهم، تصاویر بهتری از وضعیت خواهیم داشت. به طور کلی، کار پیش رو بسیار دشوار است، زیرا سیاست‌ها باید متناسب

سیاست‌گذار پولی به دنبال برقراری تعادل است، یعنی تعادل بین کنترل نرخ تورم و حفظ حیات کسب‌وکارها



اگر کسری بودجه ادامه پیدا کند و بودجه‌هایی مصوب شود که کسری را تشدید کند، کار سیاست‌گذار پولی نیز پیش نخواهد رفت

با واقعیت‌های اقتصادی کشور باشند و مواجهه با این محدودیت‌ها کار سختی است. بازگرداندن امور به مسیر دولت نیز یکی از حوزه‌های مهم است. در حال حاضر، برخی حوزه‌ها مانند ارز و فروش نفت خارج از دست دولت قرار دارد. هرچه سیاست‌ها در چارچوب اختیارات دولت حل شوند، کار سیاست‌گذار آسان‌تر خواهد بود، زیرا او می‌داند با چه متغیرهایی کار می‌کند. من که اطلاعات دقیقی ندارم، نمی‌توانم جزئیات مشخصی ارائه دهم، اما رئیس کل بانک مرکزی باید اطلاعات کاملی از درآمدهای ارزی خود در چند ماه آینده داشته باشد. او باید بداند که آیا این منابع به بانک مرکزی بازمی‌گردد، یا خیر و بر اساس این فاکتورها و با هماهنگی سایر مسئولان، کارش را پیش ببرد. از این نظر، کار بسیار سنگینی است و لازم است که مقامات کشور به دنبال بهبود مناسبات بین‌المللی ایران باشند تا فشارهای بین‌المللی کاهش یابد و ایران بتواند سیاست‌های خود را پایدار کند. کنترل نرخ تورم و نوسانات آن بسیار مهم است. نمی‌توان یک سال نرخ تورم ۸ درصد و سال دیگر ۲۸ درصد، ۱۰ درصد و یا ۱۳ درصد داشت. این نوسانات خود به انتظارات تورمی و مشکلات اقتصادی دامن می‌زند. باید تلاش کنیم این نوسانات را کاهش دهیم و به محدوده دو تا ۳ درصد برسانیم. بانک مرکزی باید ابزارهای لازم را داشته باشد و این ابزارها باید به وزارت اقتصاد، وزارت نفت و دیگر وزارتخانه‌ها برگردد تا کنترل‌ها به خوبی انجام شود. اما تأکید من این است که با سیاست‌های پولی و ارزی به تنهایی نمی‌توانیم مسائل رشد اقتصادی ایران را حل کنیم.

#### استفاده بانک مرکزی از ابزار نرخ بهره را برای کنترل تورم چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در شرایط فعلی، سیاست‌گذار مجبور است هر زمان نقدینگی را کنترل کند، در اقتصاد سستی ایجاد می‌شود. اگر نرخ بهره را بالا ببرید، همین اتفاق می‌افتد. در حال حاضر، در غرب نیز همین وضعیت وجود دارد. سیاست‌گذاران در غرب تصمیم گرفته‌اند که برای جلوگیری از مواجهه با نرخ‌های تورمی ۷ تا ۷.۵ درصد، اقتصاد را کند کنند. اما این گندی نباید به یک عنصر بلندمدت تبدیل شود. باید سعی کنیم در یک دوره مشخص این فشار را به اقتصاد وارد کنیم، نقدینگی را کنترل کنیم و در عین حال کسب‌وکارها را مختل نکنیم. تقریباً دو سال است که بانک‌ها به کسب‌وکارها وام قابل توجهی نداده‌اند.

کسب‌وکارها از شهریور و مهر سال گذشته اعلام کردند که پولی دریافت نمی‌کنند و امسال نیز در آغاز سال منابع کافی وجود نداشت. بخشی از این مشکل به پرداخت‌های مصرفی دولت سیزدهم برمی‌گردد که به دلیل وضعیت بد مردم، تصمیم به پرداخت آنها گرفته شد و این فشار را بر نظام بانکی وارد کرد. این پرداخت‌ها، مانند وام ازدواج و وام‌های دیگر، تا حدی بر زندگی مردم تأثیر داشت، اما طبیعی است که کسب‌وکارها می‌توانند بگویند منابعی برای توسعه در اختیار نداشتند.

در پایان سال گذشته، بانک نیز تصمیم به افزایش نرخ سود بدون ریسک از ۲۳ به ۳۰ درصد گرفت. اگرچه اعلام شد که این یک سیاست کوتاه‌مدت است و وزارت اقتصاد تأکید داشت که این تصمیم تکرار نخواهد شد، اما تأثیر سنگینی بر بازار، نرخ‌ها و به ویژه بازار سرمایه گذاشت. وقتی نرخ سود بدون ریسک به ۳۰ درصد رسید، نرخ‌های شرکت‌ها به ۴۰ و ۴۲ درصد هم افزایش یافت و صندوق‌های جمعی و لیزینگ‌ها نیز به همین ترتیب گران‌تر شدند. انگیزه بانک مرکزی مشخص بود، یعنی بازار متوجه شد که بانک مرکزی در حال جمع‌آوری پول‌ها و نگران نرخ ارز است. حتی اگر انگیزه‌های بانک مرکزی متفاوت بود، بازار این فشار را درک کرد و به بورس فشار آورد، زیرا بورس در موقعیت بسیارضعیفی قرار داشت.

نرخ جدید به طور ناگهانی به بازار سهام فشار آورد و این بازار آمادگی رقابت با این نرخ را نداشت. به نظر می‌رسد سایر اقدامات بانک مرکزی در مسیر درستی قرار داشته‌اند. شاید اگر بانک مرکزی بخواهد نرخ‌ها را بالا ببرد، بهتر است این کار را به تدریج انجام دهد. به طور کلی، پایین آوردن نرخ‌ها در حال حاضر کمکی نخواهد کرد. اگر بتوانیم تورم را کنترل کنیم، نرخ‌ها به طور طبیعی کاهش خواهند یافت. در حال حاضر، نظام بانکی با نرخ‌های ۳۰ درصد و بالاتر وام می‌دهد و تسهیلاتی ارائه می‌کند. بنابراین، افرادی که می‌خواهند وام بگیرند، باید توجه کنند که آیا با این نرخ می‌توانند کار کنند و یا خیر؟ در حال حاضر، نرخ‌های پایین‌تر به طور نسبی در سیستم بانکی کمتر شده و سیستم بانکی نیز نرخ‌های بالاتری ارائه می‌دهد. این وضعیت به کاهش وام‌های رانتی و احتمالاً کاهش فساد در سیستم بانکی کمک کرده‌است. به طور کلی، تصمیم اخیر بانک مرکزی می‌تواند مزایایی داشته باشد، اما بازگشت به نرخ‌های پایین‌تر ممکن است عاقلانه نباشد. به نظر می‌رسد که بانک‌ها نباید بیشتر





اقتصاد

ناترازی بانک‌ها. ناترازی نظام بانکی ما ریشه‌های نظری دارد و از روزهای اول انقلاب این درگیری وجود داشته است. به عنوان مثال، آقای مولوی که در اوایل انقلاب رئیس کل بانک مرکزی شد، در مظان اتهام قرار گرفت که نمی‌داند بانکداری اسلامی چیست. درگیری‌هایی از سوی برخی نهادهای آن زمان که مدعی بانکداری اسلامی بودند، به وجود آمد و آنها از آقای مولوی خواستند که سیستم را تغییر دهد. این وضعیت تا امروز ادامه دارد و اوج آن در دوره آقای نوربخش بود که یک نحله اقتصادی شروع به پیاده‌سازی بانکداری اسلامی کرد و بانکداری غیررسمی در کشور توسعه یافت. در ابتدا، بحث قرض الحسنه مطرح شد که هیچ‌کس با آن مخالف نیست، اما من در دهه شصت شاهد بودم که یکی از اتهامات من این بود که مخالف بانکداری اسلامی، یا قرض الحسنه هستم. در حالی که عقل سلیم با قرض الحسنه مخالف نیست، اما می‌دیدم که این سیستم در حال شکل‌گیری است و اینها دارند بانکداری می‌کنند. این وضعیت تا دهه هشتاد ادامه داشت و به وقوع اتفاقاتی مانند موسسه محمد رسول الله

از نرخ‌های فعلی سود بدهند، اما افزایش نرخ تأثیر خود را گذاشته است. سایر تصمیمات بانک مرکزی، از جمله کنترل کل‌های پولی و به ویژه کنترل ترازنامه بانک‌ها، تأثیر جدی‌تری داشته و به نظرمی‌رسد که بانکداران مرکزی به اهمیت این رفتار پی برده‌اند و از آن بیشتر استفاده خواهند کرد. به احتمال زیاد، آنها به این مسیر ادامه خواهند داد، زیرا شاید گزینه دیگری در دسترس نباشد.

**یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاست‌گذار پولی بحث ناترازی بانک‌ها است، بانک مرکزی در این زمینه اقداماتی اساسی از جمله کنترل مقداری ترازنامه‌ها و موارد دیگری را در دستور کار قرار داده، این کنترل‌ها را تا چه میزان در حل این چالش موثر می‌دانید؟**

کنترل ترازنامه‌ای به کنترل نقدینگی مرتبط است و بیشتر به سلامت نظام بانکی مربوط می‌شود تا رفع

## سیاست‌گذار پولی نگران تورم است و عوامل کنترلی خود را به کار گرفته است

منجر شد. نظام تبلیغاتی نیز به گونه‌ای نبود که صدا و سیما به عنوان رسانه ملی، این موسسات را غیرقانونی یا قانونی معرفی کند. بسیاری از مسابقات ورزشی نیز توسط همین موسسات غیرقانونی تأمین مالی می‌شد. در دوره‌ای، به ویژه در دولت احمدی‌نژاد، تعداد این موسسات به چند هزار شعبه غیرقانونی رسید و شاید در مقطعی به ۲۵ هزار شعبه غیرقانونی رسیدند. این موسسات نظام بانکداری ما را به هم ریختند.

مجاز بانکداری خصوصی در سال ۸۳ برای چهار بانک صادر شد. وقتی در کشور بانک بد وجود داشته باشد، بانک بد، بانک خوب را از میدان به در می‌کند. به همین دلیل، بانک ملی در یک مقطع مجبور شد نرخ سود ۲۶ درصد بدهد تا با موسسه کاسپین رقابت کند. برای مردم عادی روشن نبود که کدام یک از این موسسات قانونی و کدام غیرقانونی هستند. یکی از اشکالات ما در بانکداری خصوصی این بود که همزمان صندوق‌های تضمین جدی برای سپرده‌های مردم ایجاد نکردیم و برای مردم روشن نکردیم که بانک دولتی ریسک ندارد، اما بانک خصوصی می‌تواند ریسک داشته باشد. شاید هنوز هم این موضوع برای مردم روشن نشده است. این تحولات به بحران‌هایی منجر شد که در دو سال آخر دولت احمدی‌نژاد به اوج خود رسید. تعداد این موسسات غیرقانونی بسیار بیشتر شد و نظام بانکی این وضعیت را به عنوان یک ریسک بزرگ برای کشور در نظر گرفت و شروع به جمع‌آوری این موسسات کرد. به تدریج، این موسسات غیرقانونی در طول زمان جمع‌آوری شدند و وضعیت فعلی ایجاد شد. اکنون بانک‌ها به چند گروه تقسیم می‌شوند. برخی از آنها از سلامت نسبی برخوردارند، اما در کل همه آنها مشکلاتی دارند، حتی بهترین آنها. بانک مرکزی می‌تواند به برخی از آنها کمک کند، اما برخی دیگر در موقعیتی نیستند که بانک مرکزی بتواند به آنها کمک کند. در یک موقعیت، بانک مرکزی به عنوان منبعی برای رفع کسری‌های کوتاه‌مدت به بانک‌ها نگاه می‌کند و می‌گوید که مشکلی نیست. اما اگر موسسه‌ای یک یا دو سال کسری داشته باشد، دیگر این موقعیت، موقعیت تزریق نقدینگی نیست و باید درباره این نهاد تصمیم‌گیری شود.

بانک مرکزی در نهایت با این نهادها درگیر است. برخی از این نهادها در موقعیت مناسبی نیستند و باید اصلاح شوند. هر چه زمان بگذرد، وضعیت بدتر می‌شود و بدهی‌ها و زیان‌های آنها افزایش می‌یابد و بانک مرکزی را در معرض مشکلات

بیشتری قرار می‌دهد. نظام بانکی در ایران همیشه نشان داده که دولت پشت آن است و این یکی از نکاتی است که باید اصلاح شود. مردم باید مسئولیت انتخاب خود را در مورد اینکه پولشان را کجا می‌گذارند، بپذیرند. ولی فعلاً موقعیت این است و سیاست‌گذار هم این را پذیرفته است، یعنی سیاست‌گذار الان خودش را در قبال همه سپرده‌های مردم پاسخگو می‌داند. این وضعیت باید در طول زمان اصلاح شود. اگر می‌خواهیم نظام بانکی مان را باز کنیم و بانک‌هایی وجود داشته باشند که سود بالاتری بدهند، ریسک آن نباید متوجه دولت شود. مردم نباید جلوی بانک مرکزی جمع شوند و از دولت بخواهند که به خاطر سودهای بالاتر از آنها حمایت کند. باید ابهاماتی که ایجاد شده، روشن شود. همه سپرده‌ها باید حداقل تضمین داشته باشند و صندوق تضمین ما باید بزرگ‌تر شود تا مردم بدانند که دولت تا یک حدی از سپرده‌ها را تضمین کرده است.

برخی دیگر از ریسک‌ها بر عهده خود مردم است، مگر اینکه بانک دولتی باشد که ریسک آن بر عهده دولت می‌افتد. تصمیم‌گیری درباره ناترازی‌ها آسان نیست و مشکل است، اما غیرقابل اجتناب است. نهادهای مالی که مشکلات بنیادی و کسری‌های قابل ملاحظه‌ای دارند، باید تحت نظر قرار گیرند. بانک مرکزی باید درباره این نهادها تصمیم بگیرد و کل نظام نیز باید به کمک بیاید، زیرا این تصمیمات بزرگ هستند. شاید خود بانک مرکزی به تنهایی نتواند تصمیم بگیرد و کل نظام حکمرانی در ایران باید برای اصلاح این وضعیت وارد عمل شود و نباید اجازه دهد که دوباره تکرار شود. زمینه‌های تکرار این وضعیت نیز نباید وجود داشته باشد. اگر بانک‌ها مشکلاتی دارند، باید زودتر کنترل شوند و نظارت‌ها تقویت شوند. به نظر می‌رسد که بانک مرکزی در حال حاضر در حال اتخاذ تصمیمات بزرگ در این زمینه است.

**بانک مرکزی در خصوص انحلال  
موسسات ناتراز در یک سال اخیر  
ورود جدی‌تری داشته و سه  
موسسه نور، توسعه و کاسپین را  
منحل کرد و برای سال جاری  
هم تعدادی از بانک‌ها به سمت  
رفع ناترازی خواهند رفت،  
این اقدامات را چطور ارزیابی  
می‌کنید و آیا باعث بهبود فضای  
نظام بانکی کشور می‌شود؟**

بله، این موضوع حتماً مؤثر است. نهادهایی که به طور غیرقانونی تشکیل شده‌اند، معمولاً از

رئیس کل بانک  
مرکزی باید  
اطلاعات کاملی  
از درآمدهای  
ارزی خود در  
چند ماه آینده  
داشته باشد

انجام شود و این فرآیند حل و فصل و رزولوشن مرحله‌ای دارد و باید تا مرحله‌ای پیش برود. آنچه روشن است، اینکه هر چه دیرتر اقدام شود، کار مشکل‌تر می‌شود و هزینه‌ها و خسارات سنگین‌تر خواهند بود. اگر بانکی داشته باشید که سمت راست ترازنامه‌اش با سمت چپ آن همخوانی نداشته باشد و کسری داشته باشد، کسی باید این کسری را پرداخت کند. به علت ضعف حقوقی که صاحبان سهام دارند، معمولاً این بار به دوش دولت‌ها می‌افتد. حالا دولت ما با وضعیت سخت بودجه‌ای که دارد، باید تصمیم بگیرد که این کسری‌ها را چگونه پرداخت کند، یا اصلاً حق دارد اینها را پرداخت کند یا نه. اینها تصمیمات آسانی برای بانک مرکزی نیست، اما ناگزیر از اتخاذ این تصمیمات است و امیدواریم که این مسائل در سال جاری حل شود. اگر موسسه‌ای ۱۰ یا ۲۰ سال طول بکشد تا منحل شود، این یک اشتباه است و هزینه‌های آن برای همه ذی‌نفعان بیشتر می‌شود. در نهایت، این مردم هستند که متحمل این هزینه‌ها می‌شوند و دولت نیز از جایی باید این تفاوت‌ها را پرداخت کند، که ممکن است به معنای کاهش بودجه‌های آموزش و پرورش و بهداشت باشد. افرادی که خلاف کرده‌اند، یک نظام بانکی معیوب و کسری‌هایی را ایجاد کرده‌اند و این کسری‌ها را بردوش دولت می‌گذارند. زمانی که دولت یک نهاد بیمار را، مثلاً با بانک ملی، ادغام می‌کند، فشار مضاعفی بر بانک ملی وارد می‌شود. زیان‌ها به سادگی از بین نمی‌روند و در نهایت باید در جایی این زیان‌ها جبران شوند. در ادغام‌ها، زیان‌ها معمولاً به صورت مخفیانه ثبت می‌شوند، مثلاً بایک ترازنامه بزرگ ترکیب می‌شوند و ظاهراً مشخص نیست، اما فشار آن به مردم منتقل می‌شود.

#### بانک مرکزی به عنوان اقدامات پیشگیرانه چه استانداردهایی را باید برای بانک‌ها قرار دهد تا از ناآرامی بانک‌ها جلوگیری شود؟

بالاخره این مسائل چیزی نیست که ما اختراع کنیم، در دنیا قواعد بین‌المللی موجود است. کمیته بال سال‌هاست که در این زمینه‌ها کار کرده و نظام بانکی دنیا نیز به همین شکل فعالیت می‌کند. نظام بانکی ما هم شباهت‌های زیادی به این نظام‌ها دارد. اخیراً قانونی جدید به تصویب رسیده که اختیارات جدیدی را برای رئیس کل بانک مرکزی و دستگاه بانک مرکزی فراهم کرده است. این قانون، به رغم تمام مشکلاتی که در تعاریفش دارد، تلاش کرده تا اختیارات را

سوی مردم عادی تأسیس نشده‌اند، بلکه افرادی با نفوذ در داخل کشور به این کار پرداخته‌اند. متأسفانه، برخی موسسات نظامی، اطلاعاتی و نظارتی نیز خودشان به بانک‌داری پرداخته‌اند و این باعث شد که دیگران نیز به این میدان وارد شوند. خوشبختانه با تمرکز این موسسات در بانک سپه، بخش قابل‌توجهی از مشکلات حل شده است، زیرا همه به این بانک‌ها ارجاع می‌دادند و روشن بود تا زمانی که این موسسات جمع نشوند، جمع‌آوری موسسات دیگر بسیار دشوار خواهد بود. به نظر می‌رسد که بعد از حدود ۱۰ سال، توانسته‌ایم موسسات غیرقانونی را جمع‌آوری کنیم و وضعیت را نظام‌مند کنیم. وضعیت اکنون بسیار بهتر از ۱۰ سال پیش است که یک نهاد با کاغذ در خیابان، سپرده بانرخ‌های ۳۰ یا ۴۰ درصد و به صورت نسبی می‌فروخت. این موسسات غیرقانونی، فشار و وحشتناکی به نظام بانکی وارد کردند. بنابراین، وضعیت فعلی از این نظر که موسسات غیرقانونی نداریم، بسیار بهتر است.

در دنیا نیز چنین اتفاقی نیفتاده که تعداد زیادی موسسه غیرقانونی به نام قرض الحسنه یا تعاونی اعتبار شکل بگیرد و شروع به بانک‌داری بدون کنترل و نظارت کنند و نرخ‌هایی را تعیین کنند که سپرده‌های مردم را به خطر بیندازند. خوشبختانه، کنترل بانک مرکزی و استقلال آن و قدرت رئیس کل بانک مرکزی باعث می‌شود که همه از او حساب ببرند و نگران شوند، چه بانکدار دولتی باشد و چه خصوصی. شرایط نباید به گونه‌ای باشد که مقام تنظیم‌گرنه‌تواند به برخی فشار بیاورد و یا نتواند به برخی دیگر فشار وارد کند.

در بازار سرمایه نیز همین وضعیت وجود دارد. یعنی مسئول بازار سرمایه نباید بتواند به برخی فشار بیاورد و به برخی دیگر نه. مقام تنظیم‌گر در داخل سازمان بورس، بانک مرکزی یا بیمه مرکزی باید بتواند با همه به طور مساوی برخورد کند و از هیچ‌کس نترسد. کل حاکمیت باید کمک کند که این استقلال برای مقام ناظر و تنظیم‌گر در هر جایی، از جمله بانک مرکزی، بازار سرمایه و بازار بیمه، برقرار شود. امیدواریم این استقلال مستقر باشد. مرحله دوم این است که این مقام تنظیم‌گر با موسساتی که مشکل دارند، روبه‌رو است. این مشکلات ساختاری هستند و نمی‌توانند ادامه یابند. طبیعی است که این موسسات ممکن است تعداد زیادی سپرده‌گذار داشته باشند، بنابراین نحوه عمل آنها عادی نیست که به سادگی بگویند اینجا را ببندید. باید برخوردی متناسب با شرایط

بانک مرکزی  
نگران تورم  
است، اما هدف  
آن تنها کنترل  
تورم نیست  
بلکه می خواهد  
اطمینان  
حاصل کند که  
اشتغال ایجاد  
می شود و نرخ  
رشد اقتصادی  
وجود دارد

تقویت کند که این امر مثبت است. اما در مورد اقداماتی که باید انجام دهیم، باید به همان رویکردهایی توجه کنیم که بانک های مرکزی دنیا در حال انجام آن هستند. ما نیز در ایران باید به فارغ التحصیلانی که در زمینه بانکداری مرکزی تحصیل کرده اند، بیشتر توجه کنیم و از افرادی که صرفاً تجربه بانکداری تجاری دارند، کمتر استفاده کنیم. زیرا سیاست گذاری پولی کاری متفاوت با انجام عملیات بانکداری تجاری است و نیاز به کارشناسان خاص خود دارد. ما باید نگران ریسک های نقدینگی، ریسک های نکل اعتباری، ریسک های بازار و ریسک های عملیاتی در داخل بانک ها باشیم و این ریسک ها را به طور همزمان مدیریت کنیم. بدیهی است که قواعد مربوط به این ریسک ها نیز روشن و موجود است و ایران می تواند از این قواعد بهره برداری کند. هر چند ممکن است در یک یا دو مورد نیاز باشد که با توجه به شرایط بومی و محلی خودمان، تصمیماتی اتخاذ کنیم که در چارچوب مقررات بال می گیریم، محدودکننده نیستند، به طوری که این مقررات به کشورها اجازه می دهد تا با توجه به شرایط خود، درجه ریسک را به طور متفاوتی تنظیم کنند. به عنوان مثال، در کشور ما ریسک بخش مسکن برای بانک مسکن و ریسک اعتباری آن بسیار پایین است، در حالی که در کشورهای دیگر این ریسک ممکن است بالاتر باشد. از این نظر، مقررات بال اجازه می دهد که ما این ضریب را در ایران متفاوت در نظر بگیریم و همچنین در مورد سایر ابزارها. بنابراین، مقررات بین المللی هم انعطاف پذیر است و به کشورها اجازه می دهد که ضرایب را متناسب با متغیرهای محلی خود اصلاح کنند. به عنوان مثال، در مورد ضمانت نامه ها در ایران ممکن است ضریب ریسک متفاوتی نسبت به امارات و عربستان داشته باشیم. به طور کلی، به نظر می رسد که مقررات بین المللی کافی وجود

دارد و نظام بانکی ما نیز مقررات خاص خود را دارد. از این نظر، مشکل قانونی و مقرراتی نداریم، تنها مسئله اجرا است که باید بتوانیم آن را به خوبی پیاده سازی کنیم.

**اگر بخواهیم از دیدگاه نظارتی نگاه کنیم، به نظر شما پاشنه آشیل نظام بانکی کشور در حوزه نাত্রازی چیست و اینکه نظارت در حوزه نظام بانکی، باید بیشتر روی کدام حوزه ها متمرکز شود؟**

مشکل اساسی ما در مورد نرخ ها بوده است. این نرخ های نامتوازن زمینه هایی برای رانت در گذشته ایجاد کرده و نرخ تورم بالا نیز امکان برنامه ریزی بلندمدت را از هر مسئولی می گیرد. در چنین شرایطی، سرمایه گذاری ها به سمت کوتاه مدت حرکت می کنند. وقتی نرخ تورم بالا باشد، برخی از امکانات را از بانک مرکزی می گیرند. به عنوان مثال، در بخش مسکن، یک جوان وقتی می خواهد خانه بخرد، بدون وام نمی تواند این کار را انجام دهد. اما در حال حاضر، نظام بانکی ما کاملاً از پرداخت وام عاجز است و حتی قادر نیست نیمی از هزینه مسکن را تأمین کند. این وضعیت نشان دهنده چالش های جدی در نظام بانکی و اقتصادی کشور است که نیاز به اصلاحات اساسی دارد. بانک مرکزی به تنهایی نمی تواند مشکلات و چالش های نظام اقتصادی ایران را حل کند. مثالی که می توانم بزنم در حوزه تسهیلات خرید مسکن است. تقریباً نظام بانکی ما در حال حاضر تسلیم شده است. در چند دهه پیش بانک ها تبلیغ می کردند که وام مسکن ۱۸ ساله با نرخ ۱۲ درصد بگیرد. اما اکنون بعد از گذشت چند دهه، سیستم بانکی ما دیگر قادر به حل مشکل نیست. روشن است که مردم

بـرـش



### نگاه مردم به حمایت دولت از بانک ها باید اصلاح شود

اگر می خواهیم نظام بانکی مان را باز کنیم و بانک هایی وجود داشته باشند که سود بالاتری بدهند، ریسک آن نباید متوجه دولت شود. مردم نباید جلوی بانک مرکزی جمع شوند و از دولت بخواهند که به خاطر سودهای بالاتر از آنها حمایت کند. باید ابهاماتی که ایجاد شده، روشن شود. همه سپرده ها باید حداقل تضمین داشته باشند و صندوق تضمین ما باید بزرگ تر شود تا مردم بدانند که دولت تا یک حدی از سپرده ها را تضمین کرده است.

۱۲



**اقتصاد**

● شماره ۵۸ - مهر ۱۴۰۳ ●

بدون وام نمی‌توانند مسکن بخرند. خرید مسکن نیازمند پس‌اندازهای گذشته، حال و آینده است و باید یک نفر این آینده را تأمین کند.

ما اشکالاتی در نظام بانکی داریم که برخی از وظایف خود را به درستی انجام نمی‌دهد. در حال حاضر، به خاطر درگیری‌های بین‌المللی، کارهایی که یک بانک در سطح جهانی انجام می‌دهد، مانند کارهای صادرکنندگان یا واردکنندگان، به درستی انجام نمی‌شود و این هزینه‌های سنگینی به ایران تحمیل می‌کند. به عنوان مثال، کسی که می‌خواهد تجهیزات کارخانه‌ای وارد کند، با وجود داشتن اعتبار اسنادی یا منابعی از صندوق توسعه ملی، مجبور است پول نقد ببرد و منتقل کند تا سفارش خود را ثبت کند. این مشکلات وجود دارد و سیستم بانکی در گذشته ابزارهای لازم را داشته، اما اکنون نمی‌تواند از آنها استفاده کند و این تقصیر بانک مرکزی نیست.

بنابراین، بخشی از این مسائل به مشکلات کلی کشور در حوزه‌های سیاست، اقتصاد و تحریم‌ها برمی‌گردد. بخشی که مربوط به بانک مرکزی است، توانایی آن در کنترل تورم در طول زمان است. زیرانرخ بالای تورم، نظم اقتصادی را مختل کرده و قراردادهای بلندمدت را غیرممکن می‌کند. وقتی تورم بالا است، صندوق‌های بانزشتگی با کسری مواجه می‌شوند و نمی‌توان با کارگران قراردادهای بلندمدت بست. همچنین، با وجود تورم، نمی‌توان بازار رهن و وام مسکن را ساماندهی کرد. به همین دلیل، بانک مرکزی متوجه است که اگر بتواند تورم را به حدود ۲۰ درصد، که نرخ تاریخی ماست، یا حتی کمی کمتر برگرداند، می‌تواند به رشد اقتصادی کمک کند.

بسیاری از اقتصاددانان پیش‌بینی کرده‌اند که چنین نرخ‌هایی می‌تواند به اقتصاد ایران کمک کند، اما ما هنوز فاصله زیادی داریم و نمی‌توانیم یکباره به عقب برگردیم. بنابراین، اینگونه نیست که بانک مرکزی بتواند به تنهایی اصلاحات را انجام دهد، بلکه باید متغیرهای اقتصادی دیگر نیز به درستی عمل کنند تا تعادل‌های لازم در کشور ایجاد شود. واقعیت این است که برای اینکه اقدامات بانک مرکزی پایدار باشند، باید تغییراتی در محیط بیرونی، به ویژه در سیاست و مناسبات خارجی ایران اتفاق بیفتد. این مهم نیست که رشد اقتصادی حتماً ۸ درصد باشد، مهم این است که اگر یک سال ۸ درصد شدیم، سال بعد مثلاً منفی دو درصد نشویم، اتفاقی که در دهه ۹۰ افتاد. در آن زمان، به خاطر افزایش فروش نفت، به یکباره نرخ رشد بالای ۱۰ درصد را تجربه کردیم،

اما این نرخ پایدار نبود و میانگین آن به حدود صفر یا حداکثر یک درصد رسید. برای جلوگیری از تکرار این مسائل، طبیعی است که باید همه سیاست‌ها با یکدیگر هماهنگ شوند و تغییراتی در ساختار اقتصادی ایجاد شود. بانک مرکزی حتماً به این موضوع فکر می‌کند و می‌داند که زیرساخت‌های کشور در حال تخریب است و استهلاک‌ها افزایش یافته است. همچنین، سرمایه‌گذاری به اندازه کافی در کشور انجام نمی‌شود و بانک مرکزی نگران نرخ رشد نیز هست. تورم ابزاری است برای دستیابی به نرخ رشد، یعنی تورم بالا می‌تواند به نرخ رشد پایدار آسیب رساند. به همین دلیل، بانک مرکزی نگران تورم است، اما هدف آن تنها کنترل تورم نیست، بلکه می‌خواهد اطمینان حاصل کند که اشتغال در حال کار است و نرخ رشد اقتصادی وجود دارد. واقعیت این است که مشکلات فراوانی وجود دارد و بانک مرکزی نمی‌تواند همه این مشکلات را در یک سال حل کند. آنچه اکنون در مقابل بانک مرکزی قرار دارد، حفظ نسبی قیمت ارز و جلوگیری از بدتر شدن وضعیت است. همچنین، بانک مرکزی باید بتواند موقعیت کنونی خود در کنترل تورم را حفظ کند و اگر نهادهایی با ناترازی در اقتصاد وجود دارد، به حل این مسائل بپردازد. اینها موضوعاتی است که بانک مرکزی با آنها مواجه است و امیدواریم بتواند این مسائل را پیش ببرد.

#### در یک سال گذشته حوادثی

مانند جنگ غزه، اقدام

نظامی رژیم صهیونیستی علیه

کنسولگری ایران، عملیات

وعدم صادق، عملیات تروریستی

کرمان، سانحه سقوط بالگرد

رئیس‌جمهور و ترور شهید

هنیه را شاهد بودیم که هر یک

می‌توانست شوکی را به بازار ارز

وارد کند، اما نرخ ارز در کانال

۵۰ تا ۶۰ هزار تومان تثبیت شد

و شاهد یک ثبات ارزی بودیم،

عملکرد بانک مرکزی را در

این خصوص چطور ارزیابی

می‌کنید؟

قطعاً اینکه بانک مرکزی توانسته آرامشی در بازار ارز ایجاد کند، یک موفقیت برای این نهاد است، اما باید توجه کنیم که تابع هدف ما یک متغیر نیست. با توجه به تنش‌های سیاسی متعدد در ماه‌های اخیر، انصافاً بانک مرکزی به خوبی توانسته بازار ارز را مدیریت کند و

اینگونه نیست  
که بانک مرکزی  
بتواند به تنهایی  
اصلاحات را  
انجام دهد  
بلکه باید  
متغیرهای  
اقتصادی دیگر  
نیز به درستی  
عمل کنند تا  
تعادل‌های لازم  
در کشور ایجاد  
شود





با توجه به  
تنش‌های  
سیاسی متعدد  
در ماه‌های  
اخیر انصافا  
بانک مرکزی به  
خوبی توانسته  
بازار ارز را  
مدیریت کند

آرامش را در کشور ایجاد کند که شایسته تقدیر است. اگر بخواهیم مصرف کالاهای میانه، یعنی نهاده‌هایی که در ایران به تولید می‌انجامیده و واردات این کالاها که می‌توانسته مواد اولیه یا مواد نیمه‌ساخته برای کالاهای دیگر باشد، را بررسی کنیم، متوجه می‌شویم که کاهش قابل‌ملاحظه‌ای در این زمینه وجود دارد. در واقع، مادر برخی حوزه‌ها مجبور شده‌ایم از منابع مصرفی مان کاسته و این وضعیت می‌تواند به نرخ رشد کشور آسیب برساند. اما بانک مرکزی شاید چاره‌ای نداشته و باید این کار را می‌کرده، زیرا ارز محدودی در اختیار داشته است. به عنوان مثال، در مورد واردات خودرو، بانک مرکزی نگران بوده که واردات ممکن است منابع ارزی‌اش را به هم بزند، بنابراین مجبور است محدودیت‌هایی ایجاد کند. این محدودیت‌ها در برخی موارد مثبت بوده‌اند، اما در دیگر موارد، نرخ رشد کشور را کند کرده‌اند. بدیهی است که بانک مرکزی با ابزارهایی که در اختیار دارد، به امکانات موجود می‌نگرد و تلاش می‌کند تا ورودی پول و ارز را با شرایط موجود افزایش دهد. برخی از فعالان حوزه تجارت از اینکه باید ارز خود را زیر قیمت‌های بازار یا قیمت‌های سامانه‌هایی مانند نیما و غیره بفروشند، ناراضی هستند و معتقدند که اگر این محدودیت‌ها آزاد شود، فرار سرمایه کمتر خواهد شد و پول‌های بیشتری به کشور برمی‌گردد. در مورد کالاهای اساسی نیز بانک مرکزی در وضعیت دشواری قرار دارد و باید مقداری کالاهای اساسی وارد کشور شود. این بانک تلاش کرده تا اقلام را کاهش دهد و تا حدی نیز موفق شده است، اما در نهایت، کالاهای اساسی باید با دلار ۲۸۵۰۰ تومانی وارد شوند. حتی در مورد دارو، نرخ ۴۲۰۰ تومانی هنوز وجود دارد و این فاصله میان ۲۸۵۰۰ و نرخ جاری، یک معضل است که بانک مرکزی مجبور است با آن دست و پنجه نرم کند. دولت از طرفی وعده می‌دهد که آب و برق و گاز را به قیمت‌های ارزان‌تر ارائه می‌دهد، اما در عمل، قیمت این موارد برای کارخانه‌ها افزایش یافته و برخی کارخانه‌ها مجبورند آب را از بخش خصوصی با قیمت بالا خریداری کنند. به این ترتیب، امکاناتی که دولت به این کارخانه‌ها می‌دهد، در حال کاهش است و توجه اینکه تفاوت نرخ ارز به این شکل قابل قبول است، کمتر می‌شود. به هر حال تلاش بانک مرکزی در اینکه (به غیر از ارز ۲۸۵۰۰ تومان)، بقیه ارزها را به نرخ بازار نزدیک کند، بسیار مهم است. این امر می‌تواند به تقویت امکانات ارزی بانک مرکزی کمک کند تا بتواند تخصیص‌های بیشتری انجام دهد

و از این وضعیت خارج شود. باید از وضعیت فعلی بیرون بیایم و مسئولیت‌های ارزی را به وزارتخانه‌ها واگذار کنیم. به عنوان مثال، وزارت کشاورزی باید مسئول تخصیص ارز باشد تا مشکلاتی ایجاد نشود، یا وزارت صنعت باید ارز را تخصیص دهد. در کوتاه‌مدت، ما یک نرخ ۲۸۵۰۰ تومان داریم که مبنای آن مشخص است و باید به تخصیص آن ادامه دهیم. اما بقیه ارزها باید به سمت بازار تک‌نرخ حرکت کنند. به نظر نمی‌رسد که این کار آثار تورمی زیادی داشته باشد. ممکن است انتظارات تورمی افزایش یابد، اما بسیاری از کالاهایی که با دلارهای زیر قیمت بازار وارد می‌شوند، با قیمت‌های بازار به دست مردم می‌رسند. رانت‌هایی که به عده‌ای داده می‌شود، واقعاً ناعادلانه است و از سیستم چندنرخ‌های ارز ناشی می‌شود. بانک مرکزی باید سیستم چندنرخ‌های ارز را جمع کند، این وضعیت سال‌هاست که ادامه دارد و من از سال ۶۳ درباره مضرات آن صحبت کرده‌ام. زمانی که این سیستم جمع نشود، دامنه فساد بسیار گسترده خواهد بود و نمی‌توانیم چنین زمینه‌ای برای فساد ایجاد کنیم و سپس از دستگاه قضایی بخواهیم که این مشکلات را حل کند. بنابراین، بانک مرکزی باید در اهدافش باشد که حداقل در سال آینده دو نرخ داشته باشیم: یک نرخ ۲۸۵۰۰ تومانی برای کالاهای اساسی و یک نرخ دیگر برای سایر کالاها. در نهایت، باید بتوانیم با یک نرخ بازار کار کنیم. البته اینکه ۲۸۵۰۰ تومان چه زمانی می‌تواند به یارانه‌های مستقیم تبدیل شود، موضوع دیگری است. ولی در حال حاضر، یکی از اهداف بانک مرکزی این است که به حداقل دو نرخ ارز برای کوتاه‌مدت دست یابد.

#### بهترین اقدامات بانک مرکزی در دوره اخیر که نیازمند نگاه ویژه و پیگیری در دولت چهاردهم است، چیست؟

اینکه ما وارد دامنه خطرناکی از نرخ‌های تورم افسارگسیخته نشدیم، یک دستاورد مهم است. همچنین، توانایی بانک مرکزی در یافتن ابزارهای نسبتاً کارآمدی مانند کنترل تورم، کنترل صورت‌های مالی و کنترل ترانزاکشن، به او این امکان را داده که سیاست‌های خود را راحت‌تر پیش ببرد. کنترل نسبی نرخ ارز در چند ماه اخیر نیز یک دستاورد به شمار می‌آید و این سیاست‌ها باید ادامه یابد. دولت جدید نیز باید با هماهنگی همه نهادها، این سیاست‌ها را تداوم بخشد و در عین حال فشارها را کاهش دهد تا جریان پول بیشتری

تداوم نظارت بر  
بانک‌ها بسیار  
مهم است  
نظارت باید  
عادلانه باشد  
و بر روی همه  
ارکان انجام  
شود

دارد. در حال حاضر، کمتر کسی به سیاست‌های غیرقانونی در اقتصاد اشاره می‌کند و کمتر به کنترل قیمت‌ها یا سیاست‌های غیربازاری اعتقاد دارد. دولت چهاردهم و آقای رئیس‌جمهور بر این باورند که در حوزه‌های آموزش و بهداشت، شکست بازار و گسست آن زیاد است و این دو حوزه نیاز به دخالت دولت دارند. برای پیشبرد این چرخه و ایجاد گشایش‌ها، منابع لازم است و این منابع بسیار محدود هستند. به نظرمی‌رسد که اولین منابع، هدررفت‌ها هستند، یعنی مواردی که قاچاق می‌شود و رانت به عده‌ای می‌رسد. با کنترل این موارد، شاید بتوانیم ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار پس‌انداز کنیم و این منابع را در حوزه آموزش و بهداشت هزینه کنیم تا تغییراتی در سیاست‌های دولت آقای پزشکیان و دولت‌های قبلی ایجاد شود. از طرف دیگر، بحث مناسبات خارجی نیز مهم است. در مراسم سوگند رئیس‌جمهور، مقام معظم رهبری چارچوبی برای روابط با دیگر کشورها ترسیم کردند. اگر بتوانیم گشایش‌های بهتری با همسایگان داشته باشیم، حداقل می‌توانیم از عربستان سعودی زائرانی داشته باشیم که یک تا ۲ میلیارد دلار در مشهد هزینه کنند. این موضوع به اقتصاد مشهد کمک کرده و باعث ساخت هتل‌های زیادی شده است. اکنون ظرفیت‌های زیادی در این منطقه وجود دارد که زائران عراقی نیز از آن بهره‌مند می‌شوند. گشایش در منطقه و ارتباط با کشورهای همسایه می‌تواند به ما کمک کند. اما در خصوص کشورهای آفریقایی و آسیایی، جذب سرمایه کمی مشکل است و کشورهای اروپایی نیز به دلیل تنش‌های اخیر بین روسیه و اوکراین، شرایط سخت‌تری دارند. آقای عراقچی اخیراً اعلام کردند که بازگشت به برجام ممکن نیست و در حال حاضر آمادگی لازم در کنگره آمریکا برای این کار وجود ندارد. بنابراین، سیاست‌های ایران در رابطه با آمریکا به اختیارات رئیس‌جمهور بستگی دارد و اینکه چه کسی در آمریکا سر کار بیاید، نیز مهم است. در کوتاه‌مدت، در دو یا سه سال آینده، چشم‌انداز رفع شدن تمام تحریم‌ها وجود ندارد. ما مجبور هستیم با محدودیت‌های فعلی حرکت کنیم و در چارچوب همین محدودیت‌ها، سیاست‌های خود را بهبود ببخشیم. امیدواریم با صرفه‌جویی در هدررفت‌ها و اصلاحات مدیریتی و افزایش بهره‌وری، بتوانیم پیش برویم. هرچند سرمایه‌گذاری خارجی به دلیل محدودیت‌های تحریم در چشم‌انداز فوری قابل مشاهده نیست، اما می‌توان به ورود سرمایه خارجی به کشور در فاصله دو تا ۳ سال آینده امید بست.

به کسب‌وکارها برسد و نرخ رشد اقتصادی نیز افزایش یابد. این نرخ رشد باید ناشی از تأمین سرمایه در گردش کافی برای کسب‌وکارها باشد. بنابراین، فکر نمی‌کنم بتوان فشار بیشتری بر روی بحث تورم وارد کرد. نباید نگران باشیم که کاهش نرخ تورم به صورت تدریجی انجام می‌شود. برای اینکه اقتصاد به هم نخورد، این کاهش باید تدریجی باشد و نمی‌توانیم به طور ناگهانی نرخ ۳۰ درصد را به ۲۰ درصد کاهش دهیم. این کار باید مثلاً طی دو سال انجام شود تا فشار کمتری به اقتصاد وارد شود. در مورد ارز، هر چه به سمت تک‌نرخ‌ها یا اشکال کمتری از نرخ حرکت کنیم، مثبت است و این روند باید با سرعت مناسب ادامه یابد. اما شوک درمانی نمی‌تواند راه‌حل باشد. من قبول دارم که هیچ سیاستی نمی‌تواند به سرعت اجرا شود. تداوم نظارت بر بانک‌ها نیز بسیار مهم است. نظارت باید عادلانه باشد و بر روی همه ارکان انجام شود. نهادهای پولی که نمی‌توانند به طور مستقل عمل کنند، باید سریع‌تر حل و فصل شوند، وگرنه هزینه‌های آن برای کشور بیشتر خواهد شد.

### چشم‌انداز اقتصاد ایران در کوتاه‌مدت و میان‌مدت را چگونه می‌بینید؟

شرایط کشور واقعاً دشوار است و حرکت اقتصاد در داخل نیازمند اصلاحاتی است که زمینه‌های اجتماعی آن اکنون فراهم نیست. برای پیشبرد این اصلاحات و بهبود سطح معیشتی مردم، سیاست‌گذاران با چالش‌های جدی روبه‌رو هستند. این تصمیمات مهم باید با نظر مردم اتخاذ شود. در حال حاضر، اقتصاد ایران در شرایطی نیست که بتوانیم اصلاحات اساسی مربوط به قیمت‌ها را انجام دهیم، به‌ویژه کارهایی که در طول چند دهه گذشته انجام نشده‌اند. با این حال، به جاهایی رسیده‌ایم که مجبور به اعمال این سیاست‌ها هستیم، زیرا دیگر منابع لازم برای ادامه وضعیت کنونی را نداریم. اگر دولت منبعی مانند ۱۰۰ میلیارد دلار فروش نفت در برخی سال‌ها داشت، شاید می‌توانست این سیاست‌ها را ادامه دهد و سوبسیدها را پرداخت کند. اما اکنون، دولت امکانات لازم برای این کار را ندارد. گرایش دولت چهاردهم به عدالت‌محوری است و اگر این مفهوم به درستی تعبیر نشود، می‌تواند به سیاست‌های غیربازاری منجر شود. خوشبختانه، به نظر می‌رسد تیم اقتصادی به گونه‌ای انتخاب شده که به سیاست‌های بازار معتقد باشد و مجلس نیز به این سیاست‌ها توجه





"اکرام عبدالعزیز"، مدیر کل اداره اقتصاد در سازمان  
سرمایه گذاری ملی عراق در گفت و گو با تازه های اقتصاد:



## تکانه های سیاسی، اثر اقدامات بانک مرکزی را خنثی می کند

- عملکرد بانک مرکزی در کشورهای خاورمیانه به دلیل وجود جنگ ها و بحران های کنونی، دارای پیچیدگی هایی است
- تصمیمات سیاسی و حکومتی بر عملکرد بانک ها به طور کلی، و به طور ویژه بانک های مرکزی تأثیر می گذارند
- بانک مرکزی باید در تصمیم گیری برای هدایت اقتصاد کشور و تنظیم روند قیمت ها اختیار داشته باشد
- در شرایط خاص، ابزارهای اصلی و مهمی که بانک های مرکزی استفاده می کنند، تحت تأثیر تصمیمات سیاسی قرار می گیرند



یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در حوزه عملکردی بانک مرکزی، تأثیرپذیری تصمیمات این بانک از مسائل سیاسی و اقتصادی خارج از حیطه وظایف سیاست‌گذار پولی است. عوامل سیاسی در دوشاخ داخلی و خارجی و همچنین فاکتورهای اقتصادی وابسته به کارکرد سایر نهادهای اقتصادی به صورت هم‌افزا بر عملکرد بانک مرکزی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه تأثیری می‌گذارند. این تأثیرپذیری گاهی به اقتضای شرایط موجود می‌تواند در برهه‌هایی به صورت موقت حتی مفید نیز باشد، اما در نگاه کلان اقتصادی نمی‌تواند بازدهی بالایی ایجاد کند و اغلب با هزینه برای اقتصاد کشورها همراه است. بر همین اساس، طراحی راهکارها و ایجاد مدل‌های اقتصادی برای مقابله با موانع موجود بر سر راه فعالیت بانک مرکزی و جلوگیری از بحران‌های ناشی از تحولات سیاسی، در بسیاری از کشورها دنبال می‌شود. در ایران نیز به دلیل ویژگی‌های خاص منطقه خاورمیانه، اقتصاد با چالش‌ها و مشکلات ناگهانی بسیاری مواجه است و بانک مرکزی توان بسیاری برای حفظ آرامش اقتصادی کشور، می‌گذارد. در همین زمینه "اکرام عبدالعزیز"، اقتصاددان برجسته عراقی به پرسش‌های مطرح شده از سوی هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد، پاسخ داد. "اکرام عبدالعزیز"، دکترای اقتصاد و عضو هیات مدیره انجمن اقتصاددانان عراق، استاد دانشگاه بغداد و مدیر کل اداره اقتصاد در سازمان سرمایه‌گذاری ملی این کشور وابسته به نخست‌وزیری عراق و موسس و بنیانگذار بسیاری از نهادهای اقتصادی وابسته به وزارت دارایی عراق است. وی در کارنامه خود همچنین سمت مدیرمسئولی مجله اقتصادی "دنیا المال و الاستثمار" را نیز دارد. متن زیر حاصل گفت‌وگوی هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد با این اقتصاددان عراقی است:

**مرجع کنترل تورم و حفظ ارزش پول ملی کشورها، بانک‌های مرکزی هستند. با این حال، ابزارها، شرایط و امکانات این نهادها در کشورها یکسان نیست و مدیریت و سیاست‌گذاری بانک مرکزی در اروپا با نهاد مشابه در خاورمیانه متفاوت است. با این توضیح، اما هر دو باید برای حفظ ارزش پول ملی تلاش کنند. از منظر جایگاه در**

### اقتصاد کشورها، بانک‌های مرکزی دارای چه اهمیتی هستند؟

قطعاً بانک‌های مرکزی در زمینه مدیریت تورم و کنترل آن از طریق ایجاد ثبات در قیمت ارز اهمیت بسیار بالایی دارند، چرا که بانک مرکزی به عنوان یک نهاد دارای قدرت، نقش مهمی در زمینه سازماندهی سیاست‌های مالی و ایجاد توازن میان تولید و نقدینگی دارد. در این رابطه، نقش توازن در این موضوع اهمیت بالایی دارد و این توازن جز با هنر به کارگیری ابزارهای مالی در کشورها، ممکن نیست. به تبع، بانک مرکزی در هر کشوری برای مدیریت ارزی در آن کشور، ماموریت‌ها، رویکردها و خدمات مشخصی دارد. چگونه؟ طبیعتاً از طریق مدیریت نقدینگی و سپرده‌های بانکی و همچنین مدیریت چک‌های مدت‌دار می‌تواند این مهم را محقق کند. بانک مرکزی در هر کشوری مسئول مدیریت و نظارت بر نظام بانکی است و از اینرو عملکرد بانک مرکزی بر تمام فعالیت‌های اقتصادی کشور تأثیر می‌گذارد. هدایت اعتبارهای مالی به سمت بخش تولیدی مشخص بر اساس منابع موجود در کشور، تأثیرمثمبتی بر سرمایه‌گذاری داخلی و اشتغال نیروی کار و در نتیجه بر کالای تولیدی و خدمات ارائه شده و همچنین درآمدها دارد. اهمیت بانک مرکزی در اقتصاد مادامی که مدیریت قوی داشته باشد و بتواند منابع مالی را به سمت بخش‌های اقتصادی هدایت کند، نهفته است. در نتیجه هر کشوری هر اندازه در فعال‌سازی بخش‌های اقتصادی و افزایش تولید و پیشی گرفتن عرضه بر تقاضا موفق باشد، به همان میزان ثبات پولی و مالی نیز برقرار می‌شود و نهایتاً اینکه اقدامات بانک مرکزی، نقش بسزایی در کاهش بیکاری، افزایش رشد اقتصادی و توسعه کشور خواهد داشت.

**در یک اقتصاد متلاطم، تا چه میزان تحولات سیاسی تعیین‌کننده میزان موفقیت و یا شکست سیاست‌های بانک مرکزی است و دخالت‌های غیرتخصصی از سوی دولت‌ها، پارلمان‌ها و سایر مراکز قدرت، چقدر به اعتبار و عملکرد بانک مرکزی لطمه خواهد زد؟**

بانک مرکزی باید در تصمیم‌گیری برای هدایت اقتصاد کشور و تنظیم روند قیمت‌ها اختیار داشته باشد. اما در برخی از کشورها حتی در آمریکا به رغم اینکه گفته می‌شود بانک مرکزی استقلال دارد، اما در شرایط خاص، ابزارهای اصلی و مهمی که بانک‌های مرکزی استفاده می‌کنند، تحت تأثیر تصمیمات سیاسی قرار می‌گیرند. برای مثال ممکن است که ثبات قیمت‌ها

بانک مرکزی  
به عنوان یک  
نهاد دارای  
قدرت، نقش  
مهمی در زمینه  
سازماندهی  
سیاست‌های  
مالی و ایجاد  
توازن میان  
تولید و  
نقدینگی دارد



## بانک مرکزی در هر کشوری مسئول مدیریت و نظارت بر نظام بانکی است و از اینرو عملکرد بانک مرکزی بر تمام فعالیت‌های اقتصادی کشور تاثیر می‌گذارد

به هزینه یک بخش دیگر تمام شود و مثلاً نرخ بیکاری را افزایش دهد. این معضلی است که بسیاری از کشورهای از آن رنج می‌برند. تصمیمات سیاسی و حکومتی بر عملکرد بانک‌ها به طور کلی، و به طور ویژه بانک‌های مرکزی تأثیر می‌گذارد و این همان چیزی است که با موضوع استقلال و محوریت بانک مرکزی تعارض دارد. بنابراین نباید این حقیقت را فراموش کنیم که سیاست و اقتصاد، دو روی یک سکه هستند، اما اغلب در کشورهای عربی و کشورهای در حال توسعه، کفه سیاسی که بر مقدرات اقتصادی کشور سطره بیشتری دارد، در تصمیم نهایی سنگین‌تر است. در کشورهای خاور میانه و در حال توسعه، اگر حاکمیت سیاسی یک حاکمیت مطلق باشد، به طور قطع بر سیاست‌های بانک مرکزی و اقتصاد آن کشور از نظر افزایش نرخ بهره و یا کاهش آن و دستور به بانک مرکزی مبنی بر اینکه سیاست‌های مشخصی را در خدمت به رویکردهای سیاسی دولت دنبال کند، تأثیر فراوانی می‌گذارد که این مسائل برای اشتغال، توسعه و رشد اقتصادی مضر است و نمونه‌های آن را در کشورهای در حال توسعه مشاهده می‌کنیم. اگر استقلال بانک مرکزی آسیب ببیند، به اقدامات بانک مرکزی در زمینه توسعه پروژه‌های اقتصادی آسیب می‌رسد و بیکاری افزایش خواهد یافت و این مسئله موجب اتلاف منابع کشور می‌شود و در نتیجه، بانک مرکزی در خدمت سیاست‌های دولت و تکرار یک چرخه معیوب قرار می‌گیرد.

**برخی اقتصاددانان معتقدند  
که استقلال بانک مرکزی یعنی  
اینکه دولت هدف خود از کنترل  
تورم را بگوید، اما در شیوه کنترل  
و نوع ابزار دخالت نکند. شما چه  
دیدگاهی دارید؟**

بله. دولت‌ها با اتخاذ سیاست‌های مالی و ارائه برنامه‌های اقتصادی بلندمدت، ایجاد فرصت‌های شغلی، سرمایه‌گذاری، تولید و برقراری عدالت در توزیع درآمد و ارائه خدمات عمومی ضروری تلاش می‌کنند تا تورم را کنترل کنند. بر این اساس، نقش بانک مرکزی همراستا با اینگونه تصمیمات دولت و اقدام برای تقویت تولید در کشور است.

**پیچیدگی کار بانک مرکزی در  
برخی نقاط جهان مانند خاورمیانه  
این است که تحولات سیاسی و  
جنگ‌ها در منطقه، سیاست‌های  
تمامی بانک‌های مرکزی کشورها  
را دچار چالش می‌کند. برای  
کنترل این روند چه باید کرد؟**

قطعاً عملکرد بانک مرکزی در کشورهای خاورمیانه به دلیل وجود جنگ‌ها و بحران‌های کنونی، دارای پیچیدگی‌هایی است و این شرایط بر عملکرد بانک‌های مرکزی تأثیر می‌گذارد و این یک واقعیت است. در این شرایط، بانک‌های مرکزی چه کاری می‌توانند انجام دهند؟ اگر بانک‌های مرکزی عملاً دارای استقلال باشند، می‌توانند قیمت‌ها را کنترل و متوازن کنند و از طریق توزیع منابع، بر کل جریان اقتصادی کشور تأثیر بگذارند، اما در صورت عدم استقلال حقیقی، آنها نمی‌توانند در زمان جنگ و شرایط خاص، با بحران‌ها مقابله کنند. در تمام جنگ‌هایی که طی سال‌های گذشته در عراق و سوریه رخ داد، مشاهده کردیم که سیاست‌های پولی، تابع سیاست‌های مالی بوده است. به عبارت دیگر، هنگامی که سیاست مالی از تأمین اعتبار برای هزینه‌های خود از محل درآمدها عاجز است، به بانک مرکزی دستور داده می‌شود ارزش پولی را کاهش دهد و به تبع، این اقدام اگر زمینه مناسب برای تولید و سرمایه‌گذاری نداشته باشد، قیمت‌ها افزایش می‌یابد. بله، این جنگ‌ها در صورت عدم استقلال بانک‌های مرکزی، تأثیر بسیار مخربی بر اقتصاد کشور می‌گذارد. مادامی که بانک مرکزی در تصمیم‌گیری‌های پولی و مدیریتی خود استقلال داشته باشد، خواهد توانست استراتژی و برنامه‌هایی را ارائه کند که از طریق آنها وضعیت پولی کشور را مدیریت می‌کند، اما در سایه عدم وجود چنین استقلال قانونی به مفهوم حقیقی کلمه، بانک‌های مرکزی با چالش‌های بسیار بزرگی مواجه خواهند شد.

**از ابزارهای مؤثر مهار تورم در  
جهان، کنترل حجم نقدینگی  
و سرعت رشد آن است. در این  
زمینه، حرکت نامتوازن رشد  
نقدینگی با جریان اقتصادی، چه  
خسارت‌هایی را به بار خواهد آورد؟**

به طور قطع، نقدینگی و حجم پول در گردش نقش بسیار زیادی در افزایش قیمت‌ها و کاهش ارزش پول ملی دارد و از اینرو بانک مرکزی در چنین شرایطی به استراتژی افزایش نرخ بهره متوسل می‌شود و این، ابزار مهمی برای جلوگیری از افزایش تقاضا و مهار تورم است که در کشورهای در حال توسعه رو به افزایش است، چرا که افزایش سریع قیمت‌ها بازتاب و تأثیر منفی بر سطح جامعه و همچنین بر رشد اقتصادی دارد و از اینرو هیچ راه حلی وجود ندارد، جز اینکه بانک مرکزی ابزارهای خود را برای مهار تورم به کار گیرد.

در نشست هیات اندیشه ورز بانک مرکزی  
با استادان و صاحب نظران پولی و بانکی مطرح شد:

## اقتدار بانک مرکزی، اعتماد به سیاست گذاری ها را افزایش می دهد



**فیروزان:**

- پول ملی مانند پرچم است، یک نماد هویت بخش که می تواند رفاه جامعه ما را افزایش دهد



**علی احمدی:**

- تحول در ساختار و عملکرد نظام بانکی باید متناسب با اهداف اقتصادی و تولیدی باشد



**کریم:**

- اقتصاد دولتی و دستوری باید به اقتصاد انتخابی تبدیل شود و بازار در دست مردم باشد



**نوروزی:**

- وظیفه اصلی بانک مرکزی این است که تا حد امکان اقتصاد را پیش بینی پذیر کند



**رنگریز:**

- باید تجربیات مدیران و کارشناسان نظام بانکی، به ویژه بانک مرکزی را مستند کنیم



در کشورهایی  
که اقتصاد  
سالم دارند  
بهره‌وری تابعی  
از نرخ بهره‌وری  
سرمایه‌بالا  
و دورقمی  
و نرخ بهره  
بانکی پایین و  
تک‌رقمی است

دوازدهمین جلسه از سلسله نشست‌های هیأت اندیشه‌ورز بانک مرکزی با محوریت شعار جهش تولید با مشارکت مردم، با حضور جمعی از صاحب‌نظران، خبرگان و اساتید دانشگاه‌های مختلف در دانشگاه خوارزمی برگزار و پیرامون جایگاه و نقشی که بانک مرکزی در تحقق شعار سال باید ایفا کند، بحث و تبادل نظر شد.

### اقتصاد نیاز به فرماندهی و مدیریت واحد دارد

محمد حسین کریم، استاد اقتصاد دانشگاه خوارزمی:



عرایض من ترکیبی از تجربیات به دست آمده در ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته در کمیسیون نظارت دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و تدریس سرفصل‌های تخصصی در دانشگاه، به همراه تدریس دوره‌های دانش‌افزایی برای اساتید دانشگاه است. این تجربیات ممکن است با افکار عمومی و نتایج طرح‌های پژوهشی که معمولاً مطرح می‌شود، متفاوت باشد. در زمینه مدیریت کشور، ما با کمبود یا مشکل ظرفیت مدیریتی مواجه نیستیم، بلکه تضاد مدیریتی حاکم است. این تضاد را در مناسبت‌های انتخاباتی و مناظره‌ها نیز مشاهده می‌کنیم. همه دلسوز هستند و ممکن است هدف مشترکی داشته باشند، اما رقابت‌های غیر استاندارد شکل می‌گیرد که ریشه در تضاد مدیریتی دارد. نقاط ضعف در این زمینه شامل برخی از مدیران، سیاست‌های کلی، قوانین و اصولی است که به درستی اجرا نمی‌شوند و به مدیریت مردم‌نهاد لطمه می‌زنند. ممکن است بانک مرکزی در این قضیه هیچ دخالتی نداشته باشد و آسیب‌های بیرونی به آن تحمیل شود. بحث اقتدار و استقلال بانک مرکزی نیز از نقاط ضعفی است که در سیستم وجود دارد. زمانی که در هند دانشجو بودم، مانموهان سینگ رئیس بانک مرکزی بود و از سال ۲۰۰۰ به بعد، جهانی شدن را پذیرفتند. در آن زمان، ۱۷ کشور قرار بود جزو کشورهای نوظهور اقتصادی باشند و ما هنوز نتوانسته‌ایم به این هدف برسیم، اما هند، چین و برزیل توانستند و بریکس را تشکیل دادند که اقتصاد نوظهور شدند، چون اقتدار بانک مرکزی را پذیرفتند.

بانک مرکزی اکنون برای وام‌های مختلف نرخ‌های متفاوتی تعیین می‌کند، اما هیچ‌کس به این توصیه‌ها توجه نمی‌کند. بانک مرکزی در واقع گروگانی بین دولت و بانک‌هاست و

اختیارات لازم را ندارد. این مسائل به مشارکت حداکثری مردم لطمه می‌زند. بحث بعدی به تحریم‌ها مربوط می‌شود. ما جزو محدود کشورهایی هستیم که تحریم‌ها علیه ما به صورت جامع و کلی اعمال شده است و شامل تمامی حوزه‌ها از جمله صنعت، کشاورزی، خدمات، نفت و... می‌شود. گاهی اوقات گفته می‌شود که قبلاً دویست هزار بشکه نفت صادر می‌کردیم و حالا به دو میلیون بشکه رسیده‌ایم. اما این افزایش صادرات با چه دادوستدی انجام می‌شود؟ وقتی نفت را به کشورهایمانند چین و هند با نصف قیمت می‌دهیم و این کشورها با دیگر کشورها طرف هستند. مسئله بعدی تغییرات جوی است که یک موضوع بین‌المللی و کلی محسوب می‌شود. این تغییرات، وضعیت بودجه‌ای کشور را زیر سوال می‌برد و باعث تقویت سیاه‌چاله‌های بودجه‌ای در ایران می‌شود. این سیاه‌چاله‌ها شامل شرکت‌های دولتی، بانک‌ها، مؤسسات دولتی و نهادهای هیأت امنایی هستند که هیچ کنترلی از سوی خزانه و ذی‌حسابی بر آنها وجود ندارد. دولت همواره موظف است این سیاه‌چاله‌ها را پُر کند که این یکی از مصیبت‌های برنامه و بودجه در کشور است. به همین دلیل، سازمان برنامه و بودجه به سازمان بودجه تبدیل شده و برنامه‌ای در کار نیست. در واقع، فقط تقسیم بودجه صورت می‌گیرد. سرمایه‌گذاری تابعی است که به دو متغیر بستگی دارد: اول، نرخ بهره که هر چه پایین‌تر باشد، بهتر است. دوم، بهره‌وری نرخ نهایی سرمایه که هر چه بالاتر باشد، مطلوب‌تر است. در کشور ما این معادله برعکس کشورهای با اقتصاد سالم است. در کشورهایی که اقتصاد سالم دارند، بهره‌وری تابعی از نرخ بهره‌وری سرمایه‌بالا و دورقمی و نرخ بهره بانکی پایین و تک‌رقمی است. اما در ایران، نرخ بهره بانکی دورقمی و نرخ بهره‌وری سرمایه‌نهایی تک‌رقمی است. سوال اینجاست که با این شرایط، کدام خانوار و بنگاه حاضر است سرمایه‌گذاری کند؟ بانک‌ها، بورس، خودروسازان، بساز و بفروش‌ها و صراف‌ها می‌توانند ریسک‌های بالا را بپذیرند. اما افراد عادی ترجیح می‌دهند پول خود را با نرخ ۲۰ یا ۲۵ درصد در بانک سپرده‌گذاری کنند. دلیل این کار این است که آنها جرات سرمایه‌گذاری ندارند، زیرا نرخ بهره‌وری نهایی سرمایه بسیار پایین و نرخ بهره بانکی بسیار بالاست. بنابراین، بانک‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و سفته‌بازها، نقش مردم را بازی می‌کنند، در



حالی که مقام معظم رهبری و امام خمینی (ره) و اصل چهل و چهارم قانون اساسی بر نقش مردم تأکید کرده‌اند. فرصت برای مردم ایجاد نشده تا حماسه اقتصادی خلق کنند، در حالی که مردم در حماسه‌های سیاسی، مانند راهپیمایی ۲۲ بهمن، روز قدس، عاشورا و انتخابات، فعال بوده‌اند، اما در عرصه اقتصاد به دلیل چالش‌های موجود دست و پایشان بسته است. در مورد شرکت‌های دانش بنیان، فردی که پنج سال زحمت می‌کشد و نوآوری انجام می‌دهد، ممکن است سرمایه‌گذار پیدا نکند و به او می‌گویند خودت سرمایه‌گذاری کن. اما قاعده این است که نخبگان و نوآوران نقش خود را ایفا کنند و سرمایه‌گذاران نیز نقش خود را داشته باشند. حالا سوال این است که آن فرد با کدام سرمایه می‌تواند این کار را انجام دهد؟ اصل چهل و چهارم قانون اساسی به گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی اشاره دارد، با این حال، در عمل این هدف محقق نشده است. در برخی موارد، مالکیت‌هایی مانند سهام عدالت به مردم منتقل شده، اما مدیریت این دارایی‌ها همچنان در دست دولت باقی مانده است. این موضوع به وضوح نشان‌دهنده نقص در اجرای اصل چهل و چهارم است.

بند (ج) سیاست‌های کلی اصل چهل و چهار، نقش دولت را از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه‌ها به سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت تغییر می‌دهد. اگر دولت بخواهد واقعاً به فرمایشات مقام معظم رهبری و قانون اساسی پایبند باشد و این تغییر را ایجاد کند، بانک مرکزی نیز از این تغییر استقبال خواهد کرد. اما این اهتمام و اعتقاد باید در خود دولت وجود داشته باشد که متأسفانه تاکنون محقق نشده است. دولت‌ها همواره در این زمینه کوتاهی و به بشکه‌های نفتی تکیه کرده‌اند و هیچ‌گاه از حلقه‌های قدرت مالی فاصله نگرفته‌اند. در برخی موارد، بانک‌ها، خودروسازان و بورس به طور غیررسمی به دولت تعیین تکلیف کرده‌اند. توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد و حمایت از آنها برای رقابت در بازارهای بین‌المللی از اهمیت بالایی برخوردار است. اما سوال این است که بخش خصوصی و تعاونی‌ها چه سرنوشتی پیدا کرده‌اند؟ در واقع، وضعیت این بخش‌ها نشان‌دهنده چالش‌ها و موانع جدی است که در مسیر رشد و توسعه آنها وجود دارد. این موانع شامل عدم حمایت کافی دولت، مشکلات مالی و نبود زیرساخت‌های

لازم برای رقابت در بازارهای جهانی است. بیشترین سیاست‌های کلی که تاکنون ابلاغ شده، به مباحث اقتصادی مربوط می‌شود و پس از آن، مباحث فرهنگی قرار دارد. بزرگ‌ترین مشکلاتی که به انتخابات و دولت‌ها آسیب زده، عمدتاً از ناحیه اقتصادی و فرهنگی بوده است. تاکنون ۳۷ سیاست کلی، از جمله سیاست‌های کلی جمعیتی، اقتصاد مقاومتی، محیط زیست، امنیت اقتصادی، اقتصاد کشاورزی، علم و فناوری و اصل چهل و چهار، همه اعلام شده‌اند. اما من یک بند از این سیاست‌ها را در برنامه‌های پنج‌ساله یا در قوانین مجلس ندیدم که ضمانت اجرایی داشته باشد. همه فقط فرمایشات رهبری را تکرار و لفاظی کرده‌اند. هنوز جمله مقام معظم رهبری تمام نشده که سال جهش تولید با مشارکت مردم است، در خیابان‌ها هر چهار متر یک بنر زده‌اند. این پول‌ها باید در مسیری که برای اقتصاد مردم نجات‌بخش است هزینه شود. نیازی به بنر و پلاکارد نیست. باید به فرمایشات مقام معظم رهبری و سیاست‌های کلی ابلاغ شده عمل کرد.

چرا در بحث‌های دفاعی و امنیتی موفقیت نسبی داشته‌ایم؟ زیرا فرماندهی و مدیریت یکی بوده است. اما در اقتصاد و فرهنگ، تعدد مدیریتی وجود دارد. وقتی در اقتصاد تعدد قدرت وجود داشته باشد و بانک‌ها، خودروسازان، بورس و بازار ارز هر کدام قدرت خود را داشته باشند، دولت نمی‌تواند یک دولت سالم اقتصادی باشد. بحث‌های اقتصادی بیشتر از هر چیز دیگری به ما آسیب می‌زند. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم، هفت توصیه فرمودند که یکی از آنها به اقتصاد مربوط می‌شود. ایشان در سخنرانی خود به این نکته اشاره کردند که اقتصاد وسیله‌ای است که بیش از هر ابزار دیگری ما را به هدف می‌رساند. به عبارتی ایشان اقتصاد را به عنوان ابزاری برای تحقق سایر اهداف معرفی کردند. چالش‌های اقتصادی کشور شامل چالش‌های بیرونی مانند تحریم‌ها و وسوسه‌های دشمن و همچنین چالش‌های درونی نظیر نقص در ساختارها و ضعف‌های مدیریتی است. اصلاح مشکلات درونی می‌تواند به کاهش اثر تحریم‌ها کمک کند. درست است که چالش‌های تحریمی معضلی برای کشور محسوب می‌شوند، اما ۲۵ درصد مشکلات ناشی از تحریم نیست و ۷۵ درصد دیگر به مشکلات داخلی خودمان برمی‌گردد. اگر این ۷۵ درصد با رفع نواقص بهبود یابد، تحریم‌ها بی‌اثرتر خواهد شد.

اصل چهل و چهارم قانون اساسی به گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی اشاره دارد، با این حال، در عمل این هدف محقق نشده است





در ابتدای دهه  
۷۰، گفته شد که  
دولت به جای  
شما می خواهد  
همه کارها را  
انجام دهد و  
معیشت شما  
را تأمین کند  
که این مسئله  
باعث فاصله  
گرفتن مردم از  
دولت ها شد

۲۲



**اقتصاد**

• شماره ۵۸ - مهر ۱۴۰۳ •

## مهم‌ترین نقایص ساختاری شامل موارد زیر است:

۱. وابستگی به نفت و دولتی بودن بسیاری از بخش‌های غیر ضروری
  ۲. نگاه به خارج و عدم توجه به توان و ظرفیت‌های داخلی
  ۳. استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور
  ۴. بودجه بندی معیوب و نامتوازن
  ۵. عدم ثبات در سیاست‌های اجرایی
  ۶. عدم رعایت اولویت‌ها
  ۷. وجود هزینه‌های زائد و مصارف زیاد در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی
- مهم‌ترین راه حل‌ها شامل درون‌زا شدن اقتصاد کشور، مولد شدن، دانش بنیان شدن و مردمی کردن اقتصاد و عدم تصدی‌گری دولت است. اگر این موانع از طریق اجرای اصل چهل و چهارم قانون اساسی و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی برطرف شود، می‌توانیم به شرایط مناسبی دست یابیم. از ۲۴ بند سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، اگر فقط دو بند (بند یک و بند ۲۲) و دو توصیه از توصیه‌های هفت‌گانه بیانیه گام دوم و یک کلیدواژه از کلیدواژه‌های سه‌گانه آخر بیانیه گام دوم اعمال شود، این مشکلات برطرف خواهد شد.

## اهداف کلان سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی شامل چهار مورد است:

۱. عدالت اجتماعی
  ۲. رشد اقتصادی هشت درصدی
  ۳. کاهش آسیب‌پذیری از مخاطرات جهانی
  ۴. تقویت فرهنگ جهادی در اقتصاد
- دو مورد اول را همه کشورهای دنیا مدعی هستند، اما ما در دو مورد آخر با چالش‌هایی مواجه هستیم و متأسفانه نتوانسته‌ایم موفق باشیم. در دبیرخانه مجمع، ۲۲ بند اقتصاد مقاومتی به رهبری ارسال کردیم و ایشان دو مورد به آن اضافه کردند که مجموعاً به ۲۴ بند رسید. این دو بند شامل استانداردسازی کالاهای ایرانی و شفاف‌سازی فعالیت‌های اقتصادی است که اگر می‌خواهیم به مردم کالا بدهیم، باید استاندارد باشد و فعالیت‌های اقتصادی باید شفاف باشند. راه حل، به حداقل رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی است. بند ۲۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی تصریح می‌کند که دولت مکلف است. اما متأسفانه هیچ‌گاه احساس تکلیفی در دولت مشاهده نکرده‌ایم. اگر همین دو مورد به درستی اجرا شود و اهتمام و عقیده واقعی وجود داشته باشد، یقین دارم که بانک

## کریم:

- باید اقتصاد دولتی و دستوری به اقتصاد انتخابی تبدیل شود و بازار در دست مردم باشد تا بتوانند نقش خود را به درستی در اقتصاد ایفا کنند

مرکزی در کنار دولت، همت لازم را برای مردمی کردن اقتصاد به خرج خواهد داد. باید اقتصاد دولتی و دستوری به اقتصاد انتخابی تبدیل شود و بازار در دست مردم باشد تا آنها بتوانند نقش خود را به درستی در اقتصاد ایفا کنند. این امر به جلوگیری از حضور حداقلی در انتخابات کمک خواهد کرد، هرچند برخی ممکن است همین حداقلی را بخواهند، اما این به نفع کشور نیست. حداقل مشارکت به نفع کشور است و هر کسی که می‌خواهد رئیس‌جمهور شود، باید قانون را رعایت کند و نمی‌تواند کاری غیر از قانون انجام دهد. مشارکت حداکثری برای هر کسی، تضمین‌کننده استحکام و اقتدار نظام است. همه اینها به سه متغیر مثبت اشتغال، تولید و تعادل سطح عمومی قیمت‌ها مرتبط است. اگر اشتغال وجود داشته باشد، افراد بیکار به سمت اعتیاد نخواهند رفت. همچنین، اشتغال به تولید و جهش تولید کمک می‌کند. جهش تولید با مشارکت مردم، به‌ویژه اشتغال مردم، اهمیت بیشتری دارد. بنابراین، اشتغال، تولید و تعادل سطح عمومی قیمت‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

حکمرانی اقتصاد دانش بنیان نیز به ثبات سیاسی، اثر بخشی دولت، کیفیت مقررات، اعتراض و پاسخگویی و حاکمیت قانون وابسته است. از سوی دیگر، اقتصاد دانش بنیان شامل رژیم نهادی، نوآوری، تحصیلات و آموزش و فناوری اطلاعات است که به دلیل ضعف در متغیرهای حکمرانی، از چرخه درست خارج می‌شود. به جای اینکه ابزارها به درستی استفاده شوند، ممکن است به شکل نادرستی به کار گرفته شوند. اگر بخواهیم به راه اصلی دست یابیم و در عین حال امید داشته باشیم که بانک مرکزی استقلال و اقتدار بیشتری پیدا کند و گروگان بانک‌ها و دولت نباشد، باید به دو نکته توجه کنیم: اول، چالش‌هایی که اشاره شد باید مد نظر قرار گیرد. دوم، راهبردها

## علی احمدی:

● دولت نباید در عملیات بانک مرکزی گاه و بی گاه مداخله کند و فرآیند عزل و نصب رئیس بانک مرکزی باید تحت ضوابط مشخص باشد

شامل اصل چهل و چهار، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و بیانیه گام دوم باید در نظر گرفته شود. همچنین، باید به سلامت کار و شاخص‌های اصلی حکمرانی خوب توجه کنیم. این شاخص‌ها شامل مسئولیت‌پذیری، شفافیت، قانون‌مداری، پاسخگویی، عدالت، اجماع‌گرایی، تأثیرگذاری و کارآمدی و مشارکتی و فراگیر بودن است. علم این راه به ما می‌گوید و ما با تعصب یا سوگیری سیاسی صحبت نمی‌کنیم. اینها تجربیات و تخصص‌های به دست آمده هستند و باید بر اساس آنها عمل کنیم.

### اقتدار بانک مرکزی در ارتقای استقلال اداری، مالی و عملیاتی نهفته است

علی احمدی، رئیس کمیسیون مشترک دفتر مقام معظم رهبری و دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت



**نظام:** با تشکر از هیأت اندیشه‌ورز بانک مرکزی که در یک هم‌اندیشی نخبگانی این فرصت را فراهم کرد، سعی دارم با توجه به موضوع نشست "نقش بانک مرکزی در جهش تولید با مشارکت مردم" به طور خلاصه در دو بخش نکاتی را بیان کنم:

### بخش نخست- نقش مردم و پیامدهای نادیده گرفتن آن

اگر به تاریخ انقلاب تاکنون نگاهی به گذشته ببنداریم، کشور با سه تهدید کلیدی مواجه بوده یا است. یکی تهدید امنیتی بود که در ابتدای انقلاب ساختار دولت شکل نگرفته بود، نهادها مستقر نشده بود و تهدیدات مختلف (کودتاها، ترورها، شورش‌های خیابانی، خلق‌های جعلی تحت عناوین خلق کرد و...) اجازه دولت‌سازی را نمی‌دادند، اما با حضور مردم و نقشی که ایفا کردند، پس از هزینه‌های زیاد یک نهاد اطلاعات ملی شکل گرفت که نه تنها به تهدیدات پاسخ داد، بلکه در دنیا نیز حرفی برای گفتن دارد.

تهدید دوم، تهدید تمامیت ارضی بود. جنگی به کشور تحمیل شد و بخشی از سرزمین‌مان اشغال شد. ارتش در ابتدای انقلاب به دلیل فرار برخی فرماندهان، انسجام و سازمان خود را از دست داده بود، اما وقتی رویکرد جنگ کلاسیک تغییر کرد و مردم وارد شدند، موفقیت حاصل شد. تعداد زیادی از مردم شهید شدند، هزینه و خسارت زیادی پرداخت شد. در نهایت یک نهاد ملی (ارتش ملی) شکل گرفت که هم به تهدیدات مربوط به تمامیت ارضی پاسخ داد و هم در دنیا صاحب حرف است. تهدید سوم که متوجه کشور شده، تهدید اقتصادی است. این تهدید از زمانی آغاز شد که مردم از دولت فاصله گرفتند. در ابتدای دهه ۷۰، گفته شد که دولت به جای شما می‌خواهد همه کارها را انجام دهد و معیشت شما را تأمین کند. این مسئله باعث فاصله گرفتن مردم از دولت‌ها شد و به تدریج دولت‌ها در پرتو دو عامل، به قدری ناتوان شدند که قادر به حل هیچ مسئله‌ای نیستند (از جمله مسئله مسکن، ازدواج، بورس، خودرو و...). این دو عامل از نظر من عبارتند از: عامل نخست، شکل‌گیری انقلاب اطلاعات و ارتباطات که ماهیت قدرت را تغییر داده و بخشی از قدرت را از رأس به قاعده هرم منتقل کرده و ماهیت دولت نه در کشور، بلکه در همه دنیا ضعیف شده است.

عامل دوم، مشخص نبودن حدود دولت در هزینه‌هایش است. دایره دولت به قدری گسترده شده که هزینه‌هایی که به نظر می‌رسد در غیر مسئولیت و مأموریت اصلی خود دارد، بسیار بیشتر از میزان هزینه‌ای است که باید نسبت به مأموریت‌ها و کارویژه‌های اصلی‌اش داشته باشد. وضعیت دولت به مثل رضاشاه و شهید مدرس می‌ماند که رضاشاه به مرحوم مدرس پیغام داد که به سید بگویند پا روی دم ما نگذارد. شهید مدرس به رضاشاه پیغام داد که به اعلی حضرت بفرمایید لطفاً شما حریم دُم‌تان را مشخص کنید، چون هر کجا که پا می‌گذاریم، دُم اعلی حضرت است.

الان هر جا پا می‌گذاریم، دُم دولت است. لازم است که دولت حد خود را معین کند. مردم نقش خودشان را می‌دانند و نیازی به تعیین تکلیف نیست. برای مثال در اغلب وزارتخانه‌ها، مراکز آموزش عالی داریم که به مراتب با هزینه بیشتر و کیفیت پایین‌تر از دانشگاه‌های معتبر، مانند دانشگاه خوارزمی، دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی دانشجوی تربیت می‌کنند. همچنین، هیچ اداره‌ای در کشور وجود ندارد که یک مهمانسرا نداشته باشد. ساخت، تجهیز و نگهداری مهمانسراها هزینه‌ها را بالا می‌برد

در دنیا، وقتی ایده‌هایی مطرح می‌شود تبدیل به اقدام و فعالیت می‌شود، اما در کشور ما این ایده‌ها به دستورالعمل تبدیل می‌شوند این قدر دستورالعمل می‌نویسیم که ایده اصلی را خفه می‌کنیم



اگر بتوانیم  
کارویژه‌ای  
مشخص کنیم  
و در کنار آن  
اقتدار بانک  
مرکزی را تعریف  
کنیم، شاید  
نقش آفرینی  
مؤثری در  
جهش تولید با  
مشارکت مردم  
داشته باشیم

۲۴



● شماره ۵۸ - مهر ۱۴۰۳ ●

و صنعت هتلداری را دچار مشکل می‌کند. در دنیا، وزارتخانه‌ای، فردی را به مأموریت می‌فرستد و در هتلی اقامت می‌کند و هزینه‌ها را کنترل می‌کند، اما در مهمانسراها چنین چیزی وجود ندارد. مسئله مهم برای منطقی‌سازی اندازه دولت، رابطه نهادی دولت است. از ابتدای انقلاب تاکنون، مجلس شورای اسلامی تمام هفته‌روزهای یکشنبه و سه‌شنبه و در ایام برنامه بودجه، سه‌شیف قانون وضع می‌کند. معلوم نیست کشور چقدر قانون نیاز دارد و آیا حدی قفی دارد یا نه. بدون حدی قف، مجلس به یک کارخانه تولید قانون تبدیل شده که قانونی معمولاً با کیفیت پایین و هزینه بالا تولید می‌کند. اکنون بیش از ۱۲ هزار عنوان قانون در کشور داریم، از جمله قانون مدنی که خود بیش از ۱۳۰۰ ماده دارد. در کنار این، دولت تمام روزهای یکشنبه و چهارشنبه مرتب مقرررگذاری می‌کند و کمیسیون‌های اصل ۱۳۸ قانون اساسی نیز دوباره مقرررگذاری می‌کنند. در مجموع، بیش از ۵۰ هزار عنوان مقررر لازم‌الاجرا در کشور داریم که مردم در کلاف قانون و مقررات در حال خفه‌شدن هستند. در دنیا، وقتی ایده‌هایی مطرح می‌شود، تبدیل به اقدام و فعالیت می‌شود، اما در کشور ما، این ایده‌ها به دستورالعمل تبدیل می‌شوند. هر چیزی که گفته می‌شود، سریعاً دستورالعمل نوشته می‌شود و اینقدر دستورالعمل می‌نویسیم که ایده اصلی را خفه می‌کنیم.

#### بخش دوم - نقش بانک مرکزی در جهش تولید

در رابطه با نقش آفرینی بانک مرکزی در جهش تولید با مشارکت مردم به نظر می‌رسد، نیاز به الزاماتی دارد. یکی از الزامات این است که باید مانند دولت، حدود و کارویژه‌های بانک مرکزی مشخص شود. به عنوان مثال، یکی از کارویژه‌های بانک مرکزی، تعیین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های پولی، اعتباری و ارزی در جهت اقتصاد و تولید ملی و نظارت بر این سیاست‌هاست. دوم، کنترل حجم پول و نقدینگی در کشور و حفظ قدرت خرید پول در

#### فیروزان:

● پذیرفتنی نیست که همیشه در رشد نقدینگی و چاپ پول رکورددار باشیم و از آن طرف انتظار داشته باشیم که پول و نظام مالی ما معتبر باشد

برابر ارزشهای خارجی با مهار تورم و نظارت بر بانک‌ها و تأمین ثبات، استحکام و سلامت شبکه بانکی است. گاهی اوقات، خود بانک‌ها، چه دولتی و چه خصوصی، به نظر می‌رسد در این بحث‌ها گریز از مرکز شده‌اند. به همین دلیل، بیشتر بر روی اقتدار تأکید دارم تا استقلال، زیرا مشخص نیست استقلال از کجا باید باشد، آیا استقلال از دولت است؟ بالاخره بانک مرکزی زیر نظر دولت عمل می‌کند. بنابراین، باید اقتداری برای خود داشته باشد که این اقتدار در ارتقای استقلال اداری، مالی و عملیاتی‌اش نهفته است. دولت نباید در عملیات بانک مرکزی گاه و بی‌گاه مداخله کند و فرآیند عزل و نصب رئیس بانک مرکزی باید تحت ضوابط مشخص باشد. در سال ۱۳۹۳، مشکلی بین دولت و بانک مرکزی پیش آمد و در مجمع تشخیص مصلحت، ضوابطی تعیین شد، اما آن ضوابط حداقلی است و نیازمند تکمیل است. دیگر اینکه استقلال در اجرای سیاست‌های پولی و بانکی در تعامل با دولت و بانک‌ها باید وجود داشته باشد، زیرا بزرگ‌ترین مشکل و دلیل ناترازی‌ها، مشکل بین بانک مرکزی و بانک‌ها و بین بانک مرکزی و دولت است. انضباط بخشی به تعاملات بین این نهادها، کاری است که بانک مرکزی می‌تواند انجام دهد. در نهایت، اصلاح و چابک‌سازی نظام بانکی ضروری است. تحول در ساختار و عملکرد نظام بانکی باید متناسب با اهداف

#### برش



#### چگونگی استقلال سیاست‌های پولی و بانکی

استقلال در اجرای سیاست‌های پولی و بانکی در تعامل با دولت و بانک‌ها باید وجود داشته باشد، زیرا بزرگ‌ترین مشکل و دلیل ناترازی‌ها، مشکل بین بانک مرکزی و بانک‌ها و بین بانک مرکزی و دولت است. انضباط بخشی به تعاملات بین این نهادها، کاری است که بانک مرکزی می‌تواند انجام دهد.

## رتگرین:

● بانکداری بدون ربا شکل نمی‌گیرد، مگر اینکه بانکداری اسلامی باشد و بانکداری اسلامی نیز شکل نمی‌گیرد، مگر اینکه اقتصاد اسلامی باشد

اقتصادی و تولیدی باشد. اگر بتوانیم کارویژه‌ای مشخص کنیم و در کنار آن اقتدار بانک مرکزی را تعریف کنیم، شاید نقش آفرینی مؤثری در جهش تولید با مشارکت مردم داشته باشیم. بخشی از این موارد در قانون جدید بانک مرکزی آمده است، اما به نظر می‌رسد کافی نیست. لازم است بحث‌های جامع‌تری در این زمینه صورت گیرد تا بتوانیم به نتایج بهتری دست یابیم.

## بازگرداندن اعتماد به پول، کلید حل مشکلات است

توحید فیروزان سرنقی، عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی: انقلاب شکوهمند



اسلامی که در ایران و سال ۱۳۵۷ رخ داد، دلار هفت تومان بود. انقلاب، انقلابی بزرگ و عظیم بود و مانند انقلاب‌های مخملی که در برخی کشورها رخ می‌دهد، نبود. لذا به تبع انقلاب و به دلیل تغییر رژیم پهلوی و خروج افراد و سرمایه‌داران وابسته و مستشاران خارجی زیادی که در ایران بودند، سرمایه‌های زیادی نیز از ایران خارج شد. در چنین شرایطی وقتی افراد و مستشاران خارجی از کشور خارج می‌شوند، هر چه می‌توانستند از ایران به صورت انواع ارز، دلار، طلا و عتیقه‌جات خارج کرده و بردند. درباره سرمایه و پول و ارزی که خاندان پهلوی و دربار خارج کردند، روایت‌های متعددی وجود دارد و ارقام خیلی بالایی گفته می‌شود. به هر حال کشور دچار انقلاب شده و در یک چنین شرایطی انتظار است که این موارد وجود داشته باشد. همزمان و در یک چنین وضعیتی که از نظر اقتصادی کشور تضعیف شد، گرفتار ناآرامی و تنش‌های سیاسی و گروهک‌ها و... نیز شد و دو سال بعد در شهریور ۵۸ جنگ تحمیلی علیه ایران آغاز شد. خود جنگ بر درآمدهای ارزی کشور به شدت تأثیر گذاشت و ضربه دیگری بر ارزش پول ملی وارد کرد. لیکن با

تمام این موارد و معضلاتی که گفته شد، در سال ۶۱ نسبت به سال ۵۷ و زمان پیروزی انقلاب، دلار در حدود ۵ برابر افزایش یافت و از ۷ تومان به حدود ۳۱ یا ۳۲ تومان رسید. لیکن و در کمال تعجب می‌بینیم که از سال ۹۰ تا کنون، نرخ دلار ۶۰ برابر شده و از ۱۰۰۰ تومان به ۶۰ هزار تومان افزایش پیدا کرده است. سوالی که مطرح است اینکه چرا در اول انقلاب با آن حجم خروج سرمایه و وقوع جنگ، تغییرات دلار در مقایسه با تغییرات دهه اخیر ناچیز به نظر می‌رسد و کمتر از یک دهم است؟ در پاسخ موارد متعددی را می‌توان ذکر کرد، ولی دلیل اصلی این پدیده به عدم درک صحیح ما از مفهوم پول برمی‌گردد. به طور قاطع می‌توان گفت که بسیاری از مسئولین ما درک درستی از مفهوم پول و پول ملی ندارند.

پول ملی مانند پرچم است، یک نماد هویت بخش که می‌تواند رفاه جامعه ما را افزایش دهد. در گذشته، جوامع اولیه که پول را ابداع کرده و با آن آشنا شده و از آن در مبادلات استفاده کردند، سطح رفاه خود را به مراتب در مقایسه با زمانی که مبادلات پایاپای بود، افزایش دادند. از تکه سنگ، نمک، برخی حیوانات، چوب خاص، ... یا حتی از مجسمه انسان به عنوان پول استفاده کرده‌اند. این پول به آنها هویت می‌داد و مثلاً گفته می‌شد که در این منطقه با سنگ نمک مبادلات انجام می‌شود. یعنی جامعه وحد و حدود آن را پول تعیین می‌کرد و شاید آن موقع پول مهم‌تر از پرچم بود. هر چه افراد بیشتری از این پول (که کالایی بود) استفاده می‌کردند، آن پول ارزش بیشتری پیدا می‌کرد و رفاه بیشتری هم در سایه افزایش مبادلات ایجاد می‌کرد که امروزه بدان ارزش شبکه‌ای گفته می‌شود. رفاه افراد به این وابسته بود که پول، در حوزه بیشتری از نظر جغرافیایی، منطقه‌ای و فکری کاربرد داشته باشد. فکری به این معنا که افراد بیشتری به آن پول اعتماد کنند و آن پول ذهن‌های بیشتری را تسخیر کرده باشد و مبادلات خود را بر اساس آن انجام دهند. البته بعدها نوع بشر با فلزات آشنا شده و در یک روند تکاملی فلزاتی مانند نقره و طلا به عنوان پول تثبیت شد. وقتی در این فرایند تاریخی دقت کنیم، متوجه می‌شویم که تنها چیزی که می‌تواند سنگ و چوب را به عنوان پول در جامعه مطرح کند و بالا کشد، فقط و فقط اعتماد مردم است. به عبارت دیگر، پول مترادف با اعتماد است. اگر اعتماد وجود داشته باشد، پول ارزش پیدا می‌کند و اگر اعتماد نباشد، پول و نظام مالی با هم سقوط می‌کند. بر این اساس و به ویژه از سال ۱۳۸۹ و ۹۰ به این طرف، دشمن

به طور قاطع می‌توان گفت که بسیاری از مسئولین ما درک درستی از مفهوم پول و پول ملی ندارند



## افت ارزش پول ملی در این سال‌ها به دلیل زیرپا گذاشتن اصول اولیه است

با تحریم و ابزارهایی که دارد بیشتر تلاش کرده است که بین دولت و ملت در جامعه ما فاصله ایجاد کند و حس اعتماد را در ایران تضعیف کند. لذا در این جنگ نرم و در این چند سال، اگر چه نه جنگی رخ داده، نه انقلابی شده و نه خروج سرمایه به آن شکل غیرمعمولی اول انقلاب پیش آمده، اما با وجود اینها به دلیل بی‌اعتمادی که تسری پیدا کرده و دشمنان به آن دامن زده‌اند، ارزش پول ما سقوط کرده و به دنبال آن ارزش‌های اخلاقی و معنوی نیز در جامعه سست شده است، وگرنه نباید به این اندازه نرخ دلار افزایش پیدا می‌کرد.

ممکن است بپرسید چگونه باید اعتماد ایجاد کرد و ارزش را به پول ملی برگرداند؟ من معتقدم این وضعیت و سقوط ارزش پول ملی در این سال‌ها به دلیل زیرپا گذاشتن اصول اولیه است. از اصول اولیه یکی همان درکی است که ما به عنوان مقام پولی و ارزی از پول داریم و ارزش پول ناشی از اعتمادی است که ما از جامعه برای پول کسب می‌کنیم. اگر این اصول را نادیده بگیریم، پول ملی در معرض خطر قرار خواهد گرفت. در یک مورد چند سال پیش، افراد حساب ارزی باز کردند و وقتی خواستند پول خود را برداشت کنند، بانک‌ها گفتند که به جای ارز، ریال با نرخ ارز مرجع می‌دهند! حال آنکه از اصول اولیه بانکداری این است که وقتی من پولم را به بانک تحویل می‌دهم، باید بتوانم همان را بعداً بگیرم. وقتی اصول زیر پا گذاشته می‌شود، بدون هزینه نخواهد بود. همین یک مورد باعث شده است که الان بین ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار در خانه‌های مردم به عنوان دلارهای خانگی ذخیره شده باشد. چرا که ما هنوز درک نکردیم که سیستم بانکداری و مفهوم پول بر اساس اعتماد بنا شده است و ما این موارد را نادیده گرفته‌ایم. هر روز علیه نظام بانکی و کارمندان بانک‌ها و... در رسانه‌ها و مطبوعات می‌نویسند و اعتماد به پول ملی و نظام بانکی را در جامعه تضعیف می‌کنند. یا مرتب بانک‌ها را به رباخواری و...

متهم می‌کنند. اینها جزیربی‌اعتمادی به پول و نظام مالی نمی‌افزاید و تبعات دارد. استعمارگران در گذشته به محض تسلط بر یک منطقه، سعی می‌کردند پول خود را در آنجا در جریان بیندازند. همانطور که پرچم خود را برمی‌افراشتند، پول خود را نیز در جریان می‌انداختند و تلاش می‌کردند در سرزمین‌های بیشتری پولشان جریان داشته باشد. برای من به عنوان متخصص حوزه پول و بانک، پرچم و پول ملی یکی هستند و هیچ تفاوتی بین آنها قائل نیستم. ما به خاطر پرچم مقدس کشورمان و اینکه این پرچم همیشه در اهتزاز باشد، جان‌مان را می‌دهیم، اما در درک اهمیت و جایگاه پول ملی به خطا رفتیم و حاضر نیستیم اعتماد را به پول برگردانیم. از گذشته و از بدو ابداع پول یکی دیگر از اصول که می‌تواند در ایجاد اعتماد مؤثر باشد، کمیابی پول است. اگر پول و کالایی که نقش پول را ایفا می‌کند کمیاب نباشد که ارزش نخواهد داشت. بر این مبنا پذیرفتنی نیست که همیشه در رشد نقدینگی و چاپ پول رکورددار باشیم و از آن طرف انتظار داشته باشیم که پول و نظام مالی‌مان معتبر باشد.

همه شاهد بودیم که حدود دو سال پیش، صندوق امانات یکی از شعب بانک ملی سرقت شد. خوشبختانه افراد سارق زود دستگیر شدند و اموال برگردانده شد. لیکن مطابق اخبار و اطلاعاتی که در جراید منتشر شد و من دنبال می‌کردم، افرادی از مالباختگان بودند که مبالغ زیادی از ارزهای خارجی در صندوق امانات داشتند که ارزشی فراتر از چند صد میلیارد تومان داشت. سوال من این است که چرا این افراد حاضر نمی‌شوند این مبالغ ارزی را به جای صندوق امانات یا نگهداری در خانه، در حساب ارزی بگذارند و ماهی ۱.۵ تا ۲ درصد سود بگیرند؟ این پدیده‌ای است که هیچ جای دنیا سراغ ندارید. دولت ایران در زمان کرونا چهار میلیارد دلار وام از صندوق بین‌المللی پول درخواست کرد و در نهایت هم به دلیل مخالفت

## برش



### برخی‌ها اعتماد به پول ملی را خدشه‌دار می‌کنند

هر روز علیه نظام بانکی و کارمندان بانک‌ها و... در رسانه‌ها و مطبوعات می‌نویسند و اعتماد به پول ملی و نظام بانکی را در جامعه تضعیف می‌کنند. یا مرتب بانک‌ها را به رباخواری و... متهم می‌کنند. اینها جزیربی‌اعتمادی به پول و نظام مالی نمی‌افزاید و تبعات دارد.

## نوروزی:

● برآوردها نشان می‌دهد  
که ۳۰ میلیارد دلار  
در منازل مردم  
وجود دارد، اما در اقتصاد  
مشارکت نمی‌شود

آمریکا ندادند. در عین حال، ۳۰ میلیارد دلار در خانه‌های مردم است و آنها حاضر نیستند در سیستم بانکی بگذارند. بانک مرکزی برای ارزهای خانگی چه تدبیری اندیشیده است؟ احساس می‌کنم مردم به دلیل زیر پا گذاشتن اصول، اعتمادشان را به ما از دست داده‌اند. دو مورد از اصول را ذکر کردم. وقتی به اصول پایبند نیستیم، نه تنها بی‌اعتمادی به پول ملی و پرچم کشورمان بیشتر می‌شود، بلکه فرهنگ جامعه را نیز تخریب می‌کنیم. به دلیل عدم توجه و البته به تعبیر من عدم درک صحیح مسئولان محترم از جایگاه پول ملی و مفهوم آن، ما جامعه و فرهنگ جامعه را به سمت دلالی و سفته‌بازی برده‌ایم. غیر از خرید و فروش طلا و ارز و قمار که به نام فروش خودرو راه انداخته‌ایم، می‌بینیم در روستا، زن خانه‌دار ارز دیجیتال خرید و فروش می‌کند و در کلاس، دانشجو می‌خواهد زیرا شب تا صبح درگیر ترید و معاملات ارز دیجیتال و بیت‌کوین است و خود استاد هم نوسان‌گیری می‌کند. فرهنگ سفته‌بازی جایگزین فرهنگ تولید و ایجاد ارزش برای جامعه شده و همین باعث شده که نتوانیم از جهش تولید صحبت کنیم. مشارکت مردم در تولید به منزله شعار سال با فرهنگ دلالی و سفته‌بازی در تضاد و تناقض است و این دو با هم جمع نمی‌شوند.

شاردن، سیاح فرانسوی در زمان صفویه، می‌گوید ایرانی‌ها دلالی را دوست دارند. این موضوع در فرهنگ ماریشه دارد و اکنون به مدد سیاست‌های پولی، ارزی و بانکی، این وضعیت تشدید شده و بیشتر به سمت سفته‌بازی رفته‌ایم. مردم به دلالی مشغول شده‌اند. تمام سرمایه‌ها یا بخش عمده‌ای از سرمایه‌های اقتصادی جامعه ما در این حوزه‌ها وارد شده است. غیر از دلارهای خانگی با برآوردهایی که من دارم میلیاردها دلار در ارزهای دیجیتال سرمایه‌گذاری شده و به سمت صرافی‌های ارز دیجیتال رفته است. اما سیستم اقتصادی ما هیچ استفاده‌ای از آن

نمی‌کند. به عنوان مثال، یک صرافی ارز دیجیتال داخلی می‌گوید ۷ میلیون نفر مشتری دارد. کسی نمی‌گوید چه مقدار پول در این صرافی رسوب کرده و چه استفاده‌ای از آن می‌شود؟ آیا از امنیت کافی برخوردار است؟ طبق آمارهای بین‌المللی، دارندگان ارزهای دیجیتال از ایران ۱۳ درصد کل این افراد را تشکیل می‌دهند. با توجه به اندازه بازار ارزهای دیجیتال، این رقم بسیار بالاست. حتی اگر بگوییم ۱۳ درصد نه و تا ۵ درصد، باز هم رقم قابل توجهی برای اقتصاد تحریم‌زده ما است، در حالی که ما کمبود سرمایه و نقدینگی داریم و به دنبال سرمایه خارجی و سرمایه‌گذاری خارجی هستیم. برای بخش تولید و ساخت مسکن پول نداریم، برای ازدواج جوانان و تشویق زاد و ولد که مسئله راهبردی برای جامعه ما است، پول نداریم، برای پرداخت پول گندم‌کاران پول نداریم و... و آن وقت میلیاردها دلار پول و سرمایه ملت در سایه سیاست‌های غلط و تحریم، به سمت دلالی رفته است. با این وضعیت، جهش تولید و مشارکت در تولید ممکن نیست، زیرا اصول را زیر پا گذاشته‌ایم و فرهنگ دلالی را ترویج می‌کنیم. تا زمانی که اینطور باشد، اتفاق مثبتی که در عرصه اقتصادی شگرف باشد نخواهد افتاد و نمی‌توانیم رشد ۸ درصدی را محقق کنیم.

سازمان مالیاتی باید مالیات بر عایدی سرمایه ارزهای دیجیتال را در نظر بگیرد. به عنوان یک متخصص حوزه مالی می‌بینم دانشجویانی که در رشته‌های مالی و MBA از دانشگاه‌های معتبر تحصیل کرده‌اند، به شدت به این حوزه‌ها ورود کرده‌اند و همه به دنبال ارزهای دیجیتال و ترید و سرمایه‌گذاری در این حوزه هستند. از میزان پول و سرمایه‌ای که به این بازارها وارد می‌شود در مطالعات و بررسی‌هایی که در این زمینه انجام داده‌ام واقعاً شگفت‌زده و متعجبم. اما مسئولین به این موضوع توجهی ندارند و یا خیلی کم‌اهمیت می‌دهند. تا زمانی که این وضعیت ادامه داشته باشد، مسئله قابل حل نخواهد بود. در این سال‌ها ندیدم مقامات پولی و بانکی برای ارزهای خانگی حساسیت داشته باشند و چاره‌اندیشی کنند. به سادگی از کنار این پدیده‌های شوم اقتصادی رد می‌شوند و نادیده می‌گیرند.

امیدوارم دوستان، اساتید و دانشجویان دغدغه‌مند این مسئله را بیشتر مورد توجه قرار دهند. بین مسئولین بانکی باید مفهوم پول به عنوان یک اصل اولیه که با اعتماد هم‌زاد است، جدی گرفته شود. نباید اصول را زیر پا بگذاریم، زیرا در اینصورت سرمایه‌گذاری اتفاق نمی‌افتد.

مشارکت  
مردم در  
تولید به منزله  
شعار سال با  
فرهنگ دلالی  
و سفته‌بازی در  
تضاد و تناقض  
است و این دو  
با هم جمع  
نمی‌شوند





میلیاردها دلار  
پول و سرمایه  
به سمت دلالتی  
رفته است. با  
این وضعیت  
جهش تولید  
و مشارکت در  
تولید ممکن  
نیست

۲۸



اقتصاد

• شماره ۵۸ - مهر ۱۴۰۳ •

وقتی یک نفر می‌تواند رانندگی کند که آزمون داده و گواهینامه گرفته باشد، همینطور وقتی یک نفر صاحب دسته چک می‌شود، باید نسبت به چک، پول، و مفاهیم آنها تفهیم شده باشد. می‌خواهیم بانکداری اسلامی را درست اجرا کنیم و دغدغه داریم و جزو اولین کشورها در این زمینه هستیم، اما جدی نیستیم. بانکداران دلشان با این مسئله نیست. محققان غربی می‌گویند وقتی بانکی، بانکداری اسلامی را اجرا می‌کند، در تولید مشارکت می‌کند و می‌داند بازدهی کجاست و پول را کجا ببرد. زیرا به دلیل مشارکت در تولید و ماهیت بانکداری اسلامی، بیشتر از بانک‌های متعارف و غیر اسلامی درگیر مسئله تولید هستند. اما آیا بانک‌های ما پول را به سمت تولید می‌برند؟ اصلاً برایشان اهمیتی دارد؟ در سایه بانکداری صوری، مردم برای سفته‌بازی و خرید ارز دیجیتال وام می‌گیرند و بخش زیادی از منابع ما به این شکل مصرف می‌شود. غالباً به دلالتی مشغول شده‌اند و منابع به سمت دلالتی می‌رود و بانکداری اسلامی را بدنام می‌کنیم. از سوی دیگر، همه چارچوب‌ها و پاسخ‌ها به این سمت می‌آید که بانک مرکزی ما مقتدر نیست. سوالی می‌پرسم که آیا اقتدار قوه قضائیه و پلیس ما کم است؟ با این حال، آیا قوه قضائیه در کاهش جرایم و تنبیه مجرمان موفق ارزیابی می‌شود؟ شما قوه قضائیه را موفق می‌دانید؟ آیا بالاترین اقتدار را براساس قانون ندارد؟ فرض کنید بانک مرکزی هم اقتدار قوه قضائیه و پلیس را داشته باشد، تا زمانی که ما اصول و مفاهیم اولیه را جدی نگیریم، حتی اگر فردا بگویید بانک مرکزی به اندازه قوه قضائیه اقتدار دارد، اتفاقی نخواهد افتاد. این وضعیت به خاطر این است که ساختار سیستم بانکی ما با ساختاری که استقلال بانک مرکزی از آن بیرون می‌آید، متفاوت است. اگر بانک مرکزی مسئله پول، ارزش پول و اعتماد را به پول برگرداند، بسیاری از مسائل دیگر هم درست می‌شود. به جای خروج سرمایه، ورود سرمایه خواهید داشت. اعتماد مردم به پول ملی که زیاد شد، در انتخابات هم بیشتر شرکت می‌کنند و به شریعت و مبانی دین هم بیشتر عمل می‌کنند. اما در نبود اعتماد، هم وضع اقتصادی‌شان بدتر می‌شود و هم برعکس حرف ما عمل می‌کنند. مگر کینز نگفته است که "تورم و کاهش ارزش پول ملی مانند موربانه‌ای است که هیچ چیزی مانند آن نمی‌تواند باورها و اعتقادات مردم را از بین ببرد؟! این مسائل را جدی نمی‌گیریم و توجه نمی‌کنیم و آسیب‌های زیادی می‌بینیم که بعضاً قابل جبران نیستند.

## ساختارهای صحیح به رفتارها سامان می‌دهند

حسن رنگرین، عضو هیات علمی  
دانشگاه خوارزمی: دولت‌ها



سه وظیفه دارند: توزیع عادلانه ثروت و رفاه، تخصیص منابع و امکانات، و تثبیت اقتصادی. کدام یک از دولت‌های ما بعد از انقلاب توانسته‌اند این سه وظیفه را به درستی پیاده کنند؟ تنها حکومتی که از زمان شکل‌گیری "مدینه النبی" توانست این سه وظیفه را به خوبی اجرا کند، حکومت امام علی (ع) بود که چهار سال و نه ماه و پنج روز به طول انجامید. باید از نوع حکومت‌داری امام علی (ع) درس بگیریم. اگر یاد نگیریم، دو خروجی در کشور ما ایجاد می‌شود که به دو پیامد تبدیل می‌شود: اولین خروجی، شکل‌گیری و گسترش اقتصاد دلالتی است. دلالتی تخصص نمی‌خواهد. دومین خروجی، تبدیل به مولفه‌ای به نام فساد می‌شود. فساد، چه اقتصادی، چه سیاسی و چه فرهنگی، در جامعه ما وجود دارد و این مسئله‌ای جدی است که باید چاره‌ای برای آن اندیشید. دومین مسئله این است که تا ساختار به درستی شکل نگیرد، رفتارها نیز سامان نمی‌یابند. ساختار باید به اقتدار بانک مرکزی برگردد، نه صرفاً استقلال بانک مرکزی.

## اما برای این دو مسئله چه راه حلی وجود دارد:

راه حل اول این است که تجربیات مدیران و کارشناسان نظام بانکی، به ویژه بانک مرکزی، را مستندسازی کنیم. به مرحوم عالیخانی، وزیر دارایی، رجوع کنیم. یک روز به خانه ایشان در خارج از کشور رفته و فکر کردم که خانه‌اش دزد زده است. بوفه‌ای داشت که تعدادی ظروف سفالی قدیمی و یک فرش سی، چهل رگی قدیمی در آن بود. چطور ممکن است وزیر اقتصاد و دارایی باشید و کل زندگی‌تان را بفروشید و ده هزار پوند نشود؟ این نشان می‌دهد که ما الگوی مدیریتی داریم، هرچند مربوط به قبل از انقلاب باشد. چه ایرادی دارد که از این تجربیات استفاده کنیم؟ همچنین، زندگی کاری و عملی مرحوم نوربخش را نیز بررسی و مستندسازی کنیم. دولت نروژ از تجربیات مرحوم نوربخش استفاده می‌کند، اما ما فقط می‌گوییم خدا رحمتش کند. دومین راه حل این است که بانکداری بدون ربا شکل نمی‌گیرد، مگر اینکه بانکداری ما اسلامی شود. بانکداری اسلامی نیز شکل نمی‌گیرد، مگر اینکه اقتصاد اسلامی باشد و اقتصاد اسلامی نمی‌شود، مگر اینکه دولت و حکومت ما اسلامی باشد. باید ببینیم کجای کار ما دچار مشکل است. برخی از دولت‌هایی که بعد از انقلاب شکل گرفته‌اند، مبتنی بر مردم‌سالاری دینی

شکل نگرفتند. برخی از دولت‌ها سعی کردند به سمت مردم‌سالاری دینی حرکت کنند، اما یا در نطفه خفه شدند و یا در میانه راه دچار مشکلاتی شدند. باید دولت اسلامی و حکومت اسلامی را مبتنی بر مردم‌سالاری دینی شکل دهیم، همانگونه که از مشارکت مردم به عنوان پیش‌نیاز اولیه برای حکمرانی خوب یاد شد.

## بانک مرکزی باید در دریای متلاطم اقتصاد به عنوان لنگر عمل کند

**حسین نوروزی، معاون پژوهشی دانشکده مدیریت دانشگاه خوارزمی: تلاش**



می‌کنم به مسئله جهش تولید و مشارکت مردم از دیدگاه سطح بنگاه بپردازم و بررسی کنم که در پی عدم ثبات و تغییرات نرخ ارز چه اتفاقی در سطح بنگاه‌ها رخ می‌دهد. زمانی که در مورد تولید و جهش تولید صحبت می‌کنیم و فرآیندهای تولید را به مثابه یک زنجیره ارزش نگاه می‌کنیم، از بحث ایده‌زایی و تولید مفهوم تا تجاری‌سازی و توزیع انبوه در جامعه، یکی از ارکان اصلی در تمام فرآیندها سیستم‌های پولی و مالی است. حتی در بحث ایده‌زایی نیز نیاز به زیرساخت‌های مالی یا حداقل پشتیبان‌های مالی داریم. بنابراین، نهادهای پولی و مالی در هر کشور در دنیای کنونی یکی از عناصر اصلی هستند که می‌توانند نقش ایفا کنند. عکس این قضیه نیز صادق است. ضعف، سستی و بی‌برنامگی در این سیستم‌ها می‌تواند تمام زحماتی که در حوزه‌های دیگر مانند صنعت، تولید و کارآفرینی انجام شده را زیر سوال ببرد. در بحث مشارکت مردم، باید ببینیم مشارکت مردم چیست و چگونه اتفاق می‌افتد. آیا می‌توانیم با دادن شعار و توصیه، مشارکت مردم را به وجود آوریم؟ مشارکت واقعی مردم در اقتصاد در حوزه سرمایه‌گذاری و تولید است. کارآفرینان و سرمایه‌داران باید سرمایه‌گذاری و اشتغال‌زایی کنند. طبیعی است که وجود ایده‌ها و پشتیبان‌هایی مانند پژوهشگاه‌ها و دانشگاه‌ها نیز می‌تواند نقش ایفا کند. اما اگر به کلیت اقتصادمان نگاه کنیم، در حوزه تئوری و دانش مشکلی نداریم و در وجود سرمایه نیز مشکلی نیست. برآوردها نشان می‌دهد که ۳۰ میلیارد دلار در منازل مردم وجود دارد و اگر طلا و سکه را هم اضافه کنیم، این رقم فراتر از اینهاست. پس چرا مشارکت انجام نمی‌شود؟ همیشه گفته‌ام کسانی که سرمایه و پول دارند، شامه‌های قوی دارند. اگر آنها بدانند که بالای کوه دماند هم

جایی برای سرمایه‌گذاری وجود دارد که یک درصد بیشتر از میدان فردوسی و بازار دلار و سکه برایشان عایدی دارد، آن کار را انجام می‌دهند. اما واقعیت این است که در این چهار دهه این اتفاق نیفتاده و دلیل اصلی آن، عدم پیش‌بینی‌پذیری در اقتصاد کشور است. دوستان به حوزه تورم و بدنه توزیع و دلالتی اشاره کردند. دلیل این اتفاق این است که فردی که سرمایه دارد، به حوزه تولید نمی‌رود. سرمایه‌گذاری در بخش تولید میان مدت و بلندمدت است و هر جایی که بخواهید سرمایه‌گذاری کنید، برگشت سرمایه حداقل دو تا ۱۰ سال طول می‌کشد، در صنایع بنیادی و اساسی مدت زمان برگشت سرمایه بیشتر هم است. در اقتصاد فعلی ایران آیا سرمایه‌گذاران می‌توانند پیش‌بینی کنند هفته آینده قیمت دلار و سکه در کشور چقدر خواهد بود؟ وظیفه اصلی بانک مرکزی در این زمینه این است که تا حد امکان اقتصاد را پیش‌بینی‌پذیر کند. درست است که شرایط اقتصاد کلان، سیاسی و محیطی که در حوزه تحریم‌ها و دیگر مسائل وجود دارد، هزینه‌هایی را به کشور و بازرگانان تحمیل کرده است. به هر حال، زمین بازی الان این است و حداقل در این دریای متلاطم، بانک مرکزی باید به عنوان یک لنگر عمل کند. اگر هم نمی‌توانیم ثبات کامل برقرار کنیم، حداقل باید چارچوب‌هایی را مشخص کنیم. یکی از موضوعات مهمی که در سال‌های گذشته عامل اصلی آن بانک مرکزی بوده، این است که مدیریت بازار به شکلی که امروز ارزشیابی می‌کنید و فردا قیمت‌ها را بالا و پس فردا پایین می‌آورید، مدیریت نیست. ممکن است از دیدگاه خرد و بانک مرکزی به نوعی مدیریت بازار یا ثبات باشد، اما باید از دید فعال اقتصادی و سرمایه‌گذار تولید به آن نگاه کنید که تمام سرمایه و زندگی خود را برای کسب و کاری گذاشته که تازه چهار سال دیگر برایش عایدی خواهد داشت.

• **دکتر امامی، عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی**  
یکی از جنبه‌هایی که ناعدالتی‌ها در آن رخ می‌دهد، وارد نکردن مردم به بازی اقتصاد است. البته این به این دلیل نیست که نمی‌دانیم باید مردم را وارد کنیم، بلکه به این خاطر است که بخشی از مردم نخبه هستند و نگهداری و تحمل این نخبگان هزینه‌بر است. برای مثال، همه اعتقاد داریم که کارآفرینی باعث توسعه اقتصادی می‌شود و به ایجاد شغل، ارزش و ثروت مولد می‌انجامد. اما نخبه اقتصادی که

غیر از دلارهای خانگی میلیاردها دلار در ارزهای دیجیتال سرمایه‌گذاری شده و به سمت صرافی‌های ارز دیجیتال رفته اما سیستم اقتصادی ما هیچ استفاده‌ای از آن نمی‌کند



اصلاح و  
چابک سازی  
نظام بانکی  
ضروری است  
و تحول در  
ساختار و  
عملکرد نظام  
بانکی باید  
متناسب با  
اهداف  
اقتصادی و  
تولیدی باشد



● شماره ۵۸ - مهر ۱۴۰۳ ●

در این حوزه فعالیت می کند، گاهی اوقات به جای ایجاد شغل، ممکن است شغل هایی را از بین ببرد و به تخریب خلافتانه منجر شود. آیا وقتی که این افراد برهم زنده بازار هستند، می توانیم از آنها حمایت کنیم یا باید آنها را رها کنیم تا کوچ کنند و بروند؟ یک جنبه مهم در این بازی، وارد کردن مردم، حمایت، تحمل و برنامه ریزی برای حضور مؤثر این نخبگان در جامعه و اقتصاد است که می تواند به ما کمک کند.

در جنبه کارایی بازار، یکی از خروجی هایی که نخبگان می توانند ایجاد کنند، ایجاد بسترهای مناسب اقتصادی مانند اکوسیستم هاست. اکوسیستم ها در حال حاضر بحث بسیار مفصل و مهمی در دنیاست. به عنوان مثال، سلیکون ولی در آمریکا یا اکوسیستم های فناوری در شهر استکهلم و چین، نمونه هایی از این نوع بسترها هستند که سرمایه گذاری های زیادی در آنها صورت گرفته است. با میدان دادن به نخبگان و ایجاد برنامه های مناسب و عدم حذف زود هنگام آنها، می توانیم به خروجی های مثبت دست یابیم و از ظرفیت های آنها بهره برداری کنیم.

#### ● دکتر بایزیدی، عضو هیات علمی پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام

مسئله اول در مورد مباحث مطرح شده این است که به طور کلی، مادر هیچ حوزه ای از جمله اقتصاد، سیاست و مبارزه با فساد، راهبرد کلان نداریم. راهبرد کلان نباید قربانی چرخش های سیاسی شود و سازمان ها و ارگان هایی که باید آن را اجرا کنند، باید به آن اعتقاد داشته باشند. همچنین، باید تفاوت بین سیاست های کلی و راهبرد کلان را درک کنیم. ما سیاست های کلی داریم، اما راهبرد کلانی برای اجرای آنها وجود ندارد.

مشکل دوم، عدم اجماع است که در دو سطح وجود دارد. یک سطح، سطح سیاسی و قدرت است که در آن اختلافاتی بین نخبگان سیاسی کشور، جناح های مختلف، وزارتخانه ها و گروه های مختلف وجود دارد. این اختلافات در بسیاری از موارد مانع از آن می شود که بتوانیم برنامه هایی را که مدنظر داریم، از جمله شعار سال، سیاست های کلی و برنامه هایی که قوانین آن ها مصوب شده، به درستی اجرا کنیم. عدم اجماع نه تنها در سطح قدرت وجود دارد، بلکه در سطح ارتباط بین ساختار سیاسی و جامعه نیز مشهود است. تازمانی که مشکل اجماع و راهبرد را در سطوح کلان حل نکنیم، نمی توانیم به اهدافی که در برنامه های مختلف و حتی در سیاست های کلی به آن اشاره شده، دست یابیم.

#### ● دکتر بختیاران، عضو دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام

موضوعی که دغدغه بسیاری از فعالان اقتصادی امروز است، ثبات سیاست های بانک مرکزی است. اگر بانک مرکزی تصمیم به اتخاذ یک سیاست، به ویژه سیاست انقباضی بگیرد و به فکر افزایش نرخ بهره باشد، باید ثباتی در این سیاست ها لحاظ کند. وقتی نرخ بهره کشور به ۳۷ یا ۳۸ درصد افزایش می یابد، نباید انتظار داشته باشیم که سرمایه گذاری و جهش تولید اتفاق بیفتد. این وضعیت طبیعتاً به فرآیند تولید و تولیدکنندگان کشور آسیب می زند و نتیجه آن رکود اقتصادی خواهد بود.

موضوعی که شاید چندان خوشایند نباشد، این است که در حال حاضر ثباتی در این وضعیت وجود ندارد و نرخ ۳۷ یا ۳۸ درصد دو ماه پیش الان به زیر ۳۰ درصد رسیده است. برای فعالان اقتصادی، رویه ای با ثبات وجود ندارد. فردی که می خواهد در کشور سرمایه گذاری کند و کسب و کار راه بیندازد، نمی داند فردا چه اتفاقی خواهد افتاد و هزینه پول برایش چقدر خواهد بود.

موضوع دیگر تخصیص ارز به فعالان اقتصادی و بنگاه های تولیدی است. به طور مشخص، در گذشته نرخ ارز کوتاژی وجود داشت که بانک مرکزی به برخی شرکت ها اجازه می داد از آن استفاده کنند، به شرطی که توانایی بهره برداری از این فرصت مثبت را داشته باشند. این اقدام به کاهش تعهدات بانک مرکزی کمک می کرد و می توانست نیاز ارزی شرکت ها را از طریق خودشان تأمین کند و منفعت اقتصادی بیشتری برای آن ها به ارمغان آورد. اما اخیراً بانک مرکزی تصمیم گرفته است که این نرخ کوتاژی از بین برود و به نرخ نیما منتقل شود. عدم ثبات در این سیاست ها ضربه می زند.

بانک مرکزی می تواند برای قاعده مندتر کردن سیاست هایش، نشست های بیشتری با فعالان اقتصادی و سرمایه گذاران برگزار کند. در حال حاضر، ما با این مسئله فاصله داریم و تعداد جلسات کم است. فعالان اقتصادی ممکن است سالی یک یا دو بار نشست داشته باشند که به نظر من این موضوع آسیب زننده است. مهم ترین بخش کشور ما بخش تولیدی و فعالان اقتصادی هستند و این جلسات باید به طور مداوم برقرار شود تا به راهکارهای درستی برسیم. همچنین، در کنار آن باید جلساتی با حضور اساتید دانشگاهی برگزار شود، زیرا این دو مکمل یکدیگر هستند و می توانند راهکارهای بهینه تری برای اقتصاد ما ارائه دهند.

### • دکتر قباشی، دبیر علمی گروه اقتصاد مجمع تشخیص مصلحت نظام

یکی از چالش‌های اصلی ناهمراستا بودن سیاست‌های کنونی بانک مرکزی با شعار سال است. در حال حاضر، مهم‌ترین سیاست بانک مرکزی که از سال ۱۴۰۰ آغاز شده، سیاست کنترل ترانزنامه است. این سیاست، با توجه به اینکه مهم‌ترین نقش بانک مرکزی تأمین مالی است، باعث کاهش حجم تسهیلات شده است.

این کاهش رشد تسهیلات منجر به این شده که عمده تسهیلات بانک‌ها به سمت شرکت‌ها و بنگاه‌های زیرمجموعه بانک‌ها انتقال پیدا کند و تأمین مالی‌های خرد، مانند وام‌های ازدواج، ودیعه مسکن و فرزندآوری، به حداقل برسد. به عبارت دیگر، تأمین مالی واقعی در کشور عملاً صورت نمی‌گیرد. این مسئله، یعنی سیاست کنترل ترانزنامه، همچنین منجر به افزایش هزینه تأمین مالی در کشور شده است. وقتی تأمین مالی از طریق بانک‌ها سخت می‌شود، نرخ بهره بازار افزایش پیدا می‌کند و این افزایش نرخ بهره، هزینه نرخ تشکیل سرمایه را به طور خودکار افزایش می‌دهد.

از سوی دیگر، بانک مرکزی در اواخر سال ۱۴۰۲ سیاست دیگری را نیز اتخاذ کرده که هرچند ناگزیر بوده، سیاست گواهی ۳۰ درصد است. این سیاست به طور طبیعی تضادی با شعار سال ایجاد می‌کند. کاری که بانک مرکزی باید انجام دهد، تعدیل سیاست کنترل ترانزنامه در جهت تأمین مالی خرد است. این امر باید با رعایت آیین‌نامه‌های نظارتی صورت گیرد تا بانک‌ها بتوانند رشد دو درصدی تسهیلات را به سمت تأمین مالی‌های خرد هدایت کنند و حمایت‌های لازم انجام شود.

### • دکتر محمدی، عضو پژوهشکده مجمع مصلحت نظام

ناظر به صحبت‌ها درباره ارز دیجیتال، نکته بسیار مهمی وجود دارد که مغفول مانده و به آن اشاره نشده است. بسیاری از افراد در این حوزه شرکت می‌کنند، به دلیل نداشتن سواد کافی، دارایی‌های خود را از دست می‌دهند و هزینه‌های گزافی به اقتصاد کشور تحمیل می‌کنند. باید دلیل این موضوع را بررسی کنیم که چرا فردی با هر سطح سواد اجتماعی و تحصیلاتی خود را ملزم به یادگیری در این زمینه می‌کند.

مثلاً فردی پیگیر اخبار فدرال رزرو آمریکا است تا در این حوزه موفق شود، زیرا خود را به یک منبع مالی بسیار بزرگ متصل می‌کند. اگر این فرد سواد و دانش لازم را نداشته باشد، می‌تواند از این فرصت بهره‌برداری خوبی داشته باشد. او ممکن است

در دانشگاه درس خوانده باشد و با ماهی ۱۰ تا ۱۲ میلیون تومان زندگی کند، اما با انجام یک معامله موفق می‌تواند این پول را در کمتر از چند دقیقه به دست آورد.

مسئله بعدی ایجاد اعتماد است که از سمت بانک مرکزی، سازمان بورس و متولیان مالی کشور به مردم داده نشده است. بازی‌های صفحه موبایل در این مدت اخیر بسیار رواج پیدا کرده و طبق آخرین آمار، ۱۸۵ میلیون کاربر در سطح دنیا این بازی‌ها را انجام می‌دهند که تقریباً بیش از ۲۰ میلیون ایرانی هستند. این به معنای این است که بیش از ۱۰ تا ۱۵ درصد از ایرانیان در این بازی‌ها شرکت دارند. جالب اینجاست که اگر فرد بخواهد یک دوست جدید اضافه کند، دیگر نمی‌تواند، زیرا عملاً همه این بازی‌ها را انجام می‌دهند. این بازی در تلگرام که اساساً در کشور ما فیلتر است، چگونه این اعتماد را ایجاد کرده است؟ مبدا و مقصد قضیه مشخص نیست، اما مردم به این اعتماد می‌کنند و به جای اینکه پول خود را در بانک‌ها و بنگاه‌های اقتصادی سرمایه‌گذاری کنند و وقت خود را در جای درست استفاده کنند تا به اقتصاد کشور و جهش تولید کمک کنند، به این فعالیت‌ها مشغول می‌شوند.

به نظرمی رسد بانک مرکزی هنوز سازوکار مشخصی برای ارز دیجیتال تعریف نکرده است و اگر فردی بخواهد وارد این حوزه شود، نمی‌داند به چه صورت باید اقدام کند.

### • دکتر جعفری، عضو دبیرخانه پژوهشکده مجمع تشخیص مصلحت نظام

مهم‌ترین مسئله، استقلال بانک مرکزی است که در تمام دنیا این بانک‌ها از استقلال برخوردارند. به نظر من، باید هیأت امنایی برای بانک مرکزی تشکیل شود که شامل نمایندگان از مجلس، دولت، بانک‌ها و اتاق‌های بازرگانی باشد. این چهار بخش اصلی در اقتصاد به این صورت عمل می‌کنند: دولت مجری سیاست‌هاست، مجلس قانون‌گذار است، بانک‌ها سرمایه‌گذارند و بخش خصوصی مسئول ایجاد سرمایه و تولید است.

اگر این چهار بخش در هیأت امنای بانک مرکزی حضور داشته باشند و بتوانند رئیس کل بانک مرکزی را تعیین کنند، قدرت به طور متوازن تقسیم می‌شود. در این صورت، دولت نمی‌تواند هر روز قانونی تصویب کند، مجلس نمی‌تواند به دولت فشار بیاورد و بانک‌های خصوصی نیز نمی‌توانند به صورت خودسرانه پول تولید کنند و باعث تورم شوند. با انجام این اقدامات و حفظ استقلال بانک مرکزی، می‌توان به کنترل تورم و افزایش تولید دست یافت.

فرهنگ  
سفته‌بازی  
جایگزین  
فرهنگ تولید و  
ایجاد  
ارزش برای  
جامعه شده و  
همین باعث  
شده که  
نتوانیم از  
جهش تولید  
صحبت کنیم



رامین پولادریگ، عضو اتاق بازرگانی ایران و عراق در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

## دیپلماسی ارزی بانک مرکزی به کمک تجارت ایرانی آمد

- بانک مرکزی با وجود حوادث متعدد سیاسی توانست بازار ارز را به ثبات برساند
- دیپلماسی ارزی بانک مرکزی به ویژه در کشور عراق توانست مشکلات تجارت ایرانی را حل کند



۳۲



اقتصاد تازه‌ها

● شماره ۵۸ - مهر ۱۴۰۳ ●

در سال‌های اخیر، اقتصاد ایران با چالش‌های متعددی مواجه بوده است که نوسانات نرخ ارز یکی از بارزترین این چالش‌ها به‌شمار می‌آید. تأثیرات سیاسی و تحولات بین‌المللی، به ویژه در منطقه خاورمیانه، به طور مستقیم بر قیمت ارز تأثیر گذاشته و نوسانات شدیدی را در بازار ایجاد کرده است. در این میان، بانک مرکزی به عنوان نهاد اصلی سیاست‌گذاری اقتصادی، وظیفه مهمی در مدیریت این نوسانات و حفظ ثبات اقتصادی بر عهده دارد. در چند ماه گذشته، با وجود وقوع رویدادهای سیاسی و اقتصادی سنگین، نرخ ارز در ایران نسبتاً با ثبات باقی مانده است. این ثبات به ویژه در شرایطی که فعالان اقتصادی و تجار به دنبال پیش‌بینی‌پذیری در بازار هستند، اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند. در این راستا، اقدامات بانک مرکزی در جهت تأمین نیازهای ارزی، راه‌اندازی مرکز مبادله ارز و تقویت دیپلماسی ارزی، به عنوان ابزارهایی برای مدیریت بازار ارز و کاهش اثرات تحریم‌ها، مورد توجه قرار می‌گیرد. در گفت‌وگو با رامین پولادری، عضو اتاق بازرگانی ایران و عراق به بررسی تأثیرات سیاسی بر نرخ ارز و ارزیابی اقدامات بانک مرکزی در ایجاد ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در بازار ارز پرداختیم.

**یکی از چالش‌های سیاست‌گذار، تأثیرپذیری نرخ ارز از مسائل سیاسی و تحولات بین‌المللی است. با توجه به ثبات نرخ ارز در یکسال اخیر با وجود حواشی متعدد سیاسی و امنیتی، به نظر شما اقدامات بانک مرکزی تا چه اندازه موثر بوده است؟**

مسلماً از لحاظ سیاسی وضعیت پرتلاطمی داشتیم و مسائل سیاسی در خاورمیانه به شدت بر نرخ ارز تأثیرگذار بوده است. با این حال، به نظر می‌رسد که بانک مرکزی در این شرایط، عملکرد خوبی داشته و توانسته است به تثبیت نرخ ارز کمک کند.

**در خصوص پیش‌بینی‌پذیری بازار ارز، آیا بانک مرکزی توانسته است بازار را در یک مسیر منطقی قرار دهد؟**

در یک سال اخیر، میانگین قیمت ارز ثابت بوده و در محدوده ۵۵ تا ۶۰ هزار تومان نوسان داشته است. اگرچه در برخی زمان‌ها افزایش قیمت‌های هیجانی اتفاق افتاده، اما به طور کلی به نظر می‌رسد که بازار در این مدت قابل پیش‌بینی بوده است.

**درباره اقدامات بانک مرکزی در حوزه ارز، مانند راه‌اندازی مرکز مبادله و تقویت دیپلماسی بانکی، این اقدامات تا چه حد موثر بوده است؟**

من دیپلماسی ارزی بانک مرکزی را مثبت ارزیابی می‌کنم، به ویژه در کشور عراق. این دیپلماسی توانسته است مشکلاتی را که به وجود آمده بود، حل کند و به تجار ایرانی کمک کند. البته باید توجه داشت که هماهنگی بین ارگان‌های مختلف نیز ضروری است.

**برخی معتقدند بازار ارز باید تک‌نرخی شود. با توجه به واقعیت‌های موجود در اقتصاد ایران، نظر شما در اینبار چیست؟**

تک‌نرخی کردن ارز یک هدف مثبت است، اما باید به عنوان یک هدف بلندمدت در نظر گرفته شود. عجله در این مورد ممکن است باعث شوک اقتصادی شود. بنابراین، باید به تدریج به سمت این هدف حرکت کنیم.

**درباره پیمان‌های پولی، به ویژه پیمان پولی با روسیه، توسعه اینگونه مناسبات تا چه اندازه می‌تواند اثر تحریم‌ها را کاهش دهد؟**

این پیمان‌ها ابزارهایی برای مقابله با تحریم‌ها هستند و ما در این زمینه عملکرد خوبی داشته‌ایم. کشورهای دیگری مانند روسیه نیز اقداماتی مشابه را انجام می‌دهند که نشان‌دهنده اهمیت این نوع همکاری‌هاست.

تک‌نرخی کردن ارز یک هدف مثبت است، اما باید به عنوان یک اقدام بلندمدت در نظر گرفته شود





# پیمان‌های پولی، اقتصاد کشور را از سیطره دلار خارج می‌کند

- پیمان‌های دوجانبه ارزی و اقتصادی بین کشورها می‌تواند به خروج از سیطره دلار کمک کند
- بسیاری از کشورها که حتی روابط نرمالی با ایالات متحده دارند از پیمان‌های پولی و ارزهای ملی به جای دلار استفاده می‌کنند
- استفاده از مبادلات دوجانبه و ارزهای ملی می‌تواند در دور زدن و بی‌اثر کردن تحریم‌ها بسیار موثر باشد

## غلامرضا مرجبا

عضو سابق کمیسیون اقتصادی مجلس



استقلال دارند، بسیار مفید و موثر است. این اقدام می‌تواند ما را به سمت استقلال اقتصادی سوق دهد.

به دلیل تسلط دلار و اینکه این ارز یگانه ارز بین‌المللی است، حتی ارزهایی مانند یورو نیز نتوانسته‌اند جای آن را بگیرند. آمریکایی‌ها تحریم‌ها را به گونه‌ای طراحی کرده‌اند که مبادلات ما را محدود کنند. استفاده از مبادلات دوجانبه و ارزهای ملی می‌تواند در دور زدن و بی‌اثر کردن تحریم‌ها بسیار موثر باشد.

غیر از روسیه، ما می‌توانیم با بسیاری از کشورها چنین پیمان‌هایی داشته باشیم. به عنوان مثال، عربستان که ارتباط خوبی با آمریکا دارد، در بخشی از مبادلاتش با چین از یوان استفاده می‌کند. همچنین، آرژانتین و برزیل از ارز ملی خود در مبادلات استفاده می‌کنند. ما می‌توانیم با کشورهایمانند هند، چین و همسایگان خود که شریک تجاری‌مان هستند، مبادلات منطقه‌ای دو و چندجانبه داشته باشیم. توسعه پیمان‌های دوجانبه و چندجانبه با کشورهای مختلف، به ویژه در شرایط تحریم، می‌تواند به کاهش تأثیرات منفی دلار و تحریم‌ها بر اقتصاد ایران کمک کند و به استقلال اقتصادی کشور منجر شود.

دلار به عنوان تنها ارز حاکم، ابزاری در دست ایالات متحده شد که به این کشور اجازه داد منویات خود را در حوزه اقتصاد به دیگر کشورها تحمیل کند. این وضعیت منافع مالی و اقتصادی زیادی برای آمریکا به ارمغان آورد و هر بار که این کشور خواست، اقتصاد دیگر کشورها را تحت تأثیر قرار داد. پس از انقلاب اسلامی، ایران نیز با مشکلات ناشی از سیطره دلار مواجه بود. اتفاقات ناخوشایند اقتصادی در کشور ما به طور مستقیم ناشی از تسلط دلار بود. ایالات متحده با استفاده از این تسلط، تحریم‌هایی را علیه ایران اعمال کرد که مبادلات بین‌المللی ما را محدود کرد و ما را به سمت روش‌هایی مانند مبادله کالا به کالا و تهاتر سوق داد.

پیمان‌های دوجانبه ارزی و اقتصادی بین کشورها می‌تواند به خروج از سیطره دلار کمک کند. در حال حاضر، بسیاری از کشورها که حتی روابط نرمالی با ایالات متحده دارند، از این پیمان‌ها و ارزهای ملی به جای دلار استفاده می‌کنند تا مبادلات خود را تحت کنترل و تسلط خود داشته باشند. اقدام بانک مرکزی در ایجاد مبادلات دوجانبه با کشورهای مستقل و دوست که روابط خوبی با ما دارند و در سیاست‌گذاری‌های خود

۳۴



اقتصاد

● شماره ۵۸ - مهر ۱۴۰۳ ●

حسن فرازمند، استاد اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز  
در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

## اقدام بانک مرکزی در جلوگیری از خلق پول بانک‌ها درست بود

- یکی از مهم‌ترین عواملی که در کنار نقدینگی برای مهار تورم باید به آن توجه کنیم، افزایش استقلال بانک مرکزی است
- نظام بازار باید تصمیم بگیرد که سیستم پولی و بانکی به چه سمتی برود، نه دولت
- بانک مرکزی به درستی اجازه نداد بانک‌ها خارج از سیاست‌های کلی نظام پولی، حجم پول را گسترش دهند
- بانک مرکزی سعی دارد تا تسهیلات را به سمت تولید هدایت کند



در چارچوب  
اصل ۴۴ قانون  
اساسی، باید  
تلاش کنیم که  
نظام بانکی تا  
حدی از حالت  
دولتی خارج  
شود و بانک‌ها  
را به بخش  
خصوصی  
واگذار کنیم

۳۶



● شماره ۵۸ - مهر ۱۴۰۳ ●

ناترازی بانک‌ها یکی از چالش‌های اساسی نظام مالی کشور است که می‌تواند به کاهش اعتبار بانک‌ها، افزایش نرخ بهره و در نهایت به بحران‌های مالی منجر شود. عوامل متعددی در ایجاد ناترازی بانک‌ها مؤثرند، از جمله کسری بودجه دولت، عدم نظارت کافی بر فعالیت‌های بانکی و وابستگی بانک‌ها به منابع دولتی. برای حل این مشکل، دولت و بانک مرکزی باید اقدامات مؤثری را در نظر بگیرند. نخست، افزایش استقلال بانک مرکزی از نهادهای دولتی ضروری است. این استقلال به بانک مرکزی این امکان را می‌دهد که سیاست‌های پولی را بدون فشارهای سیاسی اجرا کند و به کنترل تورم و ناترازی کمک کند. دوم، دولت باید به اصلاح ساختار مالی خود بپردازد. این شامل کاهش کسری بودجه و بهبود مدیریت منابع مالی است. دولت باید از استقراض بی‌رویه از بانک مرکزی و ایجاد بدهی‌های جدید پرهیز کند و به جای آن، به دنبال افزایش درآمد‌های مالیاتی و بهینه‌سازی هزینه‌ها باشد. سوم، بانک مرکزی باید نظارت بیشتری بر فعالیت‌های بانکی داشته باشد و از طریق ابزارهای نظارتی، ناترازی‌ها را شناسایی و مدیریت کند. این شامل تقویت الزامات سرمایه‌گذاری و ایجاد استانداردهای دقیق‌تر برای ارزیابی ریسک‌های مالی است. در نهایت، همکاری بین دولت، بانک مرکزی و نهادهای مالی ضروری است تا یک نظام مالی پایدار و کارآمد ایجاد شود که بتواند به رشد اقتصادی کشور کمک کند و از بروز بحران‌های مالی جلوگیری کند. در اینباره با حسن فرازمنند، استاد اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه می‌خوانید:

#### بانک مرکزی توانسته است نرخ رشد

نقدینگی را از سطوح بالای ۴۰ درصد

در یک بازه زمانی حدود دو ساله به

۲۵ درصد برساند، این اقدام چه اثری

بر کاهش تورم خواهد داشت؟

طبیعی است که یکی از راه‌های کنترل تورم، مدیریت نقدینگی و حجم پول در اقتصاد کشور است، اما باید عواملی چون کسری بودجه، انضباط مالی و... را نیز در نظر گرفت. یکی از مهم‌ترین عواملی که باید در کنترل تورم، علاوه بر رشد نقدینگی، به آن توجه کنیم، افزایش استقلال بانک مرکزی نسبت به سال‌های قبل است. دخالت افرادی که کارشناس پولی نیستند، باید مورد توجه قرار گیرد. متخصصین مدیریت سیاست‌های پولی در کشور چقدر از نظر سیاست‌گذاری استقلال بیشتری پیدا کرده‌اند؟ مشخص است که کنترل نقدینگی می‌تواند در کاهش تورم تأثیرگذار باشد، اما آیا

تورم سال جاری نسبت به سال گذشته تغییر محسوسی داشته است؟ مثلاً در سال ۱۴۰۱، رشد نقدینگی حدود ۳۱ درصد بوده و در پایان سال به ۲۲ درصد کاهش یافت. آیا تورم با این نسبت پایین آمد؟ خیر، چون انضباط مالی تغییر چندانی نداشته و هزینه‌های ضروری دولت در بودجه کاهش نیافته و دخالت سایر قوا در سیاست‌گذاری‌های بانک مرکزی تغییر چندانی نکرده است. طبق قوانین مصوب برنامه هفتم، مسئول کنترل تورم مقامات پولی بانک مرکزی هستند، اما آیا این قانون به خوبی اجرا می‌شود؟ آیا قوه مقننه و مجمع تشخیص مصلحت نظام دخالت نمی‌کنند؟ این نهادها تکلیف کرده‌اند که رشد نقدینگی را تا پایان برنامه به ۸ درصد برسانیم یا تورم را به تک رقمی حدود ۶ درصد کاهش دهیم، اما مسئولیت این اقدامات بر عهده بانک مرکزی است. آیا به جز بانک مرکزی، سایر نهادها اجازه می‌دهند که استقلال بانک مرکزی حفظ شود و این هدف دنبال شود؟

#### توصیه شما برای حفظ استقلال

##### بانک مرکزی چیست؟

بانک مرکزی می‌خواهد مستقل عمل کند، اما نمایندگان مجلس، شوراهای بالادستی و وزارتخانه‌ها اجازه نمی‌دهند. طبق قانون، مقامات بانک مرکزی باید با وزارتخانه‌هایی مانند صنعت، کشاورزی و صنعت هماهنگی کنند، اما این هماهنگی باید به گونه‌ای باشد که از دخالت در امور بانک مرکزی خودداری شود، به طوری که به بانک مرکزی بگویند به چه کسانی و چه میزان تسهیلات بانکی داده شود. در واقع، بانک مرکزی باید سیاست‌گذاری کند. سیاست‌گذاری کلان پولی یک موضوع است و اجرای آن مسئله‌ای دیگر. حجم نقدینگی در بدترین بخش ممکن، یعنی تولید، کاهش یافته است. بانک مرکزی سعی دارد تسهیلات را به سمت تولید هدایت کند. اما باید تولیدی که بهره‌وری بالا و توانایی رقابت دارد، مورد توجه قرار گیرد. نظام بازار باید تصمیم بگیرد که نظام پولی و بانکی به چه سمتی برود، به سمتی که کارایی بیشتری داشته باشد و نیازهای جامعه را بهتر پاسخ دهد. تقاضا باید متناسب با این نیازها باشد، نه اینکه تسهیلات بانکی به سمتی برود که منجر به استهسال بانکی شود. این به معنای آن است که وام‌گیرنده به دلیل ناکارآمدی، قدرت پرداخت وام را نداشته باشد. آیا این وضعیت مثبت است؟ تسهیلات تکلیفی به این معناست که منابع به بخش‌هایی اعطا می‌شود که امکان بازگشت پول در آنها وجود ندارد و در نهایت، موجب افزایش تولید و کاهش قیمت‌ها نخواهد شد. مسئله اصلی این است که تصمیم‌گیرنده اعطای تسهیلات دولت است، در حالی که در نظام اقتصادی کارآمد، بازار تعیین‌کننده این است که پول به چه کسی

بدهکار شدن  
دولت به  
جامعه و مردم  
به معنای  
استقراض از آنها  
در قالب اسناد  
خزانه است

نام خصوصی هستند و مدیریتشان بازاری نیست و به دستگاه‌های دولتی وابسته‌اند. این وضعیت باعث می‌شود بانک مرکزی نتواند در کنترل ناترازی بانک‌ها در لایه‌های پایینی موفق عمل کند. برای مثال، وقتی بانک مرکزی می‌خواهد به یک بانک فشار بیاورد، ممکن است یک وزیر یا نماینده مجلس وارد عمل شود و دخالت کند. موفقیت بانک مرکزی در کنترل ناترازی بانک‌ها به درجه قابل قبولی از استقلال در سیاست‌گذاری و اقداماتش بستگی دارد و اینکه چقدر تحت تأثیر عوامل خارج از بانک مرکزی قرار می‌گیرد.

### بانک مرکزی چه اقداماتی را برای رفع ناترازی بانک‌ها باید انجام دهد؟

مشکل به سیاست‌های مالی و بودجه‌ای قوه مجریه برمی‌گردد. به عنوان مثال، دولت برنامه‌ای با کسری بودجه ۳۴۰ هزار میلیارد تومان ارائه می‌دهد و این بودجه را به قوه مقننه می‌فرستد، که این نهاد نیز به کسری بودجه اضافه می‌کند. منظور از کسری بودجه، کسری پنهان نیست، بلکه کسری ظاهری به ۴۰۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد. این مقدار کسری بودجه دولت از کجا باید تأمین شود؟ ناترازی پولی، ناترازی بانکی ایجاد می‌کند و این موضوع به خود دولت برمی‌گردد، زیرا دولت با هزینه‌هایی که در بودجه برای خود در نظر می‌گیرد، در حالی که منابع درآمدی کافی ندارد، دچار مشکل می‌شود. بخشی از تأمین بودجه دولت از طریق اوراق بهادار و اسناد خزانه است که مبلغ آن کم نیست و حدود ۲۰ درصد از بودجه را تشکیل می‌دهد. دولت با این بدهی که ایجاد کرده، در واقع از مردم استقراض کرده است. چگونه می‌خواهد این بدهی را پرداخت کند؟ این نیز باعث ناترازی می‌شود. این مسئله نیازمند همکاری همه قوا است. جدا از اینکه استقلال بانک مرکزی باید افزایش یابد و از دخالت نهادهای غیرتخصصی و غیرمرتبط پرهیز شود، اصلاح نظام درونی بانکی و مدیریتی و لایه‌های اداری نیز ضروری است. اما بخشی از این مشکلات خارج از نظام بانکی ماست. بدهکار شدن دولت به جامعه و مردم به معنای استقراض از آنها در قالب اسناد خزانه است. وقتی دولت نتواند بازپرداخت‌هایش را به خوبی انجام دهد، دوباره ناترازی ایجاد می‌شود. ناترازی دیگری که وجود دارد این است که دولت احساس می‌کند از منظر تملک دارایی‌های سرمایه‌ای می‌تواند درآمدی برای خود ایجاد کند، اما در پایان سال می‌بیند که نمی‌تواند این کار را انجام دهد. پس چگونه هزینه‌هایش را تأمین می‌کند؟ باز هم از طریق ناترازی که در بانک مرکزی ایجاد می‌کند. دولت هر جا پول کم می‌آورد، دستش را در جیب بانک مرکزی می‌کند.

و چه میزان داده شود. در یک جامعه و نظام بازاری، آنکه کارایی و قدرت رقابتی بالایی دارد و بازار نیاز بیشتری به آن محصول دارد، باید تعیین‌کننده باشد، نه دولت. آنکه توانایی و قدرت اقتصادی بالاتری دارد، ناگزیر است که اگر نیاز به سرمایه دارد، تأمین مالی را با نرخ‌های ۳۵ درصد انجام دهد. این نرخ بهره بالا به دلیل هزینه‌های زیاد وام، قدرت تولید را کاهش می‌دهد. در این شرایط، پول زیادی پاشیده می‌شود، اما نتیجه مورد نظر به دست نمی‌آید و دخالت دولت در سیاست‌های پولی مشکلاتی را ایجاد می‌کند.

### راهکار پیشنهادی شما به بانک مرکزی چیست؟

باید به نمایندگان مجلس و سازمان‌هایی که در سیاست‌های بانک مرکزی دخالت می‌کنند، فشار بیاوریم تا کمتر دخالت کنند. نکته دوم این است که باید انضباط مالی ایجاد کنیم و به دولت بگوییم که اگر کسری بودجه دارد، به بانک مرکزی فشار نیاورد. دولت بدهی زیادی به بانک مرکزی دارد. طبق قانون، بانک مرکزی مرجع اصلی کنترل تورم است، نه به این معنا که با دستگاه‌های دیگر مشورت نکند. بلکه باید با وزارتخانه‌هایی مانند جهاد کشاورزی، صمت و اقتصاد مشورت کند، اما در نهایت، بانک مرکزی باید سیاست‌گذاری کند و نه دیگران. بنابراین، اگر بانک مرکزی بتواند در چارچوب برنامه هفتم توسعه مسئولیت مهار تورم را به عهده بگیرد، در پایان برنامه هفتم در سال ۱۴۰۷ باید پاسخگو باشد که چرانتوانسته نقدینگی را کنترل کند. اما وقتی دیگران دخالت می‌کنند، نمی‌توان از بانک مرکزی خواست که پاسخ دهد چرا این کار را نکرده است، زیرا مشخص است که آنها می‌گویند نهادهای دیگر دخالت کرده‌اند. یکی از راه‌ها این است که هرچه بیشتر استقلال بانک مرکزی در سیاست‌های پولی افزایش یابد.

### یکی از برنامه‌های بانک مرکزی در دوره اخیر، رفع ناترازی بانک‌ها بوده است. کنترل ترازنامه بانک‌ها را چقدر در انضباط بخشی به نظام پولی موثر می‌دانید؟

سیاست کنترل حجم پول باید بر عهده بانک مرکزی باشد و این نهاد نباید اجازه دهد بانک‌ها خارج از سیاست‌های کلی نظام پولی، حجم پول را گسترش دهند. این اقدام بسیار مفید و به درستی انجام شده است. در چارچوب اصل ۴۴ قانون اساسی، باید تلاش کنیم که نظام بانکی تا حدی از حالت دولتی خارج شود و بانک‌ها را به بخش خصوصی واگذار کنیم. متأسفانه در این حوزه، بانک‌ها به سمت خصولتی شدن رفته‌اند و واقعاً خصوصی نیستند. آنها فقط در



علی ابدالی، مدیرعامل بانک سینا در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

## آمارها نشان‌دهنده اجرای صحیح سیاست‌های پولی است

- یکی از موفقیت‌های بانک مرکزی، کنترل مقداری ترازنامه بانک‌ها است
- بانک مرکزی تا حدودی موفق شده که از طریق سیاست‌های کنترلی، رشد نقدینگی را مدیریت کند
- به برخی بانک‌های ناتراز و مسئله‌دار، برنامه اصلاح داده شده که از اقدامات خوب بانک مرکزی است



۳۸



• شماره ۵۸ - مهر ۱۴۰۳ •

دولت جدید  
باید روی بهبود  
مناسبات  
سیاسی و  
بین الملل با  
کشورها و توسعه  
روابط مالی و  
تجاری با آنها کار  
کند

استانداردها و عرف‌های معمول است. هنوز جای  
کار وجود دارد تا این نرخ رشد بیشتر تحت کنترل  
قرار گیرد و کاهش یابد.

**کارشناسان معتقدند که در پی  
کاهش رشد نقدینگی، نرخ  
تورم هم کاهش می‌شود و در  
بلندمدت همیشه همبستگی بین  
این دو نرخ وجود دارد، نظر شما  
در خصوص نرخ تورم در آینده  
چیست؟**

بین رشد نقدینگی و تورم رابطه مستقیم وجود  
دارد، به این معنا که هرچه نرخ رشد نقدینگی  
افزایش یابد، تورم نیز بالا می‌رود. این یک اصل  
اقتصادی است. اما در ایران، عوامل دیگری نیز بر  
تورم تأثیر می‌گذارند. علاوه بر نرخ رشد نقدینگی،  
تحولات ارزی نیز نقش مهمی در تأثیرگذاری بر  
تورم در ایران دارند، به نحوی که با اندکی تغییرات  
ارزی، قیمت‌ها به سرعت واکنش نشان می‌دهند.  
بانک مرکزی تا حدودی موفق شده است تا از طریق  
سیاست‌های کنترلی، رشد نقدینگی را مدیریت  
کند و این موضوع اهمیت زیادی دارد. اما موضوع  
دوم که به تأثیر تحولات ارزی بر تورم مربوط می‌شود  
نیز نیازمند توجه است. دولت جدید باید روی  
بهبود مناسبات سیاسی و بین الملل با کشورها و  
توسعه روابط مالی و تجاری با آنها کار کند. مدیریت  
همزمان این دو مقوله می‌تواند به نوعی به کاهش  
تورم در جامعه منجر شود.

**یکی از مهم‌ترین چالش‌های  
نظام بانکی کشور، رفع ناترازی  
بانک‌ها است که بانک مرکزی  
اقداماتی از جمله کنترل‌های  
ترازنامه‌ای را در دوره اخیر در این  
حوزه انجام داده است، به نظر  
شما این اقدامات تا چه میزان در  
بهبود عملکرد بانک‌ها موثر است؟**

سیاست‌گذار پولی دو هدف را در اجرای سیاست  
کنترل مقداری ترازنامه دنبال می‌کند، یکی در  
سطح کلان مدیریت و کنترل نقدینگی و دیگری  
در سطح بانک‌ها که ارتقاء کیفیت ترازنامه بانک‌ها  
است. بانک مرکزی در اجرای این سیاست انقباضی  
در کل موفق عمل کرده است. این هدف چگونه  
محقق می‌شود؟ به عنوان مثال، اگر من بتوانم تنها  
دو درصد در ماه ترازنامه‌ام را افزایش دهم، یا در  
حال حاضر که صحبت می‌کنیم، ۱.۵ درصد، مجبور  
می‌شوم تسهیلات به مشتریان را در سقف معین و  
با دقت بیشتری پرداخت کنم. زیرا امکان اعطای

نظام بانکی یکی از ارکان اساسی هر کشور به  
شمار می‌آید که نقش حیاتی در پایداری و  
رشد اقتصادی ایفا می‌کند. در ایران، با توجه  
به چالش‌های متعدد اقتصادی، نظیر ناترازی  
بانک‌ها، کسری بودجه دولت و تحولات ارزی،  
توجه به اصلاحات در این حوزه بیش از پیش  
ضروری به نظر می‌رسد. در سال‌های اخیر،  
بانک مرکزی با اتخاذ سیاست‌های مختلفی  
سعی در کنترل نقدینگی و بهبود عملکرد  
بانک‌ها داشته است. کاهش نرخ رشد  
نقدینگی از سطوح بالای ۴۰ درصد به محدوده  
۲۳ تا ۲۵ درصد، نشان‌دهنده تلاش‌های  
موثر در این راستا است. این تغییرات نه تنها  
بر کنترل تورم تأثیرگذار بوده، بلکه به بهبود  
فضای کلان اقتصادی نیز کمک کرده است.  
با این حال، هنوز چالش‌های جدی وجود  
دارد که نیازمند بررسی و تحلیل دقیق‌تر  
است. کارشناسان بر این باورند که کاهش نرخ  
رشد نقدینگی می‌تواند به کاهش نرخ تورم  
منجر شود، اما این رابطه به عوامل دیگری  
نیز بستگی دارد. به عنوان مثال، تحولات  
ارزی و سیاست‌های مالی دولت می‌تواند  
بر این روند تأثیرگذار باشد. در گفت‌وگو با  
علی ابدالی، مدیرعامل بانک سینا به بررسی  
ابعاد مختلف این موضوعات و همچنین به  
تحلیل چالش‌های نظام بانکی، پیامدهای  
کاهش نرخ رشد نقدینگی و نقش بانک مرکزی  
در بهبود وضعیت بانک‌ها و کنترل ناترازی  
پرداخته‌ایم. همچنین در این گفت‌وگو  
به بررسی تأثیرات کسری بودجه دولت بر  
سیاست‌های پولی و چگونگی مدیریت این  
چالش‌ها پرداخته شده است. مشروح این  
گفت‌وگوار ادامه بخوانید.

**نرخ رشد نقدینگی از سطوح  
بالای ۴۰ درصد به محدوده ۲۳  
تا ۲۵ درصد رسیده است. تحلیل  
شما از روند کاهش نرخ رشد  
نقدینگی چیست و پیامدهای آن  
را برای فضای کلان اقتصاد کشور  
چه می‌دانید؟**

باید اذعان کنیم که در سال گذشته، نرخ رشد  
نقدینگی به طور قابل توجهی کنترل شده است.  
پیش‌تر، این نرخ بالا بود، اما در این مدت، با کنترل  
آن، تورم نیز در سطح جامعه و اقتصاد کنترل شده  
است. این موضوع در سطح بانک‌ها و همچنین  
در زندگی روزمره مردم نیز احساس می‌شود. با این  
حال، به نظر من هنوز هم این نرخ رشد، بالاتر از





سیاست گذار  
پولی دو هدف  
را در اجرای  
سیاست کنترل  
مقداری ترازنامه  
دنبال می کند  
یکی در سطح  
کلان مدیریت و  
کنترل نقدینگی  
و دیگری در  
سطح بانک ها  
که ارتقاء کیفیت  
ترازنامه بانک ها  
است

تسهیلات به میزان دلخواه نیست و نمی توانم مانند گذشته به هرمیزان تسهیلات بدهم. این امر باعث می شود که بیشتر بر روی تامین مالی مشتریان خوب تمرکز کنم. در نتیجه ضمن کاهش نقدینگی و خلق پول در جامعه، ریسک اعتباری بانک کاهش و کیفیت ترازنامه افزایش می یابد.

### چه چالش هایی پیش روی اجرای برنامه کنترل ترازنامه بانک ها وجود دارد؟

نکاتی که مطرح شد، به جنبه های مثبت این سیاست اشاره داشت، اما این سیاست به ناچار تبعاتی نیز دارد که دسترسی بسیاری از متقاضیان تسهیلات، به ویژه تولیدکنندگان، به منابع بانکی را محدود می کند. بانک مرکزی به خوبی این موضوع را درک کرده و می داند که در این شرایط باید تعادلی بین شاخص های رکود اقتصادی و تورم برقرار کند، از اینرو راهکارهایی را هم ارائه کرده است، مانند تامین مالی زنجیره ای و اوراق گام و...، اما تاکنون راهکارها موثر نبوده اند و این می تواند یکی از چالش ها و نقاط ضعف این سیاست باشد. یک انتقاد هم به چگونگی اجرای سیاست است. به عنوان مثال بانک سینا، الزامات بانک مرکزی را رعایت کرده است، نسبت کفایت سرمایه آن بالای ۸ درصد است و برداشت از بانک مرکزی ندارد و به لحاظ مازاد نقدینگی در بازار بین بانکی نیز به سایر بانک ها کمک می کند. در زمینه نظامات الکترونیک و خدمات چک الکترونیک و امثالهم، جزو ۱۵ بانکی هستیم که این خدمات را پیاده سازی کرده ایم. اما با وجود این، درصد رشد ترازنامه بانک از دو درصد به ۱.۵ درصد کاهش یافته است. در حالی که بانکی که الزامات را رعایت نمی کند، ۱۰.۴ یا ۱۰.۳ درصد امکان رشد ترازنامه دارد. این فاصله یک دهم درصدی برای یک بانک خوب که ترازنامه با کیفیت تری دارد، قابل قبول نیست.

### به نظر شما نظارت ها از طرف بانک مرکزی باید بیشتر متمرکز بر چه حوزه هایی شود که بانک ها به سمت رفع ناترازی میل پیدا نکنند؟

ما نباید به ناترازی برسیم که بخواهیم به دنبال رفع آن باشیم، اما اکنون با واقعیت ناترازی مواجه هستیم. بانک مرکزی در حال حاضر دستورالعمل ها و مقررات کامل تری دارد و اگر بر اجرای صحیح این مقررات نظارت کند و بانک ها نیز به درستی آنها را رعایت کنند، در اینصورت، هرگز به وضعیت ناترازی فعلی نمی رسیم. بنابراین، بانک

مرکزی باید بر اجرا و رعایت دقیق دستورالعمل ها و مقرراتی که وضع کرده، تاکید بیشتری داشته باشد. بانک مرکزی باید اطمینان حاصل کند که این قوانین و مقررات رعایت می شوند، از جمله رعایت ذینفع واحد، اشخاص مرتبط، تسهیلات کلان و ریسک تمرکز و....

ناترازی ها، انباشت مسائل زیاد در طول سال های زیاد است و عمدتاً علل مختلفی دارند که بررسی دقیق آنها می تواند به رفع مسئله ناترازی کمک و مشخص کند بانک مرکزی باید بر کدام حوزه ها تمرکز بیشتری داشته باشد. اگر به گذشته نگاه کنیم، می توانیم به عواملی اشاره کنیم که برای آینده راهگشا خواهند بود. یکی از این عوامل، سوءاستفاده برخی از سهامداران عمده در برخی بانک ها است که خودتان بهتر می دانید چگونه به ناترازی منجر شده است. عامل دوم، انتقال ناترازی سایر حوزه های اقتصاد به نظام بانکی در قالب انباشت بدهی های دولت به شبکه بانکی و ایجاد تکالیف دولتی است، دولت تکالیف سنگینی را بر دوش بانک ها گذاشته و مجلس نیز به جای کمک به بانک ها، این تکالیف را افزایش داده است. این انباشت ها و این فشارها، به ویژه بر بانک های دولتی و به تبع آن بر بانک های خصوصی تاثیر گذاشته و بانک ها واقعاً توان تحمل این بار سنگین را ندارند. عامل سوم که بانک مرکزی باید بر آن تمرکز بیشتری داشته باشد، مدیریت بانک ها است. نظام مدیریت در بانک ها اهمیت زیادی دارد و در برخی موارد، مدیریت نامناسب می تواند به ناترازی منجر شود.

### نقش کسری بودجه دولت و ایجاد سلطه مالی را چقدر در کاهش اثربخشی سیاست های پولی موثر می دانید؟

متأسفانه در ایران، حدوداً در ۵۰ سال گذشته، به لحاظ مشکلات ساختاری اقتصاد، همواره با کسری بودجه مواجه بوده ایم، در برخی سال ها این کسری کم تر و در برخی دیگر بیشتر بوده است. این وضعیت باعث شده که بانک مرکزی و منابع بانکی به نوعی به عنوان "صندوق دولت" قلمداد شوند و به راحتی از این محل برداشت شود. این موضوع استقلال بانک مرکزی را زیر سوال برده و موجب رشد نقدینگی و تورم می شود و نهایتاً سیاست های پولی را غیر موثر می کند. راه حل این مشکل، برقراری انضباط مالی در دولت و رفع مسئله کسری بودجه است. از سوی دیگر، بانک مرکزی نیز باید مستقل از سیاست های مالی دولت عمل کند و تصمیماتش تحت تاثیر این سیاست ها

قرار نگیرد. دولت نیز باید به استقلال بانک مرکزی احترام بگذارد، زیرا این رابطه دوطرفه در نهایت به نفع نظام بانکی و اقتصاد کشور خواهد بود.

### در صورتی که بانکی به هردلیلی در شرایط ناتراز قرار بگیرد، کدام دست از اقدامات باید صورت بگیرد که بانک از حالت ناتراز خارج شود؟

به نظر من، هر بانکی برای رفع ناترازی نسخه خاص خود را دارد. چرا که شرایط هر بانک از منظر اندازه، فرهنگ، ترکیب سهامداری و... بایکدیگر متفاوت است. بنابراین باید نسخه‌های متفاوتی برای هر کدام از آنها در نظر گرفته شود. مهم این است که بانک مرکزی ابتدا فرمول و راه حلی برای رفع ناترازی ارائه دهد و سپس به درستی آن را اجرا کند. برای برخی بانک‌ها ممکن است تصمیم به انحلال آنها گرفته شود، در حالی که برای برخی دیگر ممکن است تصمیم به ادغام اتخاذ شود. همچنین، ممکن است برای برخی بانک‌ها تصمیم به تغییر مدیریت راهکار موثر برای برون رفت از ناترازی باشد، البته قانون جدید بانک مرکزی نیز به خوبی به این موارد پرداخته است. ببینید همانطور که قبلاً اشاره کرده‌ام ناترازی‌ها، انباشت مسائل زیاد در طول سال‌های زیاد است و باید عالمانه و به تدریج اصلاح شود، مسائل یک شبه به وجود نیامده است که یک شبه هم حل شود و باید با بررسی علل ناترازی و میزان ناترازی و سایر عوامل، برنامه اصلاحی تدریجی ارائه شود. لذا تحت فشار قرار دادن یک بانک ناتراز و محروم کردن آن از ارائه برخی خدمات بانکی مثل سانتا و... راه حل موضوع نیست.

### در دوره اخیر، مقام پولی کشور به این مسئله ورود جدی‌تری داشته و سه موسسه نور، توسعه و کاسپین را منحل کرد، سال جاری

### هم بانک مرکزی هدف‌گذاری کرده که ۸ موسسه و بانک را از ناترازی نجات دهد. پیامدهای انحلال موسسه‌های ناتراز را چه می‌دانید؟

یک نظریه وجود دارد که می‌گوید "بانک بد، بانک خوب را از دور خارج می‌کند"، و واقعیت صحنه نیز همین را نشان می‌دهد. چیزی که حدوداً در ۱۵ سال گذشته مشاهده کرده‌ایم، تأییدکننده این نظریه است. به نظر من، سیاست‌هایی که بانک مرکزی در گذشته اتخاذ کرده، از جمله ادغام بسیاری از بانک‌ها و موسسات اعتباری، سیاست مناسبی بوده است. زمانی که یک بانک به درستی عمل نمی‌کند قواعد و مقررات و الزامات بانک مرکزی را رعایت نمی‌کند، این موضوع می‌تواند سایر بانک‌ها را نیز تحت تأثیر قرار دهد و به ناچار آنها را به مسیر مشابه و مشکلات مشابهی بکشاند. برای داشتن یک نظام بانکی کارآمد، لازم است که بانک‌های نامناسب به هر طریقی که قانون مشخص کرده است، اصلاح یا از چرخه خارج شوند. البته در چرایی موضوع شکی نیست و قانون جدید بانک مرکزی چارچوب شناسایی و برخورد با بانک‌های نامناسب و ناتراز را مشخص کرده است، ولی چگونگی اجرای قانون و برخورد با اینگونه بانک‌ها به نحوی که اهداف سیاست‌گذار پولی را تأمین کند، موضوع مهمی است که باید دقت بیشتری شود.

### بهترین اقدامات بانک مرکزی در دوره اخیر را کدام می‌دانید که نیازمند پیگیری در دولت چهاردهم است؟

یکی از موفقیت‌های بانک مرکزی، کنترل مقداری ترازنامه بانک‌ها است. نتایج این سیاست را می‌توان در آمارها خصوصاً آمار نرخ رشد نقدینگی مشاهده کرد. هرچند که این سیاست به خوبی

دولت تکالیف سنگینی را بر دوش بانک‌ها گذاشته و مجلس نیز به جای کمک به بانک‌ها این تکالیف را افزایش داده است



### نگاه به بانک مرکزی باید از "صندوق دولت" به "سیاست‌گذار" تغییر کند

در ۵۰ سال گذشته، به لحاظ مشکلات ساختاری اقتصاد، همواره با کسری بودجه مواجه بوده‌ایم. در برخی سال‌ها این کسری کمتر و در برخی دیگر بیشتر بوده است. این وضعیت باعث شده که بانک مرکزی و منابع بانکی به نوعی به عنوان "صندوق دولت" قلمداد شوند و به راحتی از این محل برداشت شود. این موضوع استقلال بانک مرکزی را زیر سوال برده و موجب رشد نقدینگی و تورم می‌شود و نهایتاً سیاست‌های پولی را غیر موثر می‌کند.

برای داشتن  
یک نظام بانکی  
کارآمد  
لازم است که  
بانک‌های  
نامناسب به هر  
طریقی که قانون  
مشخص کرده  
است، اصلاح یا  
از چرخه خارج  
شوند

اجرا شده، اما چالش‌هایی نیز وجود دارد، که پیش‌تر توضیح دادم. افزایش نرخ تسهیلات از ۱۸ به ۲۳ درصد نیز یک اتفاق مهم بود و از منظر سیاست‌های پولی و متغیرهای عمده اقتصادی نیز لازم بود. این افزایش نرخ باعث شد که بانک‌ها از زبان‌دهی خارج شوند و به سودآوری برسند. البته در حال حاضر هم باید سیاست تنظیم نرخ سود سپرده و نرخ تسهیلات با توجه به نرخ تورم بازنگری شود، وگرنه ادامه این وضعیت به نفع تسهیلات‌گیرنده و به ضرر سپرده‌گذار است. تاکید بانک مرکزی بر افزایش حداقل سرمایه بانک‌ها نیز موضوعی کاملاً درست است. هرچه سرمایه بانک بیشتر باشد، قدرت و سلامت آن افزایش و ریسک‌ها کاهش می‌یابد. همچنین بانک مرکزی به برخی بانک‌های ناتراز و مسئله‌دار نیز برنامه اصلاح داده است که این هم از اقدامات خوب بانک مرکزی است. چرا که یکی از مشکلات نقدینگی کشور ناترازی سیستم بانکی است و اگر حل نشود به مرور ترانزنامه بانک مرکزی را دچار مسئله می‌کند و سیاست‌های پولی را با شکست مواجه می‌سازد.

#### اگر شما مسئول سیاست‌گذاری پولی باشید، چه سیاست‌هایی را برای کاهش چالش‌های نظام بانکی پیگیری می‌کنید؟

در سطح کلان، عمده چالش‌های نظام بانکی متأثر از سیاست‌های مالی دولت است. اگر بخواهیم به صورت عمیق‌تر و اساسی‌تر به حل مسائل بپردازیم، باید کسری بودجه دولت واقعاً حل شود، زیرا بسیاری از چالش‌های بانک مرکزی و متغیرهای پولی و مالی تحت تأثیر این موضوع قرار دارد. اگر این مورد مدیریت شود بسیاری از چالش‌های نظام بانکی رفع می‌شود و دو هدف عمده سیاست‌گذاری پولی که همان حفظ و تقویت ارزش پول ملی و کنترل تورم است نیز محقق شود و در سطوح عملیاتی نظام بانکی که بیشتر به مأموریت سیاست‌گذار پولی ارتباط دارد، نیز مقولاتی همچون سلامت و ثبات بانکی، شفافیت، نرخ رشد نقدینگی و امثالهم هم جزء چالش‌ها هستند که باید مدیریت شوند. موضوع سلامت و ثبات بانکی که قانون جدید بانک مرکزی نیز به آن تاکید دارد، باید به جد و مستمراً از سوی بانک مرکزی پیگیری شود. برنامه اصلاحی که بانک مرکزی به ۸ موسسه و بانک ناتراز داده است در این حوزه ارزیابی می‌شود. شفافیت نیز موضوع مهمی است، آمار و عملکرد شبکه بانکی خوب و بد باید در اختیار جامعه قرار داده شود تا اندیشمندان و صاحب‌نظران با بررسی، تحلیل و ارائه راهکارها

ضمن کمک به پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد، مقام پولی رادر جهت تحقق مأموریت یاری کنند.

#### با توجه به اقدامات انجام شده، چشم‌انداز اقتصاد کلان کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

باتمامی ملاحظات در حال حاضر، روندها و آمارها در کل نشان دهنده اجرای خوب سیاست‌های پولی هستند، در کنار این، سیاست‌های مالی، برنامه‌های اقتصادی دولت چهاردهم که تا حدودی دور نمای آنها معلوم است و اراده دولتمردان بر حل مسائل و چالش‌های کلان اقتصادی کشور از جمله تمرکز بر بیماری مزمن کسری بودجه دولت، نرخ ارز و اشتغال آینده بهتری را برای اقتصاد کشور ترسیم می‌کند.

#### بانک سینا در شرایط فعلی چه وضعیتی دارد و چه برنامه‌هایی را برای بانک در نظر دارید؟

بانک سینا، بانکی خوشنام است و این بانک همواره به رعایت مقررات بانک مرکزی پایبند بوده است. در حال حاضر، شاخص‌های بانک مرکزی را رعایت کرده است، نسبت کفایت سرمایه بانک بالای ۸ درصد است. برداشت از بانک مرکزی نداریم و جزء بانک‌هایی هستیم که به سایر بانک‌ها در تامین مالی کمک می‌کنیم. از نظر ترانزنامه‌ای و منابع و مصارف، وضعیت خوبی داریم و مطالبات غیرجاری NPL بانک زیر ۳۰٫۵ درصد است. در زمینه راه‌اندازی نظامات الکترونیک مثل چک و سفته الکترونیک پیشرو هستیم و جزء ۱۵ بانکی هستیم که این خدمت را امسال پیاده‌سازی کردیم. با این حال در بانک سینا، یکی از راهبردهای ما، توسعه بانکداری هوشمند است. برای اینکه از رقبای خود عقب نمانیم، باید به سمت موضوعات هوشمندی، هوش مصنوعی و روندهای روز حرکت کنیم و در این زمینه تلاش بیشتری خواهیم کرد. اگر به گذشته نگاه کنیم، می‌بینیم که حدوداً در سال ۱۹۹۰ تلفن‌بانک ایجاد شد که در زمان خود پیشرفتی بزرگ بود. سپس در سال ۲۰۰۰ اینترنت بانک و در سال ۲۰۱۰ همراه بانک و در سال ۲۰۲۰، بانکداری دیجیتال و در سال‌های آینده تکنولوژی‌های جدیدی بر مبنای هوش مصنوعی و ... ظهور خواهند کرد. بر اساس این روندها، ما در بانک سینا قصد داریم بیشتر بر روی بانکداری هوشمند تمرکز کنیم. قطعاً آینده نظام بانکداری تحت تأثیر هوش مصنوعی، که امروز بسیار مورد توجه قرار گرفته، متحول خواهد شد.

محمد مهدی مجاهدی موخر، استاد اقتصاد دانشگاه علامه  
در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

## تقویت ارزش پول ملی انتظارات منفی را کنترل می‌کند

- منبع اصلی تورم، انتظارات تورمی نیست، بلکه نظام بانکداری مبتنی بر خلق اعتبار و پول، به ویژه در شرایط تحریمی است
- توزیع نامناسب اعتبارات موجب شده که فضای اقتصاد پولی نه به سمت تولید، بلکه به سمت حفظ ارزش پول برود
- برای کنترل تورم باید تقاضای پول را با سیاست‌های پولی و مالی توانان کنترل کنیم
- بانک مرکزی باید با سیاست‌ها و ابزارهایی که دارد بانک‌ها را در خلق اعتبار محدودتر کند



اگر واردات  
خودرو را  
محدود کنیم  
مردم به دلیل  
انتظارات  
افزایش قیمت  
پول را در مسیر  
تولید نمی‌برند  
و به خرید  
خودروهای  
خارجی رو  
می‌آورند

تورم به عنوان افزایش مستمر قیمت‌ها در اقتصاد، به عوامل متعددی بستگی دارد که از جمله آنها می‌توان به رشد نقدینگی و نقش انتظارات تورمی اشاره کرد. رشد نقدینگی به معنای افزایش مقدار پول در گردش در اقتصاد است. زمانی که بانک مرکزی اقدام به چاپ پول بیشتر می‌کند، این افزایش نقدینگی می‌تواند به تقاضای بیشتر در بازار منجر شود. اگر این تقاضا از عرضه کالاها و خدمات پیشی بگیرد، قیمت‌ها به طور طبیعی افزایش می‌یابد و تورم ایجاد می‌شود.

از سوی دیگر، انتظارات تورمی نیز نقش مهمی در شکل‌گیری تورم ایفا می‌کند. وقتی مردم و بنگاه‌های اقتصادی انتظار افزایش قیمت‌ها را دارند، رفتارهای خود را بر اساس این انتظارات تنظیم می‌کنند. به عنوان مثال، اگر کارفرمایان انتظار افزایش قیمت‌ها را داشته باشند، ممکن است دستمزدها را افزایش دهند و یا قیمت محصولات خود را پیش‌خور کنند. این رفتارها به نوبه خود می‌تواند به افزایش واقعی قیمت‌ها منجر شود و چرخه‌ای از تورم ایجاد کند.

در شرایطی که مردم به طور مداوم شاهد افزایش قیمت‌ها باشند، انتظارات تورمی تقویت می‌شود و این انتظارات خود به یک عامل محرک در افزایش قیمت‌ها تبدیل می‌شود. بنابراین، کنترل رشد نقدینگی و مدیریت انتظارات تورمی از سوی بانک مرکزی و سیاست‌گذاران اقتصادی بسیار حیاتی است. اتخاذ سیاست‌های مناسب، مانند افزایش نرخ بهره یا محدود کردن رشد نقدینگی، می‌تواند به کاهش انتظارات تورمی و در نتیجه کنترل تورم کمک کند.

بنابراین برای مقابله با تورم، نیاز به یک رویکرد جامع و هماهنگ وجود دارد که شامل مدیریت نقدینگی و توجه به انتظارات اقتصادی جامعه است. بانک مرکزی در سیاست تثبیت، با هدف کنترل رشد نقدینگی و انتظارات تورمی، اقداماتی را اتخاذ کرد که شامل مدیریت دقیق پایه پولی و تنظیم نرخ سود بانکی بود. این نهاد با محدود کردن خلق پول از سوی سیستم بانکی و استفاده از ابزارهای پولی مانند عملیات بازار باز و نرخ‌های بهره، سعی کرد نقدینگی را در سطح معقولی

نگه دارد. همچنین، با ارائه سیگنال‌های مثبت به بازار و شفاف‌سازی سیاست‌های پولی، تلاش کرد انتظارات تورمی را کاهش دهد. به این ترتیب، بانک مرکزی به دنبال ایجاد ثبات اقتصادی و اعتماد در بازارها بوده تا از بروز نوسانات شدید قیمت‌ها جلوگیری کند. در اینباره با محمد مهدی مجاهدی موخر، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

### چه میزان از تورم و رشد قیمت‌ها در اقتصاد ایران، ناشی از انتظارات است؟

قبل از پاسخ به پرسش، لازم است که وضعیت مسئله را روشن کنیم و به یک تفاهم مشترک برسیم. اقتصاد ایران یک اقتصاد تک‌محصولی نفتی است که در حال حاضر تحت تحریم‌های شدید قرار دارد. این تحریم‌ها از یکسو باعث کاهش منابع ارزی شده و از سوی دیگر، بازار ارز را تحت فشار قرار می‌دهد. همچنین یک نظام بانکداری مبتنی بر ذخیره جزئی که شامل بانک‌های تجاری دولتی، بانک‌های خصوصی و بانک‌هایی است که به تازگی خصوصی شده‌اند، در این شرایط فعالیت می‌کند. آیا این شرایط می‌تواند به انتظارات تورمی منجر شود یا خیر؟ من می‌گویم بله، می‌تواند. اگر بخواهیم تورم را تعریف کنیم، می‌توانیم به افزایش مستمر در سطح عمومی قیمت‌ها اشاره کنیم. این افزایش مستمر به این معناست که قیمت‌ها به طور مداوم در حال تغییر هستند. اما چرا این تغییرات اتفاق می‌افتد؟ برای تغییر قیمت‌ها باید دلیلی وجود داشته باشد و معمولاً اقتصاددانان عامل اصلی تغییر قیمت‌ها را پول می‌دانند.

اگر تورم را از ناحیه فشار تقاضا یا فشار عرضه بررسی کنیم، می‌توان گفت که شوک‌های ارزی می‌توانند منجر به افزایش تورم شوند. اما شوک‌های ناشی از عرضه تنها یک بار می‌تواند سطح قیمت‌ها را جابجا کند و افزایش مستمر و دائمی در سطح عمومی قیمت‌ها از این ناحیه اتفاق نمی‌افتد. بنابراین، برخی اقتصاددانان تورم را پدیده‌ای پولی می‌دانند، شوک اولیه‌ای که به اقتصاد وارد می‌شود معمولاً از ناحیه پول است و پس از آن، اتفاقات دیگری رخ می‌دهد. اتفاقی که رخ می‌دهد این است که ابتدا بانک مرکزی پایه پولی را به سه دلیل افزایش می‌دهد: اول، خالص دارایی‌های خارجی

بانک مرکزی که در شرایط تحریم معمولاً دچار محدودیت است. دوم، کسری بودجه دولت و سوم، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی. هر یک از این عوامل می‌تواند منجر به رشد پایه پولی شود. با افزایش پایه پولی، شبه پول نیز به تبع این نظام بانکداری متعارف رشد می‌کند و در نتیجه، نقدینگی و تورم افزایش می‌یابد. این شتاب اولیه، نیروی محرکه‌ای است که تورم را ایجاد می‌کند.

در اقتصاد تحریمی، تراز تجاری ممکن است منفی باشد و ما با خروج سرمایه مواجه هستیم. همچنین، تضعیف ارزش پول ملی به ویژه در مورد کالاهای اساسی که یارانه یا ارز ترجیحی دریافت می‌کنند، مانند گوشت قرمز، نهاده‌های دامی و محصولات کشاورزی، تقاضای جدیدی را در اقتصاد ایران ایجاد می‌کند و آن تقاضای خارجی برای این کالاهاست، چرا که کالاهای ایرانی برای خریداران خارجی جذاب‌تر می‌شوند. حال سوال این است که آیا این تورم ناشی از انتظارات تورمی است؟ خیر. هرچند انتظارات تورمی می‌تواند ناشی از شرایط موجود باشد و در آینده فزاینده به نظر برسد، اما منبع اصلی تورم، انتظارات تورمی نیست. نظام بانکداری مبتنی بر خلق اعتبار و پول، به ویژه در شرایط تحریم و علت العلل آن پول است.

### راهکاران برای کنترل انتظارات تورمی چیست؟

اگر جامعه در میان مدت ببیند که تورم‌های ۲۰، ۳۰ و ۴۰ درصد مکرر تکرار می‌شود، همانگونه که از سال ۹۷ شاهد تورم بالای ۴۰ درصد بوده‌ایم، این انتظارات اگر تطبیقی باشد، متناسب با گذشته شکل می‌گیرد. حتی اگر انتظارات عقلایی باشد، باز هم باید شکل بگیرد. زیرا جامعه اگر پردازش درستی از اطلاعات داشته باشد، وقتی می‌بیند قیمت ارز در بازار غیررسمی افزایش پیدا می‌کند و نرخ سود

بانکی نیز از ۱۸ درصد به ۲۳ درصد و سپس به ۳۰ درصد افزایش می‌یابد، انتظارات آنها به سمت کاهش سوق نخواهد یافت. اگر بخواهیم انتظارات تورمی کاهنده را تجربه کنیم، باید سیگنال‌ها و علائمی که اقتصاد به افرادی که اطلاعات را پردازش می‌کنند ارسال می‌کند، اصلاح کنیم و به سمت ثبات ببریم. در این صورت، انتظارات آنها نیز کاهش خواهد بود. اما در حال حاضر، این اتفاق نمی‌افتد. علت این موضوع این است که مقدمات شکل‌گیری انتظارات افزایشی در اقتصاد ایران وجود دارد. ما به طور مداوم شاهد توزیع نامناسب اعتبارات به سمت گروهی خاص، شاید ۱۰ درصد اقشار جامعه، هستیم. بنابراین فضای اقتصاد پولی نه به سمت تولید، بلکه به سمت حفظ ارزش پول می‌رود. نکته‌ای که باید یادآوری کنم این است زمانی که در مورد بخش حقیقی اقتصاد و تولید صحبت می‌کنیم، فضای تولیدی در چارچوب قوانین فیزیکی کار می‌کند. یعنی کالا تولید و مصرف می‌شود و تمام. تابع تولید مشخص و مسیر تولیدی‌اش معلوم است. نتیجه قوانین مبتنی بر تولید بر پایه قواعد فیزیکی است. اما وقتی به اقتصاد پولی نگاه می‌کنیم، وقتی پول خلق می‌شود و اصل و فرع آن رشد پیدا می‌کند، این فرآیند بر پایه قواعد فیزیکی عمل نمی‌کند، بلکه بر پایه قواعد ریاضی عمل می‌کند. یعنی خلق یا محو می‌شود که محو از خلق کمتر است. برای مثال، اگر هزار میلیارد تومان وام گرفته‌اید، باید این هزار میلیارد تومان را به همراه ۳۰ درصد سود پرداخت کنید که در مجموع به ۱۳۰۰ میلیارد تومان می‌رسد. این با قواعد فیزیکی سازگار نیست. قواعد فیزیکی می‌گوید اگر کالایی را استفاده کردید، تمام می‌شود، اما پول تمام نمی‌شود. حالا می‌خواهید اقتصاد پولی را با اقتصاد حقیقی همخوان کنید، هیچ‌وقت این اتفاق نمی‌افتد، زیرا اصول پایه‌ای قواعد مبتنی بر نظام اقتصاد

باید مکانیزم و سیاست پولی اتخاذ شود که بازدهی روی پول به سمت کاهش حرکت کند و بازدهی آن کمتر از بخش تولیدی شود تا جریان تولید در جامعه رونق پیدا کند

### بانک مرکزی باید بانک‌ها را در خلق اعتبار محدودتر کند

بانک مرکزی باید با سیاست‌ها و ابزارهایی که دارد، بانک‌ها را در خلق اعتبار محدودتر کند. البته تأکید می‌کنم که مدیریت تقاضا برای پول باید مورد توجه قرار گیرد، نه تنها عرضه پول. این کار می‌تواند از طریق مکانیزم‌های تکمیلی مانند مالیات‌های گزنده انجام شود.



ذات نظام  
بانکداری  
ناپایداری است  
و این ناپایداری  
زمانی بیشتر  
بروز و ظهور  
خواهد یافت که  
نظام مالیاتی  
مکمل نظام  
بانکی مانباشد

۴۶



اقتصاد

• شماره ۵۸ - مهر ۱۴۰۳ •

پولی برپایه قواعد ریاضی است و این طرف بر پایه قواعد فیزیکی. بنابراین، این دو هیچ‌کدام با هم همخوان نمی‌شوند و بنابراین نتیجه آن بروز تورم است. جامعه تولیدی متوجه این موضوع می‌شود و انتظاراتش به سمت کاهش حرکت نمی‌کند.

### بانک مرکزی برای کاهش انتظارات تورمی چه کارهایی می‌تواند انجام دهد؟

پول دورپیشه دارد: یکی ریشه بین زمانی و دیگری ریشه درون زمانی. این دو ریشه به طور توأمان شکل‌گیری بهره‌های پولی را ایجاد می‌کنند. وقتی نظام بانکداری یا دولت پولی را ایجاد و خلق می‌کند، این پول ممکن است ناشی از کسری بودجه، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی یا خالص ذخایر خارجی بانک مرکزی باشد. به عنوان مثال، درآمدهای نفتی به عنوان خالص دارایی‌های خارجی به بانک مرکزی تزریق می‌شود و این پول پایه پولی را تشکیل می‌دهد. وقتی این پول به جامعه تزریق می‌شود، مردم چگونه با آن برخورد می‌کنند؟ مردم به دنبال حفظ ثروت خود هستند و برخی دیگر نیز به دنبال کسب سود از این پول. به قول کینز، مردم به دنبال "ماه" می‌گردند. این "ماه" یک دارایی محدود است و شامل چیزهایی مانند زمین، طلا و دلار می‌شود. به عنوان مثال، اگر واردات خود را محدود کنیم، مردم به دلیل انتظارات افزایش قیمت، پول را در مسیر تولید نمی‌برند و به خرید خودروهایی خارجی روی می‌آورند. با این وضعیت، بازارهایی مانند طلا، خودرو، دلار غیررسمی، زمین و مسکن به فضای سفته‌بازی تبدیل می‌شوند. مانند انسانی گرسنه که هر چه به او بدهید، سیر نمی‌شود. در اینجا بانک مرکزی ممکن است اقداماتی مانند حراج طلا و ایجاد بازار مبادله ارز و طلا انجام دهد. اما مهم‌تر از آن این است که بانک مرکزی نباید دامن‌زننده بازار سفته‌بازی باشد. کشورهای همسایه مانند کویت، عربستان، امارات و عراق پول ملی خود را بر اساس نظام ثابت ارزی شکل می‌دهند و ذخایر نفتی دارند که پشتوانه پولی آنها محسوب می‌شود. در حالی که ما در شرایط تحریم، خلق اعتبار می‌کنیم و در یک بازار شناور ارزی، پول خلق می‌کنیم و مداوم پول ملی را تضعیف می‌کنیم. با تضعیف پول ملی، انتظار داریم مردم انتظارات تورمی خود را کنترل کنند، در حالی که این انتظار معقول نیست. از سال ۱۳۹۷، نرخ

ارز از ۴ هزار تومان به ۳۰ هزار تومان در سال ۱۴۰۰ و اکنون به نزدیک ۶۰ هزار تومان رسیده است. باید توجه داشته باشیم که علت تورم انتظارات تورمی نیست، بلکه انتظارات تورمی نتیجه اقداماتی است که منجر به ایجاد این انتظارات شده است. این دورا نباید خلط کرد. برای حل این معضل، باید به دنبال راه‌حل‌های مناسب باشیم و جای علت و معلول را عوض نکنیم. بنابراین باید دید اولاً بانک مرکزی به عنوان متولی نظام پولی کشور و به عنوان سیاست‌گذار پولی و حافظ حفظ ارزش پول ملی باید چه کند تا انتظارات تورمی فزاینده نشود؟ دوم چه کار کند که فضا از نظام سفته‌بازی خارج شود و به سمت یک نظام تولیدی حرکت کند؟ سوم چگونه سیاست پولی‌اش به سمت اشتغال‌زایی حرکت کند؟ اینها مهم هستند. اولین اقدامی که بانک مرکزی انجام داد، کاهش رشد عرضه پول و نقدینگی از ۴۰ درصد به ۲۵ درصد بود. اما نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، این است که کنترل باید بر روی تقاضای پول باشد، نه فقط بر عرضه پول. وقتی در جامعه‌ای همه تشنه داشتن پول هستند و شما عرضه را کنترل می‌کنید و آن را به ۲۰ یا ۳۰ درصد می‌رسانید، چه اتفاقی می‌افتد؟ دوباره یک بازار غیررسمی شکل می‌گیرد. آیا این اقدام تأثیری بر کاهش نرخ ارز داشت؟ خیر. آیا تأثیری بر نرخ ارز در بازار رسمی داشت؟ بله، اما روشی که به کار گرفته شد، به نوعی ضد تولیدی بود. آیا می‌توان انتظار داشت با نرخ بهره ۳۰ درصدی، جامعه به سمت جهش تولید حرکت کند؟ قطعاً نمی‌توان. این موضوع ما را به بحث‌های کینز می‌کشاند. نرخ بهره در اقتصاد به حدی می‌رسد که باعث بیکاری می‌شود. بنابراین، چگونه می‌توانیم نرخ بهره را کاهش و به سمت اشتغال‌زایی سوق دهیم؟ این‌ها نکات بسیار مهمی هستند که ربطی به وزارت کار ندارند و باید در بانک مرکزی بررسی شوند. آیا بانک مرکزی توانسته کنترل تورمی را اتخاذ کند؟ تا حدودی، اما تمرکز آن بیشتر بر عرضه پول و نقدینگی بوده و رشد نقدینگی را کنترل کرده است. آیا راه دیگری وجود دارد؟ بله. آیا بانک مرکزی توانسته سفته‌بازی مردم بر روی پولشان را کنترل کند؟ خیر، بلکه به آن دامن زده است. بازار طلا و ارز را ایجاد کرده که به مردم می‌گوید هر چه بخواهید به شما می‌دهم. حتی اگر عرضه را سه برابر کنید، باز هم خریدار وجود دارد، زیرا مردم می‌خواهند

اولین کاری  
که باید کرد  
این است که با  
نظام بانکداری  
خصوصی  
و سپس  
بانک های  
تجاری، اتمام  
حجت کنیم

یا ۳۰ درصدی بانک را. من معتقدم که این روش غیرتولیدی است و به اشتغال آسیب می زند و بیکاری را افزایش می دهد. اما بانک مرکزی به دلیل نگرانی از افزایش خالص بدهی بانک ها به خود، این اقدامات را انجام می دهد. به جای اینکه این تصمیمات به نفع جامعه باشد، به نظر من بیشتر به نفع نظام بانکی است. یکی از اصول اساسی نظام سرمایه داری، کاهش نرخ بهره به سمت صفر برای رسیدن به کارایی است. ما برعکس عمل می کنیم. اینکه در وضعیت فعلی از ساعت دوازده شب نرخ بهره را به صفر برسانیم، کار غلطی است، اما باید مکانیزم و سیاست پولی اتخاذ شود که بازدهی روی پول به سمت کاهش حرکت کند و بازدهی روی پول کمتر از بخش تولیدی شود تا جریان تولید در جامعه رونق پیدا کند.

در شرایط فعلی، حساب سرمایه ما وضعیت خوبی ندارد و با خروج سرمایه مواجه هستیم. بنابراین، افزایش نرخ بهره به معنای بهبود تراز پرداخت های ما نیست. پس دلیل چیست؟ به نظر من، مشکل از نظام بانکداری ناشی می شود. نظام بانکداری برای رفع مشکلات خود و حفظ منابع بانکی در نظام، مجبور است نرخ بهره را بالا ببرد. آیا این امر به نفع جامعه و تولید است؟ خیر. نه به نفع تولید، نه به نفع کنترل تورم و نه به نفع انتظارات تورمی گاهنده است، تنها به نفع نظام بانکداری است. پیشنهاد من این است که نظام بانکداری باید خود را به بخش تولید گره بزند. اگر بازدهی پروژه های ۱۲۰ درصد است، چرا این ۱۲۰ درصد را به مردم ندهیم؟ بانک باید با تفکیک حسابداری مشخص در مورد هر پروژه، حتی پروژه های کوچک، سود را تقسیم کند. این نیاز به تکنولوژی خاصی ندارد. اگر تقاضای خارجی برای گوشت گوسفند وجود دارد، تولید آن نیاز به تکنولوژی خاصی ندارد، فقط به یک آغل و امنیت و شفافیت نیاز دارد.

اگر بازدهی روی تولید محصول خاص ۱۲۰ درصد است، این بازدهی باید به مردم برگردد. باید مکانیزم ایجادش را با سیستم Profit and Loss Sharing (PLS) ایجاد کنیم. سیستم PLS اصل پول را بیمه کند و در سود و زیان افراد شریک باشد. این کار باعث می شود که پول در هر پروژه ای حبس شود. وقتی این اتفاق بیفتد، تازمانی که محصول به بار ننشیند، پولتان را برنمی دارید. اگر خواستید وسط پروژه پولتان را برداشت کنید، در یک بازار ثانویه یک نفر جایگزین شود و در مجموع تغییرات در

پول بی ثبات و دارای تضعیف ارزش را به یک دارایی بدون ریسک پایدار تبدیل کنند. هر بار که این کار را انجام می دهید، به سیستم و نظام سفته بازی دامن می زنید. این مسیر تا آخرین سکه ای که بانک مرکزی در خزانه اش دارد ادامه خواهد داشت و مردم همچنان خریدار خواهند بود. این مسیر درست نیست، زیرا جامعه به دنبال حفظ ثروت یا کسب سود است، اما این کسب سود در تولید نیست، بلکه از طریق دارایی های محدود مانند طلا و ارز دنبال می شود. چه کار باید انجام دهیم؟ باید تقاضای پول را کنترل کنیم، نه فقط عرضه پول. البته عرضه را هم باید کنترل کرد، اما با روش های دیگر. تقاضای پول را می توان با سیاست های پولی و مالی توان کنترل کرد. به عنوان مثال، مالیات های گزاف را در کنار سیاست های پولی انقباضی ایجاد کنید، به طوری که اگر کسی طلا خرید، باید مالیات بپردازد. آلمانی ها یا ژاپنی ها چرا طلا، تیرآهن، زمین و... نمی خردند تا پنج سال بعد قیمت آنها ده برابر شود. آیا این به این دلیل است که آنها عقل اقتصادی ندارند؟ خیر، آنها سیستم مالی خود را به درستی تنظیم کرده اند و مالیات بردارایی های محدود وضع کرده اند. اما سیاست های ما به جای اینکه جامعه را به سمت تولید و کسب ۱۰ درصد سود ببرد، مردم را به خرید طلا و کسب ۱۰۰ درصد سود سوق می دهد. بنابراین، باید تقاضای پول را کنترل کنیم و یکی از روش های مهم کنترل تقاضای پول، وضع مالیات های گزاف بر این دارایی هاست، اما ما برعکس عمل می کنیم و رسماً خودمان طلا عرضه می کنیم و به مردم می گوئیم طلا بخرند و سفته بازی کنند. نرخ بهره پولی باید کاهش یابد، اما بانک مرکزی آن را افزایش داده و به ۳۰ درصد رسانده است. دلیل این امر این است که تعارض منافع ایجاد شده است. وقتی مردم در شرایط بی ثباتی قرار دارند، پولشان را در بانک نگه می دارند، اما می خواهند هر وقت فرصت سرمایه گذاری بهتری پیش آمد، سریعاً پول را از بانک خارج کرده و کالا بخرند. این وضعیت باعث می شود که بانک ها نتوانند بر روی این پول برای پروژه های سرمایه گذاری حساب کنند. برای جلوگیری از این وضعیت و جلوگیری از ریسک نقدینگی و ورشکستگی در نظام بانکداری، بانک مرکزی نرخ بهره روی سپرده ها را به ۳۰ درصد رساند تا مردم انتخاب کنند که آیا بازدهی ۲۸ درصدی بازار دیگری را می خواهند



باید نظام  
مالیاتی مان  
متناسب با  
نظام بانکداری  
متعارف مان  
تنظیم می شد  
که این کار را  
نکرده ایم

حجم پول ایجاد نشود. این روبه باعث می شود که پول در جریان تولید قرار بگیرد و بازدهی پروژه های ۱۲۰ درصدی، هم اشتغال ایجاد کند.

### بانک مرکزی چه اقداماتی را برای رفع ناترازی بانک ها باید انجام دهد؟

نظام بانکداری به دلایل متعددی خاصیت بی ثباتی دارد. وقتی یک واحد پولی را در بانک سپرده گذاری می کنید، این یک واحد پول در سیستم بانکی به واسطه ذخیره قانونی و ذخیره احتیاطی چندین برابر حساب می شود و این منجر به ایجاد ادعاهای باطل نسبت به آن می گردد. در حقیقت، همه می گویند این پول متعلق به آنهاست، در حالی که در واقعیت، این پول برای نفر اول است. نکته دوم این است که بانک این واحد پولی را از پول حکمی رسمی (فیات مانی) به بدهی بانک ها به مردم تبدیل می کند و ناترازی از اینجا آغاز می شود. به لحاظ حسابداری، تراز برقرار است، اما به لحاظ اقتصادی، ناترازی کماکان وجود دارد. وقتی در سیستمی قرار داریم که پول حکمی به بدهی تبدیل می شود و بدهی ها مداوم تکرار می شوند، از ابتدا ناترازی شکل می گیرد.

یک سری استانداردها وجود دارد، مثلاً سیستم بازل یک، دو، سه و چهار وجود دارند که می گویند چه استانداردهایی باید مشخص شود تا بانک ها دچار ورشکستگی نشوند. اما یک سوال جدی وجود دارد و آن اینکه آیا کمیته بازل برای اقتصادهای در حال تحریم مانند اقتصاد ایران نوشته شده و یا استاندارد جهانی دارد؟ آیا می توانیم در شرایط تحریم، بانکداری خصوصی داشته باشیم و نظام بانکداری مان کماکان خلق اعتبار کند و خلق پول از هیچ داشته باشد، در حالی که نظام مالیاتی با آن هماهنگ نیست؟ آیا به این موارد توجه کرده ایم؟

آیا اینکه ناترازی ها را برای چند بانک برطرف کنیم، کافی است؟ آیا می توانیم کمیته بازل یا کمیته بال را در مورد کفایت سرمایه یک بانک آمریکایی، یک بانک اروپایی و یک بانک ایرانی به طور یکسان ملاک قرار دهیم؟ نمی توانیم این کار را انجام دهیم. سیاست پولی مان در شرایط تحریم چیست؟ آیا سیاست پولی مشخصی در این وضعیت داشته ایم؟ آیا نظام بانکداری خصوصی ما توانسته در وضعیت فعلی کمکی به حفظ یا افزایش اشتغال کند؟ ناترازی تنها یکی از مسائل است. ممکن است در بورس ضرر کنید، اما آیا مشکل بورس را حل کرده اند و

گفته اند چون در بورس متضرر شدید، مقداری پول به شما می دهیم تا ضرر شما جبران شود؟ خیر. اما پول شما که در یک بانک خصوصی یا مؤسسه مالی اعتباری گذاشته اید، جبران شده است. چرا؟ چرا از پول مردم این کار انجام شده است؟ چرا ۳۵ هزار میلیارد تومان پایه پولی را افزایش دادیم و به آنها دادیم تا بدهی شان را به مردم بپردازند؟ بانک مرکزی زحمت کشیده و ناترازی را تا حدودی برطرف کرده است، اما این مسئله فرعی است. ذات نظام بانکداری ناپایداری است و این ناپایداری زمانی بیشتر بروز و ظهور خواهد یافت که نظام مالیاتی، مکمل نظام بانکی ما نباشد. مقایسه تطبیقی اشکالی ندارد، مثلاً در کشورهای اروپایی مانند فرانسه و آلمان، بانکداری خصوصی وجود دارد و کارایی بالایی دارند. نظام مالیاتی آنها به چه شکل است؟ آیا مکمل است؟ آیا می توانند طلا و زمین بخرند؟ چرا ما اینجا می توانیم این کارها را بکنیم و چرا همه را درگیر این کنیم؟

برخی افراد با درجه هوشمندی بالاتر یا اطلاعات بیشتر و پردازش اطلاعات بهتر، کارشان را جلو می برند، در حالی که برخی دیگر نمی توانند. نتیجه این است که تورم افزایش یافته، مستأجران گرفتار هستند و فرزندان بیکارند. برای این مشکلات چه کار کرده ایم؟ باید این مسائل را حل می کردیم. حداقل اگر می خواهیم هر چیزی را به صورت بسته وارد و استفاده کنیم، مانند تکنولوژی، باید همه آن را وارد کنیم. باید نظام مالیاتی مان متناسب با نظام بانکداری متعارف مان تنظیم می شد که این کار را نکرده ایم. مسئله ناترازی در نظام بانکی که منجر به افزایش پایه پولی ناشی از بدهی بانک ها به بانک مرکزی می شود، سهم بالاتری از بدهی ها را در پایه پولی تشکیل می دهد. این مسیر درستی است، اما آیا همه ما چرا همین است؟ خیر. اولین کاری که باید کرد این است که با نظام بانکداری خصوصی و سپس بانک های تجاری، اتمام حجت کنیم. باید تکلیف آنها روشن شود. نظام بانکداری خصوصی که در وضعیت لیبرالیسم اقتصادی دهه هفتاد ایجاد شد، آیا جامعه ایران را به نتیجه مثبتی رسانده است؟ خیر. باید به عقب برگردیم و بررسی کنیم که اگر این نظام به نتیجه نرسیده، باید آن را جمع کنیم.

### راهکار بانک مرکزی برای مهار کسری بودجه چه باید باشد؟

در مورد استقلال بانک مرکزی، ادبیاتی



مرکزی به عنوان خریدار ارز حاصل از منابع طبیعی استخراج شده از زمین، نقش مهمی در این فرآیند ایفا می کند. همچنین، کسری بودجه دولت ممکن است به پول تبدیل شود و بانک ها نیز به عنوان آخرین وام دهنده، ممکن است منجر به خلق پول و افزایش پایه پولی شوند تا تناقضات و تفاوت های سررسید در نظام بانکی حل شود. هر سه این عوامل پاشنه آشیل نظام پولی و اقتصادی ایران هستند و برای حل این مسائل، نیاز به برنامه جامع داریم.

#### نحوه سیاست گذاری بانک مرکزی در دولت جدید باید به چه شکل دنبال شود؟

اگر بخواهم پیشنهادی در این زمینه ارائه دهم، باید به سیاست پولی اشتغال را توجه ویژه ای شود. سیاست پولی که منجر به ایجاد اشتغال می شود، باید ویژگی های خاصی داشته باشد و به طور مؤثر عمل کند. یکی از چالش ها، کاهش نرخ های بهره بانکی از ۳۰ درصد به زیر نرخ بازدهی تولید است. یکی از اقداماتی که دولت جدید می تواند در این فضا انجام دهد، تضمین اشتغال و رشد تولید و همچنین مهار تورم به طور همزمان است. برای تحقق این اهداف، باید اقتصاد پولی که بر پایه سفته بازی شکل گرفته، از این دام و گرداب خارج شود و به سمت بخش حقیقی اقتصاد هدایت شود. اولین اقدامی که بانک مرکزی باید انجام دهد، کاهش عرضه پول و نقدینگی است. این اقدام به عنوان یک استراتژی انتخابی می تواند اثرات

وجود دارد که باید به آن توجه کنیم. کسری بودجه دولت می تواند ناشی از خود دولت یا شرکت های دولتی زیان ده باشد. بخشی از مسائل اقتصادی ایران به کسری بودجه دولت مربوط می شود و این موضوع باید حل شود. اما ابتدا باید اولویت بندی کنیم. منابع پایه پولی یک وجه کسری بودجه دولت است و یک وجه بدهی بانک ها به بانک مرکزی. باید مشخص کنیم که کدام یک را در اولویت قرار دهیم و کدام را می توانیم به عنوان اولین اقدام مورد توجه قرار دهیم. بدهی بانک ها به بانک مرکزی نیز موضوع مهمی است و باید به آن رسیدگی شود. این مسئله باید با روش هایی حل شود که منجر به استفاده بهینه از استخراج پول شود، نه اینکه پول جدید خلق کنیم. چگونگی انجام این کار موضوعی پیچیده است. در مورد کسری بودجه دولت و زیان دهی شرکت های دولتی، یکی از راهکارها می تواند خصوصی سازی باشد. به عنوان مثال، شرکت هواوی در چین ۲۰ سال پیش سوئیچ تولید می کرد و امروز بازار گوشی های موبایل آمریکا را در دست دارد. آیا این موفقیت به دلیل خصوصی سازی یا تغییر در مدیریت بوده است؟ باید از این تجارب بهره برداری کنیم و نظام بودجه ریزی دولتی را به سمتی ببریم که کارآمد عمل کند. در نهایت، باید به دنبال ایجاد دولتی کارآمد باشیم و چگونگی دستیابی به این هدف موضوعی در حوزه اقتصاد عمومی است. رابطه مالی دولت و نفت، رابطه مالی دولت با بانک مرکزی و همچنین رابطه مالی بانک ها با بانک مرکزی، همگی از اهمیت بالایی برخوردارند. بانک

اگر نمی‌توانیم  
به لحاظ  
شرایط تحریمی  
مدیریت  
جامعی روی  
نرخ ارز داشته  
باشیم، باید  
در مورد ریال  
مدیریت کنیم

۵۰



• شماره ۵۸ - مهر ۱۴۰۳ •

مثبتی داشته باشد و تورم را به سمت کاهش سوق دهد. با این حال، کاهش عرضه پول ممکن است منجر به رکود شود. بنابراین، باید به سمت کاهش تقاضا برای پول حرکت کند که این امر مستلزم سیاست‌های توأمان مالی و پولی است. سیاست مالی باید به طور خاص شامل مالیات‌های گزنده‌ای باشد که دولت بر روی سفته‌بازی وضع می‌کند و همچنین هدایت منابع مالی به سمت تولید. اگر بانک مرکزی بتواند این مسیر را به درستی پیش ببرد، می‌تواند تضمینی برای رشد تولید و رشد اقتصادی باشد.

### برخی معتقدند تک‌نرخی کردن ارز منجر به جلوگیری از سفته‌بازی می‌شود. کارکرد مرکز مبادله ارز و طلا چقدر می‌تواند در کنترل نرخ ارز تأثیرگذار باشد؟

بانک مرکزی با احتمال زیاد مرکز مبادله ارز و طلا را به منظور مدیریت ارزی به جای چهارراه استانبول راه‌اندازی کرده است. اینکه در چهارراه استانبول یا در بازار غیررسمی و ارزهای تلگرامی چقدر مبادله انجام می‌شود و آیا قیمت‌ها کشف می‌شوند و یا فقط اثرروانی دارند، موضوعی است که باید به آن توجه کرد. بانک مرکزی باید بررسی کند که این اثر روانی را تا چه اندازه می‌تواند تحت کنترل خود درآورد. نکته دیگری که باید در نظر گرفت این است که ارز ما به دلیل شرایط تحریم محدود است و مشکلاتی در زمینه مبادلات و نقل و انتقالات بانکی داریم که کاملاً قابل پذیرش است. ریال که دست خودمان است، تحت کنترل بانک مرکزی قرار دارد. تضعیف پول ملی به چه دلیل اتفاق می‌افتد؟ به خاطر خلق نقدینگی و اعتبار. نظام‌های بانکی که پول را به صورت درون‌زا خلق می‌کنند، با ابزارهای قدیمی مانند ذخیره قانونی و سیاست‌های پولی انقباضی نمی‌توانند این مشکل را حل کنند. افزایش ذخیره قانونی به تنهایی نمی‌تواند منجر به کاهش خلق پول و نقدینگی شود. روش‌ها در حال حاضر متفاوت شده و پول در دنیای مدرن با دنیای گذشته فرق دارد. اگر نمی‌توانیم به لحاظ شرایط تحریمی مدیریت جامعی روی نرخ ارز داشته باشیم، باید در مورد ریال مدیریت کنیم. چرا سیاست پولی مان را با شرایط تحریم تغییر نمی‌دهیم؟ حذف برخی از جریان‌های بانکداری خصوصی

می‌تواند کمک‌کننده باشد. بانک مرکزی باید با سیاست‌ها و ابزارهایی که دارد، بانک‌ها را در خلق اعتبار محدودتر کند. البته تأکید می‌کنم که مدیریت تقاضا برای پول باید مورد توجه قرار گیرد، نه تنها عرضه پول. این کار می‌تواند از طریق مکانیزم‌های تکمیلی مانند مالیات‌های گزنده انجام شود.

آیا باید به سمت تک‌نرخی شدن ارز برویم؟ این خود سوالی است. آیا منابع ارزی لازم را داریم؟ زیرا در فضای تک‌نرخ، وقتی نرخ ۳۰ هزار تومان را قبول داریم، باید ارز در بازار ریخته شود تا قیمت پایین بیاید و بازار غیررسمی نیز به طور کامل غیرقانونی شود. نباید مدیریت شناور را ادامه دهیم. آیا منابع ارزی برای این کار داریم؟ ممکن است نداشته باشیم. آیا می‌توان این کار را انجام داد؟ به این سوالات باید پاسخ داده شود. آیا می‌توانیم با کاهش ذخایر ارزی خود این کار را انجام دهیم؟ کشوری مانند عراق یا افغانستان، دولت و تأمین اجتماعی ندارند که بخواهد هزینه کند، به همین دلیل ثبات پولی دارند. عراق، با وجود اینکه بانک مرکزی‌اش با بانک مرکزی آمریکا مراوداتی دارد، وقتی ذخایر نفتی دارد، می‌تواند در زمان کمبود ارز، منابع نفتی را بیشتر بفروشد و نرخ را میخکوب کند. اما آیا می‌توانیم در اقتصاد ایران این کار را انجام دهیم؟ آیا می‌توانیم شرایط دهه هشتاد که نرخ ارز خوبی داشتیم را ادامه دهیم و نفت بفروشیم تا منابع ارزی مان تأمین شود؟ بعید می‌دانم. اما یک کار می‌توانیم انجام دهیم و آن هم کنترل عرضه اعتبارات بانک‌ها است. البته تأکید می‌کنم که مدیریت مالیاتی باید بر فضای سوداگری و سفته‌بازی تأثیرگذار باشد. اگر این کار را انجام دهیم، شاید بتوانیم نرخ ارز را از طریق کنترل خلق پول در اقتصاد، اعم از پایه پولی و یا خلق اعتبار بانکی، مدیریت کنیم. مسائل اقتصادی بسیار پیچیده است و من به اندازه توانم این موارد را مطرح کردم. کسانی که در مسند امور بانک مرکزی هستند، اطلاعات بیشتری دارند و می‌توانند موارد مطرح‌شده را نقد کنند. به هر حال، به عنوان منتقد نظام بانکی، پیش‌بینی کرده بودم که این سیستم بانکی حتماً قفل خواهد شد و این اتفاق نیز رخ داد. ما نیاز به اصلاح نظام بانکی داریم و این اصلاح یعنی حذف بانکداری خصوصی در قدم اول و سپس بانک‌های تجاری دولتی. این ضرورت امروز اقتصاد ایران است و اگر بخواهیم رفاه اجتماعی جامعه ایران را مدنظر قرار دهیم، راهی غیر از این فعلاً وجود ندارد.



# بانک مرکزی انتظارات تورمی را مدیریت کرد

● نرخ ارز به عنوان یک متغیر کلیدی در اقتصاد، تأثیرات عمیقی بر سایر متغیرهای کلان اقتصادی، به ویژه تورم دارد

حسن گلمرادی

عضو هیات علمی موسسه عالی آموزش بانکداری ایران



در سال‌های اخیر، اقتصاد ایران تحت تأثیر نوسانات شدید نرخ ارز و تحولات سیاسی قرار داشته است. در این شرایط، بانک مرکزی به عنوان نهاد مسئول سیاست‌گذاری اقتصادی، تلاش کرده است تا با اتخاذ تدابیر مناسب، ثبات را به بازار ارز بازگرداند. اقدامات بانک مرکزی در یک سال اخیر به طور قابل توجهی توانسته است انتظارات تورمی و نرخ ارز را مدیریت کند. نرخ ارز به عنوان یک متغیر کلیدی در اقتصاد، تأثیرات عمیقی بر سایر متغیرهای کلان اقتصادی، به ویژه تورم، دارد. تغییرات نرخ ارز، به ویژه افزایش آن، می‌تواند به طور مستقیم بر قیمت کالاها و خدمات تأثیر بگذارد. به همین دلیل، مدیریت صحیح نرخ ارز می‌تواند به عنوان ابزاری برای کنترل تورم در کوتاه‌مدت مورد استفاده قرار گیرد.

با این حال، در بلندمدت باید به بنیان‌های واقعی نرخ ارز توجه شود. گسترش صادرات، افزایش کالاهای ارزآور و توسعه ارتباطات با کشورهایی که صادرات ایران به آنها مورد نیاز است، از جمله اقداماتی هستند که باید در نظر گرفته شوند. در این راستا، تقویت طرف عرضه بازار ارز نیز بسیار حیاتی است. برای مدیریت موثر نرخ ارز، باید به افزایش توان صادراتی، رفع تحریم‌ها و مدیریت کالاهای وارداتی توجه شود. این اقدامات می‌تواند به تراز تجاری مثبت در بلندمدت کمک کند و ثبات بیشتری به بازار ارز ببخشد.

بازار ارز به شدت تحت تأثیر شوک‌های سیاسی، بین‌المللی و منطقه‌ای است. رفتارها و اظهارات سیاسی می‌تواند تأثیرات معناداری بر نرخ ارز داشته باشند. در شرایطی که منطقه با اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی مواجه است، توانایی بازار ارز در کاهش تأثیر این عوامل برون‌زا، موفقیتی نسبی به شمار می‌آید. یکی از نکات کلیدی در این

زمینه، پیش‌بینی پذیری نرخ ارز برای تجار و فعالان اقتصادی است. نرخ ارز وقتی پیش‌بینی پذیر باشد، به عنوان یکی از دو یا سه متغیر کلیدی اقتصاد شناخته می‌شود. در یک اقتصاد باز که صادرات و واردات آن به حجم تولید ناخالص داخلی (GDP) وابسته است، نرخ ارز تأثیر زیادی بر تورم و میزان واردات دارد. بنابراین، مدیریت صحیح نرخ ارز در کنار مدیریت تقاضا می‌تواند به ایجاد ثبات نسبی در بازار کمک کند.

در شرایط تحریمی کنونی، پیمان‌های دوجانبه پولی به ویژه میان ایران و روسیه، موضوعی است که باید به آن توجه شود. این پیمان‌ها می‌تواند در شرایط تحریمی مفید باشد، اما تأثیر آن به مزیت‌های نسبی دو کشور بستگی دارد. اگر بتوانیم با کشورهایی که ۷۰ تا ۸۰ درصد نیازهای وارداتی ما را تأمین می‌کنند، پیمان‌های دوجانبه امضا کنیم، می‌تواند اثرگذار باشد.

با این حال، ارتباط با کشورهایی که حجم تجارت کمتری با ایران دارند، تأثیر چندانی نخواهد داشت. به عنوان مثال، در صورتی که واردات ایران عمدتاً از کشورهای چین و امارات باشد، پیمان‌های دوجانبه با این کشورها می‌تواند موثرتر از ارتباط با کشورهایی باشد که وابستگی تجاری کمتری دارند. در نهایت، می‌توان گفت که اقدامات بانک مرکزی در مدیریت نرخ ارز و پیش‌بینی پذیری آن، در شرایط کنونی اهمیت زیادی دارد. این اقدامات نه تنها می‌تواند به ثبات بازار ارز کمک کند، بلکه باید به بنیان‌های اقتصادی و تجاری کشور نیز توجه ویژه‌ای شود. بهبود روابط تجاری و اقتصادی با کشورهای هدف و تقویت توان صادراتی، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به رشد و ثبات اقتصادی کشور در بلندمدت منجر شود.







چرا حل ناترازی بانکی باید در اولویت سیاست گذار باشد؟

## مقابله با ناترازی های بانکی روی میز دولت چهاردهم

- ناترازی های بانکی آثار آنی و آتی بر عملکرد بخش های اقتصادی خواهد داشت
- ایجاد بحران در سیستم بانکی به علت ناترازی می تواند کل نظام اقتصادی را مخاطره آمیز کند
- ناترازی در نظام بانکی می تواند منجر به افزایش نرخ بهره کاهش سرمایه گذاری و کاهش رشد اقتصادی شود
- بحران ناترازی در نظام بانکی به دلیل ماهیت پنهان خود، از اهمیت ویژه ای برخوردار است

امیر حسین موسوی  
پژوهشگر اقتصادی

۵۲



اقتصاد

• شماره ۵۸ - مهر ۱۴۰۳ •

اقتصاد ایران از نظر ساختار نظام مالی، یک اقتصاد مبتنی بر بانک است. در چنین اقتصادی، بانک‌های تجاری با داشتن انحصار در تامین اعتبار برای بخش واقعی اقتصاد، به عنوان بزرگ‌ترین نهادهای مالی شناخته می‌شوند. یکی از بحران‌های اخیر در اقتصاد جهانی، بحران بانکی است که هزینه‌های قابل توجهی به همراه داشته است. در ایران، به دلیل ضعف نهادهای مالی، نظام بانکی نقشی کلیدی در اقتصاد ایفا می‌کند و تأثیرات گسترده‌ای بر آن دارد. در این میان، بحران ناترازی در نظام بانکی به دلیل ماهیت پنهان خود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در صورت بروز نوسانات شدید در سطح اقتصاد کلان بر انتظارات آینده و تصویر کلی اقتصاد کشور تأثیر منفی دارد و ناپایداری در تحقق رشد اقتصادی را ایجاد می‌کند. احتمال ورود یکی از عوامل بروز چنین نوسانات بالا به نوع سیاست‌های پولی و تأثیر آن بر بازارهای مالی و اعتباری برمی‌گردد. اگرچه بخش بانکی در ایران به دلیل حمایت‌های دولت هیچ‌گاه با پدیده‌هایی مانند هجوم بانکی و ورشکستگی بانک‌ها مواجه نشده است، اما وقوع بحران در این بخش می‌تواند ثبات مالی را به مخاطره بیندازد.

در واقع ایجاد بحران در سیستم بانکی به علت ناترازی مطالبات و ریسک‌های گسترده فعالیت‌های سایر بخش‌های اقتصادی با بانک‌ها به ویژه تأخیر در تجهیز منابع و عدم پوشش به موقع تعهدات، بسیار محتمل بوده و در عین حال می‌تواند کل نظام اقتصادی را مخاطره آمیز کند. به همین دلیل، با توجه به ارتباط گسترده‌ای که بانک‌ها با سایر بخش‌های اقتصاد کلان دارند، ناترازی‌های بانکی آثار آتی و آتی بر عملکرد سایر بخش‌های اقتصادی و رشد اقتصادی کلان کشور به دنبال خواهد داشت. (شکل ۱ و ۲)

در شرایطی که بانک‌ها نتوانند به تعهدات خود در قبال سپرده‌گذاران و یا تجهیز منابع به موقع عمل کنند، این امر می‌تواند منجر به افزایش تقاضاهای موهومی برای بانک‌ها و افزایش مطالبات مشکوک‌الوصول شود. بانک‌ها در این شرایط به دلیل افزایش فشارهای مالی و ریسک‌های ناشی از ناترازی‌ها، توانایی کمتری در تامین نقدینگی و پاسخگویی به نیازهای مالی مشتریان خواهند داشت و این موضوع می‌تواند به بحران‌های مالی و اقتصادی منجر شود.

ناترازی‌های بانکی یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیستم مالی کشور است که می‌تواند به عدم تعادل و ناپایداری در بازارهای مالی منجر شود. این ناترازی‌ها علامت‌های مهمی از ضعف در مدیریت ریسک، نظارت ناکافی و گزارشگری غیرشفاف هستند که باعث می‌شود بانک‌ها نتوانند به درستی به وظایف خود عمل کنند. شناسایی عوامل مؤثر بر ثبات و عملکرد مالی بانک‌ها و بهبود نظارت بر این عوامل، از اهمیت خاصی برخوردار است تا بهبود عملکرد بانک‌ها باعث افزایش سودآوری آنها و همچنین افزایش اعتماد عمومی به سیستم بانکی شود. مقصود از ناترازی این است که ارزش واقعی مجموع دارایی‌های نظام بانکی از مجموع تعهدات بانک‌ها به سپرده‌گذاران کمتر است. بر اساس تعریف کمیته استانداردهای حسابداری مالی ارزش دارایی‌های مالی بانک بر اساس جریان نقد ورودی تعدیل شده آن دارایی محاسبه می‌شود. بنابراین مفهوم اینکه ارزش دارایی‌های یک بانک کمتر از میزان سپرده‌های آن بانک است، این است که دارایی‌های بانک جریان نقد ورودی برای بانک تولید نمی‌کنند. ارزش دارایی‌های مالی باید متناظر با جریان نقدی که تولید می‌کنند تعدیل شود. اگر جریان نقد یک دارایی مالی افت کند، اما ارزش دارایی در صورت‌های مالی بانک به صورت متناسب کاهش نیابد، یا زیان حاصل از کاهش ارزش دارایی‌ها جبران نشود، ناترازی رخ می‌دهد.

### برخی از اجزای ناترازی

ناترازی بر اساس ردیف‌های ثبت دارایی در نظام بانکی تعریف می‌شود. موجودی نقد، مطالبات از بانک‌ها و سایر موسسات اعتباری مطالبات از دولت، تسهیلات اعطایی و مطالبات از اشخاص دولتی، تسهیلات اعطایی و مطالبات از اشخاص غیردولتی، سرمایه‌گذاری در سهام و سایر اوراق بهادار مطالبات از شرکت‌های فرعی و وابسته، سایر حساب‌های دریافتی، دارایی‌های ثابت مشهود، دارایی‌های نامشهود، سپرده قانونی و سایر دارایی‌ها، برخی سرفصل‌هایی است که می‌تواند ابعادی از ناترازی در آنها رخ دهد. موجودی نقد و مطالبات از بانک‌ها و سایر موسسات اعتباری به خاطر ماهیت بین بانکی آنها و ثبت حسابداری آنها در نظام‌های پرداخت ملی دچار ناترازی نمی‌شوند. سرمایه‌گذاری در سهام و سایر اوراق بهادار نیز به خاطر مکانیزم ثبت و تسویه متمرکز شرکت سپرده‌گذاری اوراق بهادار و تسویه وجوه دچار ناترازی

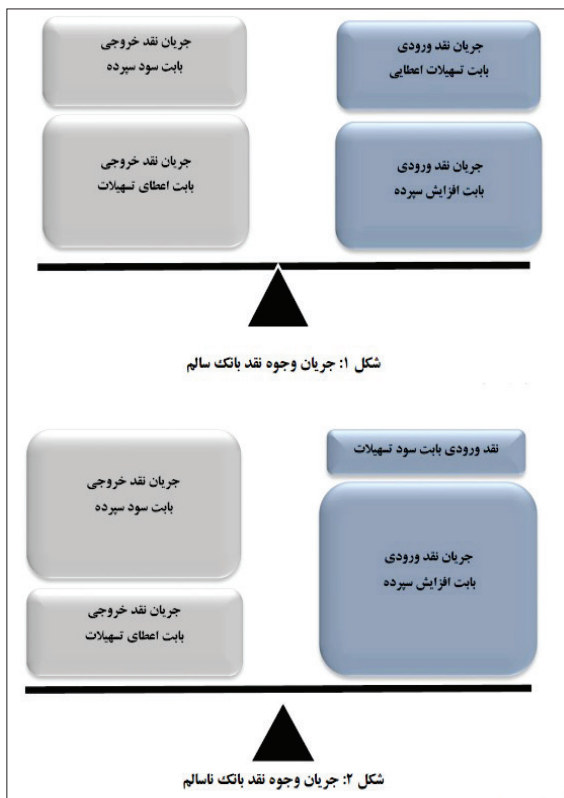
بانک‌ها در برابر فشارهای مالی و ریسک‌های ناشی از ناترازی‌ها توانایی کمتری در تامین نقدینگی و پاسخگویی به نیازهای مالی مشتریان خواهند داشت



**(۴) مطالبات موهومی از دولت:** تفاوت مقدار ادعایی بانک از مطالبات دولت با مقدار مورد تایید سازمان حسابرسی.

### لزوم توجه دولت چهاردهم به مسئله ناترازی نظام بانکی

ناترازی در نظام بانکی ایران به عنوان یکی از چالش‌های اساسی اقتصادی کشور، نیازمند توجه ویژه دولت چهاردهم است. این ناترازی‌ها می‌توانند تأثیرات منفی قابل توجهی بر اقتصاد کلان، رشد اقتصادی، و ثبات مالی کشور داشته باشند. ناترازی در نظام بانکی می‌تواند منجر به افزایش نرخ بهره، کاهش سرمایه‌گذاری و کاهش رشد اقتصادی شود. ناترازی‌های بانکی می‌توانند منجر به بحران‌های مالی و بانکی شوند که هزینه‌های بالایی برای اقتصاد کشور به همراه دارند. این بحران‌ها می‌توانند به انحلال موسسات یا بانک‌ها و کاهش اعتماد عمومی به نظام مالی منجر شوند. همچنین ناترازی در نظام بانکی می‌تواند به افزایش ریسک در بازارهای مالی و اعتباری منجر شود. این مسئله می‌تواند به افزایش هزینه‌های تامین مالی برای کسب و کارها و افراد منجر شود. افزایش نظارت و کنترل بر بانک‌ها می‌تواند به شفافیت بیشتر و کاهش ناترازی کمک کند. دولت به واسطه تصدی‌گری بر بخشی از شبکه بانکی به همراه بانک مرکزی، باید نهادهای نظارتی را تقویت کند و از اجرای دقیق قوانین پولی اطمینان حاصل کند. تغییر در قوانین و مقررات به منظور تسهیل فروش دارایی‌ها و کاهش انجماد آنها می‌تواند بر کاهش ناترازی موثر باشد. همچنین، باید قوانین جدیدی برای جلوگیری از ایجاد سودهای موهومی و افزایش شفافیت مالی وضع شود. افزایش آگاهی مدیران و اعضای هیات مدیره بانک‌ها درباره عوامل اصلی و نارسایی‌های ناترازی و روش‌های مدیریت آن می‌تواند به بهبود وضعیت کنونی کمک کند. در نهایت می‌توان گفت ناترازی در نظام بانکی ایران به دلیل تأثیرات گسترده‌ای که بر اقتصاد کلان و ثبات مالی کشور دارد، نیازمند توجه ویژه دولت چهاردهم است. اتخاذ راهکارهای مناسب و اجرای دقیق آنها، می‌تواند به بهبود وضعیت نظام بانکی و کاهش ناترازی‌ها کمک کرد. دولت باید از طریق تقویت نظارت، اصلاح قوانین و افزایش آگاهی مدیران بانکی، به بهبود وضعیت نظام بانکی کمک کند و از وقوع بحران‌های مالی جلوگیری کند.



نمی‌شود. ردیف‌های دارایی‌های ثابت مشهود، دارایی‌های نامشهود، سپرده قانونی و سایر دارایی‌ها اگرچه از کانال ارزش‌گذاری کارشناسی دارایی‌ها دچار ناترازی می‌شوند، اما به خاطر سهم کمی که در ترازنامه نظام بانکی دارند موضوع بررسی عمده قرار نمی‌گیرد. اساس سه ردیف اصلی دارایی‌های نظام بانکی که ارزش آنها مستقیماً تحت تأثیر نرخ بهره و رویه‌های حسابداری تعیین می‌شود، تسهیلات غیر جاری اشخاص غیردولتی، تسهیلات امهالی اشخاص دولتی، زبان انباشته و مطالبات موهومی از دولت هستند. براین اساس ناترازی چهار جزء اصلی دارد:

- (۱) تسهیلات غیر جاری اشخاص غیر دولتی: مجموع سه سرفصل مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول قبل از کسر ذخایر عمومی و اختصاصی مطالبات مشکوک‌الوصول
- (۲) تسهیلات امهالی اشخاص غیردولتی
- (۳) زبان انباشته: سرفصل زبان انباشته در حقوق صاحبان سهام بانک‌ها و موسسات اعتباری

شکل ۲۰



چالش صیانت از ثبات ارزی در دوره جدید

## ثبات در بازار ارز عمیق تر شد

- تدابیر ارزی بانک مرکزی، باعث ارتقای ثبات بازار ارز، جلوگیری از جهش نرخ ارز و تعدیل تدریجی نرخ با دامنه نوسان محدود شد
- تاپیش از این، مداخله بانک مرکزی در بازار ارز عمدتاً به ارزیابی گسترده برای سرکوب نرخ و حفظ یک نرخ ثابت خلاصه می شد
- ثبات نرخ ارز طی یک سال و نیم اخیر، دستاوردهای مختلفی را برای اقتصاد کشور به همراه داشته است
- روند نزولی تورم تولید و مصرف، شاهدی دیگر از اثربخشی سیاست تثبیت به شمار می رود

۵۵



اقتصاد

● شماره ۵۸ - مهر ۱۴۰۳ ●

حمید کمار

پژوهشگر اقتصادی

اقتصاد ایران  
طی سال‌های  
پایانی دهه ۹۰  
و اوایل دهه  
جدید، دوره‌ای  
از بی‌ثباتی  
بی‌سابقه را  
تجربه کرد

اقتصاد ایران طی سال‌های پایانی دهه ۹۰ و اوایل دهه جدید، دوره‌ای از بی‌ثباتی بی‌سابقه را تجربه کرد. بازگشت تحریم‌ها در سال ۹۷ چرخه‌ای بود که عوامل تورمی و رکودی را فعال کرده و اقتصاد کشور را وارد دوره رکود تورمی کرد. تا پیش از اجرای سیاست تثبیت در زمستان ۱۴۰۱، اقتصاد ایران گرفتار چرخه معیوبی از ناترازی - رشد نقدینگی، جهش نرخ ارز و تورم شده بود. بازگشت تحریم‌ها باعث تشدید بسیاری از ناترازی‌ها از جمله ناترازی مالی دولت و همچنین ناترازی ارزی کشور شد.

ناترازی مالی دولت در نهایت باعث رشد پایه پولی و نقدینگی شده و از طرف دیگر، ناترازی ارزی ناشی از افت شدید فروش نفت هم باعث جهش نرخ ارز شده بود. هردو این موارد، باعث جهش نرخ تورم و رکورد شکنی آن در پایان دهه ۹۰ شدند.

انفعال سیاست‌گذاران وقت در حوزه اصلاح ساختار اقتصاد کشور باعث شده بود مشکلات برآمده از تحریم از جمله جهش نرخ ارز، التهاب کل‌های پولی، ناترازی‌ها و تورم بالا به شکل تکرارشونده‌ای ادامه یابند. (نمودار ۱)

در چنین شرایطی بود که محمدرضا فرزین بلافاصله پس از شروع به کار در بانک مرکزی، اجرای سیاست تثبیت اقتصادی را با هدف خارج کردن اقتصاد کشور از این چرخه معیوب را آغاز کند.

بانک مرکزی، تثبیت ارزی را محور اصلی بسته سیاستی تثبیت اقتصادی قرار داد. رئیس کل بانک مرکزی خرداد ماه سال گذشته و در سی‌امین همایش سیاست‌های پولی و ارزی، با اشاره به بی‌ثباتی بازار ارز و تأثیر چشمگیر آن بر بی‌ثباتی اقتصاد کشور، بر لزوم اجرای سیاست تثبیت برای دستیابی همزمان به دو هدف مهار تورم و رشد تولید تأکید کرد. رئیس کل بانک مرکزی علت تأکید بر تثبیت ارزی را اینگونه اعلام کرد: برای اجرای یک سیاست باید آن را در چارچوب یک نظریه علمی انجام دهیم. نظریه ما تثبیت اقتصادی است.

نرخ ارز در اقتصاد ما عامل اصلی بی‌ثباتی اقتصاد و تثبیت اقتصادی در این زمینه

ضروری است. نمی‌توان کنار نشست تا اقتصاد به ثبات برسد، برای ایجاد ثبات باید دخالت کرد. مجموعه سیاست‌هایی را که در بانک مرکزی و سایر دستگاه‌های اقتصادی انجام می‌دهند، به عنوان سیاست تثبیت می‌شناسیم. پس از اعلام سیاست تثبیت اقتصادی و تثبیت ارزی، بسیاری این سیاست را به معنای ثابت نگه داشتن نرخ ارز عنوان کردند.

فرزین اما در واکنش به این برداشت، تثبیت ارزی را به معنای ثبات بخشی به بازار ارز و پیش‌بینی پذیر کردن نرخ ارز عنوان کرد. رئیس کل بانک مرکزی خرداد ماه امسال در سی و یکمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی، هدف نهایی خود از اجرای سیاست تثبیت را اینگونه بیان کرد: ما در اقتصاد به دنبال ثبات مالی هستیم. ثبات مالی مفهومی عام تر از ثبات پولی و ثبات قیمت‌هاست.

طبق تعریف فدرال رزرو، ثبات مالی یعنی وضعیتی که در آن، بانک‌ها و اعتباردهندگان به خوبی تأمین مالی کنند و خانوار و بنگاه‌ها هم بدون آسیب پذیری از تکانه‌ها، تأمین مالی شوند.

### جنبه پولی سیاست تثبیت

مجموعه اقدامات بانک مرکزی در بسته سیاستی تثبیت را می‌توان به دو دسته سیاست‌های پولی و ارزی تقسیم کرد. در بخش پولی، سیاست کنترل رشد ترازنامه شبکه بانکی که از سال ۱۴۰۰ اجرای آن آغاز شده بود، تداوم یافت.

اولین هدف از اجرای این سیاست، جلوگیری از تجمع بیش‌تر ریسک در ترازنامه شبکه بانکی بود. علاوه بر این، کاهش سرعت رشد نقدینگی، هدف دیگری بانک مرکزی در این سیاست بود. اقدام دیگر بانک مرکزی در این حوزه، تقویت حکمرانی و ارتقای استانداردها در نظام پولی بود.

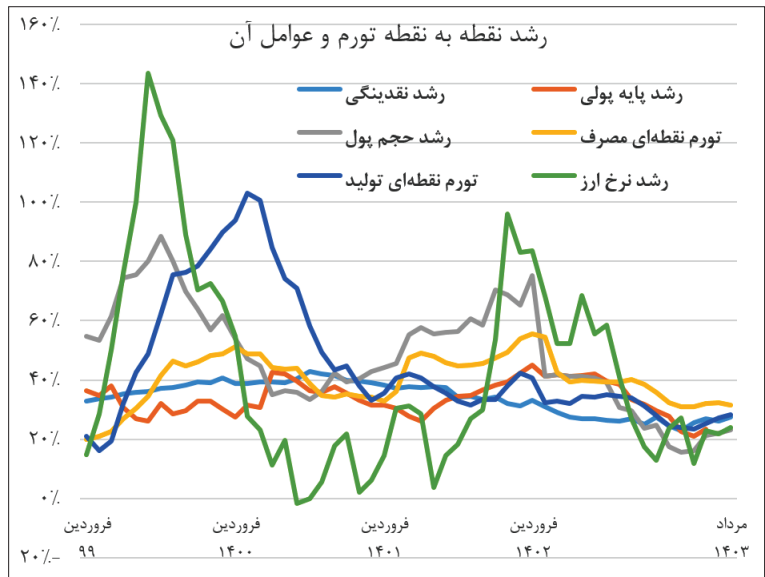
حذف موسسات اعتباری ناتراز از جمله نور و گاسپین و همچنین ارائه برنامه احیاء به بانک‌های ناتراز قابل احیاء، اقدامی بود که برای اصلاح نظام پولی و بانکی اجرا شد.

### تدابیر ارزی بانک مرکزی، ذیل سیاست تثبیت

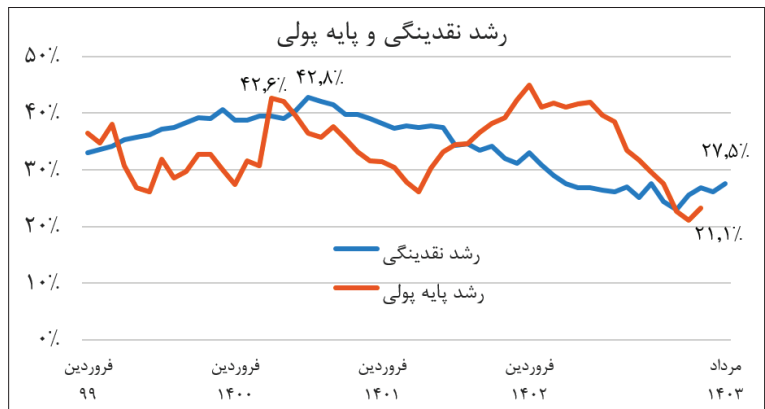
بخش اصلی اقدامات بانک مرکزی، اما در بخش ارزی بود. بانک مرکزی در میانه



نمودار ۱  
رشد نقطه به نقطه تورم و عوامل آن



نمودار ۲  
رشد نقدینگی و پایه پولی



طریق سیاست‌گذار بتواند حکمرانی ارزی خود را تقویت کرده و این مرکز به جای بازار غیررسمی به مرجع تعیین نرخ تبدیل شود. بانک مرکزی همچنین برای تعمیق و توسعه این بازار، برنامه‌ها و اقدامات دیگری را هم رونمایی و اجرا کرده است.

تعدیل تدریجی نرخ ارز در مرکز مبادله با هدف ترغیب صادرکنندگان به عرضه ارز و همچنین کاهش فاصله نرخ مرکز مبادله با نرخ آزاد، یکی از اقدامات بانک مرکزی برای عمق بخشی به این بازار بوده است. علاوه بر این، مقامات بانک مرکزی از برنامه خود برای راه‌اندازی ابزارهای معاملات آتی در

التهابات ارزی زمستان ۱۴۰۱ برای کم کردن اثر نوسانات ارزی بر معیشت مردم، اقدام به تخصیص ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی به تعداد محدودی از کالاهای اساسی مرتبط با معیشت مردم کرد.

این اقدام، تأثیر نوسانات ارزی بر معیشت مردم را به حداقل رساند و بدین ترتیب بخشی از انتظارات تورمی شکل گرفته را مهار کرد. اقدام دیگر سیاست‌گذار، راه‌اندازی مرکز مبادله ارز و طلا در اسفند ۱۴۰۱ بود. هدف بانک مرکزی از راه‌اندازی این مرکز، تجمیع عرضه و تقاضای ارز در آن و ایجاد یک بازار ارز قابل نظارت بود تا از این



ماه‌های آتی با هدف پوشش ریسک نرخ ارز برای فعالان اقتصادی خبر دادند. این اقدام می‌تواند آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از نوسانات نرخ ارز را کاهش دهد.

اقدام دیگر بانک مرکزی، توسعه روابط مالی و بانکی با دیگر کشورها به ویژه کشورهای درگیر در تحریم از جمله روسیه بوده است. بر این اساس نخستین پیمان دوجانبه پولی با روسیه منعقد شد.

رئیس کل بانک مرکزی در رابطه با این موضوع، گفت: در پایان دیدار دوجانبه با رئیس بانک مرکزی روسیه، قرارداد پیمان پولی دوجانبه به منظور تامین (معاضه) نقدینگی به پول‌های ملی برای تبادلات تجاری امضا شد و به زودی با افتتاح زیرساخت معاملات توافقی ریال برون مرزی (ریال آفشور) در مرکز مبادله ارز و طلا، دستورالعمل‌های لازم به شبکه بانکی و بازرگانان ابلاغ خواهد شد.

با اجرایی شدن پیمان پولی میان ایران و روسیه و استفاده از ارزهای ملی دو کشور برای تسویه مبادلات و سرمایه‌گذاری‌ها، زمینه برای گسترش تعاملات اقتصادی فراهم خواهد شد. کاهش ریسک، هزینه و سختی مبادلات، برخی از مهم‌ترین نتایج پیمان پولی ایران و روسیه است. فراهم شدن امکان تبادلات مالی با روسیه با تمرکززدایی از کانال‌های مالی تحت نظارت غرب و همچنین کاهش فشار تقاضا از ارزهای سه گانه دلار، یورو و درهم، دستاوردهای دیگر پیمان پولی میان دو کشور است.

در چنین شرایطی، شوک‌های ارزی با وجود محدودیت درآمدهای ارزی کمتر و خفیف‌تر خواهد شد. تشکیل کمیته ارزی و تهیه بودجه ارزی کشور بر اساس اولویت‌های اعلامی از سوی وزارتخانه‌های صمت، جهاد کشاورزی و بهداشت درمان و آموزش پزشکی یکی دیگر از اقدام‌های بانک مرکزی برای تثبیت بازار ارز بود.

تغییر در نحوه مداخله در بازار ارز هم از دیگر تحولات سیاستی در دو سال اخیر بود. تا پیش از این، مداخله بانک مرکزی در بازار ارز عمدتاً به ارزیابی گسترده برای سرکوب نرخ و حفظ یک نرخ ثابت خلاصه می‌شد. از دو سال پیش به این سو، اما سیاست‌گذار در مواجهه با نوسانات ارزی به جای توسل به ارزیابی و هدر دادن ذخایر ارزی اقدام به بازسازی می‌کند، به طوری که در دوران

آرامش بازار اقدام به خرید ارز کرده و این ارزها را در ایام التهاب قیمت‌ها به بازار تزریق می‌کند. بدین ترتیب دامنه نوسان نرخ در بازار ارز محدود شده و تعدیل نرخ به صورت تدریجی اتفاق می‌افتد.

علاوه بر موارد فوق، بانک مرکزی اقدامات دیگری هم در چارچوب سیاست تثبیت ارزی اجرا کرد. ساماندهی فعالان حوزه ارزی و حذف صرافی‌های غیرمجاز و محل بازار و همچنین جایگزین کردن ارزهای محلی به جای ارزهای سه گانه پُر تقاضا (دلار، درهم و یورو) برای مصارف مختلف نظیر تقاضای ارز برای سفر اربعین، برخی دیگر از اقدامات ارزی بانک مرکزی بودند.

### دستاوردهای سیاست تثبیت

نتایج سیاست‌های بانک مرکزی در حوزه‌های پولی و ارزی را می‌توان در شاخص‌های مختلف مورد سنجش قرار داد. نرخ رشد کل‌های پولی که در ماه‌های پایانی دولت گذشته از مرز ۴۰ درصد هم فراتر رفته بود، به میانگین بلندمدت خود بازگشته‌اند. طبق آخرین آمارهای بانک مرکزی، نرخ رشد پایه پولی در پایان خرداد ۱۴۰۳ به ۲۳٫۳ و نرخ رشد نقدینگی در پایان مرداد به ۲۷٫۵ درصد کاهش یافته است. (نمودار ۲)

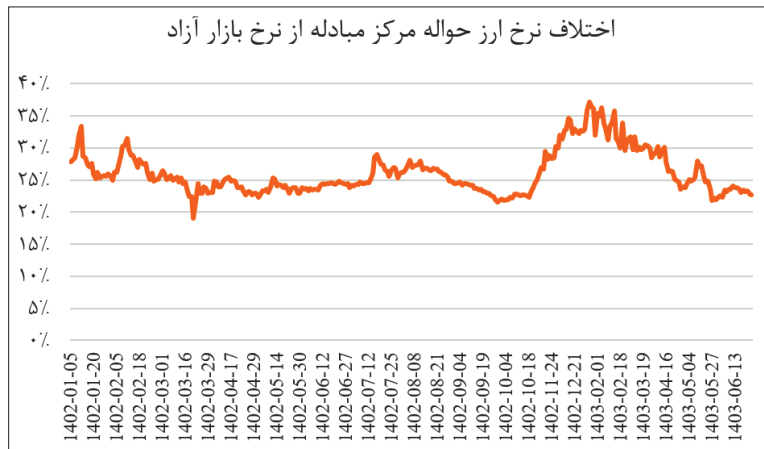
همچنین تدابیر ارزی بانک مرکزی باعث ارتقای ثبات بازار ارز، جلوگیری از جهش نرخ ارز و تعدیل تدریجی نرخ ارز با دامنه نوسان محدود و همچنین کاهش فاصله نرخ ارز در مرکز مبادله و بازار آزاد شد.

تدابیر بانک مرکزی برای ثبات بخشی به بازار ارز به حدی اثرگذار بود که شوک‌های سیاسی بی‌سابقه هم نتوانست نوسان شدید و البته ماندگاری در بازار غیررسمی ایجاد کند. مرور روند نرخ ارز در بازار غیررسمی از ابتدای ۱۴۰۳ تاکنون با وجود حوادث سیاسی مختلف، گواهی بر این موضوع است. (نمودار ۳)

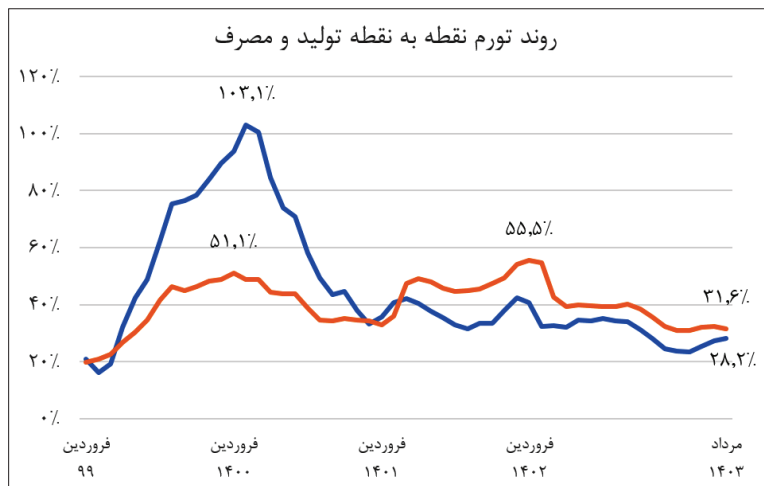
ثبات نرخ ارز طی یک سال و نیم اخیر، دستاوردهای مختلفی را برای اقتصاد کشور به همراه داشته است. کاهش تورم تولید و مصرف از جمله نتایج ثبات بازار ارز است. با توجه به حساسیت بالای بازارهای مختلف به نوسانات نرخ ارز و همچنین وابستگی بالای تولید به واردات، هرگونه التهاب در بازار ارز مستقیماً به رشد تورم در بخش تولید و مصرف منجر می‌شود.

روند نزولی تورم تولید و مصرف، شاهی

نمودار ۳  
اختلاف نرخ ارز حواله مرکز  
مبادله از نرخ بازار آزاد



نمودار ۴  
روند تورم نقطه به نقطه تولید  
و مصرف



ثبات بازار ارز، از دیگر دستاوردهای سیاست تثبیت بانک مرکزی طی یک سال و نیم اخیر است.

گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد "ثبات نرخ ارز"، مهم‌ترین عامل در بهبود امنیت سرمایه‌گذاری طی یک سال و نیم اخیر است.

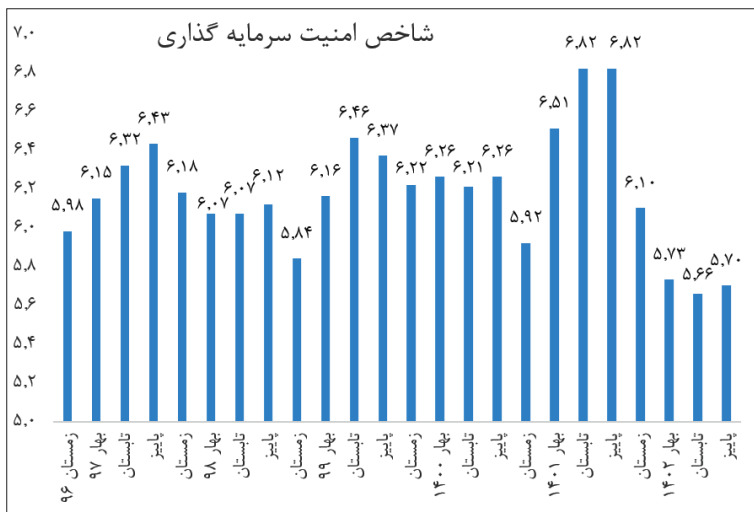
این مرکز در گزارش‌هایی با عنوان "پایش امنیت سرمایه‌گذاری به تفکیک استان‌ها و حوزه‌های کاری" با استفاده از آمارهای رسمی منتشر شده و در دسترس و نیز ارزیابی ۸۶۰۸ فعال اقتصادی نمونه از میان فعالان اقتصادی همه استان‌های کشور، وضعیت امنیت سرمایه‌گذاری در پاییز سال ۱۴۰۲ را با ۳۸ مولفه مختلف شامل ۱۷ مولفه آماری

دیگر از اثربخشی سیاست تثبیت به شمار می‌رود. (نمودار ۴)

ثبات بازار ارز همچنین به فروکش کردن انتظارات تورمی هم منجر شده است. شاخص رشد حجم پول که بازتابی از وضعیت انتظارات تورمی است، با اجرای سیاست تثبیت به میزان چشمگیری کاهش یافته است. نرخ رشد حجم پول که در سال ۹۹ به عدد بی‌سابقه ۸۸.۶ درصد و در فروردین ۱۴۰۲ به ۷۵.۱ درصد هم رسیده بود، در پایان مرداد ۱۴۰۳ به ۲۳ درصد کاهش یافت.

## بهبود امنیت سرمایه‌گذاری در سایه ثبات ارزی

بهبود امنیت سرمایه‌گذاری در سایه ارتقای



نمودار ۵

شاخص امنیت  
سرمایه گذاری

پیشگیری از بروز تهدیدهای جدید یا تکرار موارد پیشین است. کسری بودجه، افت درآمد ارزی، ناترازی انرژی، شوک های سیاسی در عرصه داخلی و خارجی، برخی از مهم ترین عواملی هستند که می توانند ثبات ارزی کنونی را به خطر اندازند. علاوه بر این موارد، تغییر ناگهانی سیاست ارزی تهدید دیگری است که می تواند آرامش بازار ارز و سایر بازارها را به خطر اندازد. اکنون با مستقر شدن دولت چهاردهم، رویکرد اقتصادی دولت جدید محل بحث کارشناسان است. یکی از مسائلی که اکنون در رابطه با سیاست های اقتصادی دولت مطرح است، نحوه تغییر یا اصلاح سیاست ها است. به عنوان مثال در صورت هدف گذاری دولت جدید برای تک نرخ کردن ارز، مسیر گذار به این هدف، مسئله مهمی است که پاسخ به آن می تواند موفقیت یا شکست دولت در رسیدن به این هدف را تعیین کند. در شرایطی که بسیاری از بازارها پس از یک سال و نیم گذشته به ثبات نسبی رسیده، هر نوع تغییر ناگهانی سیاست ارزی و حذف دفعی نرخ های ترجیحی و مرکز مبادله، با ایجاد شوک به بازارها می تواند اقتصاد کشور را مجددا درگیر بی ثباتی های سال های پایانی دهه ۹۰ کند. در این شرایط، پایبندی به روند تدریجی تغییر سیاست ها، می تواند اهداف مدنظر دولت را بدون برهم زدن ثبات بازارها محقق کند.

(عددی) و ۲۱ مولفه غیرآماري (پیمایشی) که در ۷ نماگر این گزارش شامل عملکرد دولت،

ثبات اقتصاد کلان، فرهنگ وفای به عهد و صداقت و درستی، تعریف و تضمین حقوق مالکیت، ثبات و پیش بینی پذیری مقررات و رویه های اجرایی، شفافیت و سلامت اداری و همچنین مصونیت جان و مال شهروندان از تعرض است. گزارش اخیر مرکز پژوهش های مجلس، بیست و چهارمین سنجش پی در پی و فصلی "شاخص امنیت سرمایه گذاری در ایران" است که اولین سنجش آن در زمستان ۹۶ انجام شد. گزارش مرکز پژوهش ها نشان می دهد شاخص امنیت سرمایه گذاری در سه فصل ابتدایی ۱۴۰۲ به بهترین وضعیت خود از ابتدای اندازه گیری این شاخص (زمستان ۹۶) تاکنون رسیده است. (نمودار ۵)

بررسی جزئیات این گزارش نشان می دهد که مهم ترین عامل بهبود امنیت سرمایه گذاری در این مدت، ثبات نرخ ارز است. در آخرین گزارش این مرکز که وضعیت امنیت سرمایه گذاری در پاییز ۱۴۰۲ را بررسی کرده، با ثبت کمترین نمره، بهترین وضعیت را در میان تمام مولفه های موثر بر امنیت سرمایه گذاری ثبت کرده است.

### تهدیدهای ثبات ارزی

صیانت از ثبات ارزی ایجاد شده، مستلزم رفع تدریجی تهدیدهای حاضر و همچنین

۶۰



اقتصاد

• شماره ۵۸ - مهر ۱۴۰۳ •



سایه نفت بر نظام بانکداری عربستان

## احتمال اعمال سیاست‌های پولی ریاضتی در عربستان

- بازار مالی عربستان سعودی، بزرگترین بازار بانکداری اسلامی و بازار بیمه منطبق با شریعت در جهان است
- نرخ رشد اعتبارات و تسهیلات بانکی به ویژه وام‌های کلان شرکتی و نهادی، در چشم‌انداز کوتاه‌مدت پیش‌رو، کاهش خواهد بود
- چشم‌انداز کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت ۲۰۳۲ صنعت مدیریت دارایی عربستان بسیار روشن و مثبت است
- نظام بانکداری عربستان از سرمایه خوبی برخوردار بوده و با اینکه در معرض نوسانات قیمت نفت قرار دارد، دارای یک پایه تامین مالی پایدار است

۶۱



اقتصاد

● شماره ۵۸ - مهر ۱۴۰۳ ●

چشم‌انداز  
مثبتی به  
عملکرد بستر  
جامع خدمات  
بانکی و مالی  
عربستان  
سعودی تا ۱۰  
سال آینده  
یعنی تا پایان  
افق بلندمدت  
۲۰۳۲ وجود دارد

بررسی تحلیل موسسه اعتبارسنجی فیچ نشان می‌دهد که چشم‌انداز مثبتی به عملکرد بستر جامع خدمات بانکی و مالی عربستان سعودی تا ۱۰ سال آینده، یعنی تا پایان افق بلندمدت ۲۰۳۲ وجود دارد. در حقیقت در چشم‌انداز میان‌مدت و بلندمدت، عربستان فرصت‌های زیادی را برای بانک‌ها، فعالان بیمه، فعالان بازارهای سرمایه، شرکت‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری که به دنبال گسترش قلمرو فعالیت خود و ورود به دومین بازار مصرف‌کننده بزرگ در خاورمیانه (پس از مصر) هستند، فراهم خواهد کرد. بدین ترتیب انتظار می‌رود عملکرد قدرتمند صنعت متمول بانکداری عربستان، همراه با چشم‌انداز مثبت رشد در بازار سهام و صنعت مدیریت دارایی این کشور، عملکرد بستر جامع خدمات مالی و بانکی عربستان سعودی را با وجود تداوم کاهش قیمت نفت و گاز در بازارهای جهانی، بهبود بخشد. همچنین صنعت بیمه این کشور، با وجود توسعه نیافتگی در بخش بیمه عمر، به پیشرفت و گسترش بازارهای خود ادامه خواهد داد. البته ماندگاری اثرات پیامدهای منفی ناشی از پاندمی کرونا، نگرانی‌های عدیده‌ای را برای پادشاهی عربستان به وجود آورده است، اما با این حال، به سبب بافرها و بنیان‌های سرمایه‌ای پُر قدرت و وجود جریان نقدینگی بالا در سراسر صنعت مالی و بانکی عربستان سعودی، احتمال اثرگذاری شدید تنش‌ها و چالش‌های نامطلوب اقتصادی کوتاه‌مدت بر این بستر، ممکن نیست.

صنعت بانکداری تجاری عربستان سعودی بر پایه‌های نظام‌مند و محکم ناشی از وجود بنیان‌های سرمایه‌ای قدرتمند استوار است و برنامه‌های بلندپروازانه و متنوع اقتصادی، بانکی و مالی دولت عربستان، فرصت‌های قابل توجهی را برای افزایش سرعت رشد تقاضای تسهیلات اعتباری خرد و کلان، به ویژه در چشم‌انداز میان‌مدت و بلندمدت ۲۰۳۲ فراهم خواهد کرد. همچنین این صنعت در چند سال گذشته به دلیل بازدهی خالص مثبت و رشد کل دارایی‌های بالقوه خود، عملکرد خوبی داشته است. از سوی دیگر، ابتکارات جدید دولت عربستان برای افزایش نرخ خانه‌دار شدن شهروندان این کشور، موجب رونق قابل توجه در تقاضای وام‌های رهنی، حتی در دوره شیوع همه‌گیری کرونا شده بود که به نظر می‌رسد این روند در افق کوتاه‌مدت پیش‌رو نیز ادامه یابد.

چشم‌انداز مثبت آتی صنعت بیمه عربستان سعودی که از افت قیمت نفت در سال ۲۰۱۴ تا به امروز همچنان متضرر مانده، در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. در حقیقت، بسیاری از فعالان این بازار و بیمه‌گران حرفه‌ای هنوز نتوانسته‌اند زبان‌های قابل توجه چند سال گذشته خود را پوشش دهند و به همین دلیل، متحمل‌ترین سناریو در افق کوتاه‌مدت پیش‌رو در این صنعت، پیش‌بینی افزایش روند ادغام و تملک شرکت‌های بیمه‌ای کوچک و متوسط است. همچنین با توجه به امکانات رفاهی بیمه‌ای سخاوتمندانه‌ای که دولت عربستان سعودی به اتباع خارجی تخصیص داده و همچنین جذابیت خدمات بیمه‌ای موجود در بقیه بازارهای شورای همکاری خلیج فارس (GCC) برای مهاجران، نرخ تقاضا برای بیمه‌های عمر ارائه شده توسط بیمه‌گران عربستانی در سال‌های آتی نیز کاهش خواهد یافت. همین امر موجب شده که با وجود پیش‌بینی رشد پیوسته و توسعه بازار بیمه‌های عمومی و تخصصی، به ویژه در حوزه بیمه وسائط نقلیه و بیمه‌های درمانی اجباری در افق میان‌مدت و بلندمدت ۲۰۳۲، عدم توسعه بخش بیمه عمر و سهم کمتر از ۳ درصدی آن از کل صنعت بیمه عربستان سعودی، نگران‌کننده شود.

از آنجایی که عربستان سعودی، بیشترین تعداد صندوق‌های سرمایه‌گذاری مستقر و فعال را در بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را دارد و در چند سال گذشته، شاهد رشد قابل توجهی در این بستر بوده است، به همین دلیل چشم‌انداز کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت ۲۰۳۲ به صنعت مدیریت دارایی عربستان بسیار روشن و مثبت است. دستور اجرای اصلاحات جامع اقتصادی از سوی پادشاهی عربستان که در قالب طرح برنامه تحول ملی عملیاتی شد، موجب خصوصی‌سازی چندین شرکت بزرگ دولتی و همچنین توسعه سرمایه‌گذاری‌ها در بخش‌های کلیدی اقتصاد و بانکداری این کشور شد. همین امر فرصت‌های قابل توجهی را برای رشد پایدار در صنعت مدیریت دارایی عربستان ایجاد کرد. در کنار این مسئله، حمایت کامل سازمان بازار سرمایه عربستان و سایر وزارتخانه‌های دولتی، به مدیران صندوق‌ها و شرکت‌های مدیریت دارایی فعال در این کشور این امکان را داد که از سرمایه‌گذاری‌های ثابت و عمده خود در بخش املاک و مستغلات به سوی سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌های متنوع اقتصاد داخلی و خارجی، به ویژه سهام بورسی حرکت کنند. از سوی دیگر، در تلاش برای حمایت از رشد بلندمدت اقتصاد عربستان سعودی، بسیاری از سرمایه‌گذاران و فعالان حوزه مدیریت



ابتکارات  
جدید دولت  
عربستان برای  
افزایش نرخ  
خانه دار شدن  
شهروندان این  
کشور، موجب  
رونق قابل توجه  
در تقاضای  
وام های  
رهنی، حتی  
در دوره شیوع  
همه گیری کرونا  
شده بود

ریال عربستان برسد که نسبت به وضعیت فعلی، یک رشد چشمگیر ۳۳۰۵ درصدی را تجربه خواهد کرد.

پیش بینی شده ارزش معاملات بورس اوراق بهادار عربستان موسوم به "بورس تداول/Tadawul" در پایان چشم انداز کوتاه مدت، یک رشد ۸۰۷ درصدی را نسبت به وضعیت فعلی تجربه کند که در مقایسه با دوره اوج رشد معاملاتی خود در سال ۲۰۲۱ (با رشد ۳۴۰۵ درصدی)، کاهش معناداری محسوب می شود. همچنین انتظار می رود که ارزش کل عرضه های اولیه جدید در این بستر بورسی تا پایان افق کوتاه مدت، با رشد مثبت ۱۲۰۲ درصدی روپرو شود.

### وضعیت شاخص ریسک صنعت مالی و بانکداری عربستان سعودی

محاسبه امتیاز شاخص ریسک صنعت بانکداری برای عربستان سعودی (BIRI)، عدد ۷۱۰۷۸ از ۱۰۰ را نشان می دهد که حکایت از سطوح به شدت پایین ریسک بخش بانکی برای اتمسفر مالی و اقتصادی عربستان دارد. با این امتیاز، عربستان در رتبه بندی ۱۲۲ کشوری این شاخص، در جایگاه بیست و هفتم جهان قرار گرفته است. امتیاز BIRI بالای عربستان سعودی نسبت به سایر همتایان منطقه ای خود، به ویژه در بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نشان دهنده این است که نظام بانکداری عربستان از سرمایه خوبی برخوردار بوده و با اینکه در معرض نوسانات قیمت نفت قرار دارد، دارای یک پایه تامین مالی به طور کلی پایدار، بستر بانکداری سالم و بنیان های اقتصادی کلان قوی است.

### تحلیل بازار خدمات بانکی و مالی عربستان سعودی بر مبنای ماتریس SWOT

#### نقاط ضعف

- فعالیت وام دهی بانک های عربستان همچنان به دولت وابسته است که در نتیجه نوسانات قیمت نفت، در معرض نوسانات شدید قرار می گیرد.
- کاهش نقدینگی، مشکل فزاینده ای را برای بانک های سعودی ایجاد خواهد کرد، به خصوص که ما انتظار بهبود قریب الوقوع قیمت نفت و انرژی را در افق کوتاه مدت پیش رو نداریم.
- بازار بانکی و بیمه عربستان، بازارهای نسبتاً نابالغ با سطوح پایین نوآوری در محصولات و خدمات است.
- صنعت بیمه عربستان بسیار پراکنده، با چندین بازیگر انحصاری است که در چند سال گذشته نتوانسته اند به سودآوری دست یابند.

دارایی در این کشور تشویق شده اند تا با دریافت امتیازات ویژه، به جای خروج سرمایه خود از کشور، در پروژه های داخلی سرمایه گذاری کنند.

استراتژی انجام اصلاحات در بازار سرمایه عربستان سعودی، به حمایت از رشد این بستر در چشم انداز میان مدت و بلندمدت ۲۰۳۲، کمک شایان خواهد کرد. بورس عربستان با اینکه به تازگی و از سال ۲۰۱۵ درب های خود را به روی سرمایه گذاران خارجی باز کرده است، اما به خوبی توانسته جایگاه خود را در بین بازارهای سهامی توسعه یافته نوپا، تثبیت کند که یکی از نمونه های درخشان آن، قرار گرفتن رسمی بازار بورس اوراق بهادار عربستان سعودی در شاخص بازارهای نوظهور از Morgan Stanley Capital International ماه می ۲۰۱۹ بوده است. به نظر می رسد که کاهش پیچیدگی های حقوقی این بازار توسط دولت عربستان، به ویژه تعدیل قابل توجه در مقررات سرمایه گذاری نهادی خارجی، موجب افزایش روند جذب سرمایه گذاران بین المللی به بورس عربستان شود. همچنین گسترش حجم عرضه های اولیه جدید در افق کوتاه مدت پیش رو، موقعیت بازار سرمایه عربستان را در منطقه تقویت خواهد کرد.

### خلاصه چشم انداز نسبت به آخرین روندها و تحولات

تخمین زده شده که با توجه به ادامه التهابات اقتصاد جهانی و بالا بودن متوسط نرخ تورم در عربستان سعودی و همچنین تداوم افزایش نرخ بهره و کاهش قیمت نفت، نرخ رشد اعتبارات و تسهیلات بانکی به ویژه وام های کلان شرکتی و نهادی، در چشم انداز کوتاه مدت پیش رو، به ۷۰۸ درصد برسد که در مقابل رشد ۱۴۰۱ درصد فعلی، کاهش قابل توجه و چشمگیر محسوب می شود.

انتظار می رود که نرخ رشد کل صنعت بیمه عربستان سعودی در پایان افق کوتاه مدت، کاهش ۴۰۴ درصدی را تجربه کند که ناشی از کاهش ۵۰۶ درصدی در نرخ حق بیمه های ثبت شده رسمی در بخش بیمه عمر و کاهش ۴۰۷ درصدی در نرخ حق بیمه های ثبت شده رسمی در بخش بیمه های عمومی و تخصصی خواهد بود. از سوی دیگر، پیش بینی شده که با آفرهای دولتی قابل ارائه در سال های آتی، همچنان بخش بیمه عمر حتی تا پایان افق بلندمدت ۲۰۳۲ نیز کمترین سهم را در بازار به خود اختصاص دهد و بیمه های عمومی و تخصصی، راهبران این صنعت باشند. پیش بینی شده که در پایان افق کوتاه مدت پیش رو، کل دارایی های تحت مدیریت در صندوق های سرمایه گذاری عربستان سعودی به ۹۷۰۰۸ میلیارد



پیش بینی شده  
که در پایان  
افق کوتاه مدت  
پیش رو، کل  
دارایی های  
تحت مدیریت  
در صندوق های  
سرمایه گذاری  
عربستان  
سعودی به  
۹۷۰۰۸ میلیارد  
ریال عربستان  
برسد

• برنامه های رفاهی قابل توجه دولت، تقاضا برای محصولات بیمه ای را به شدت کاهش داده است.

#### نقاط قوت

- بازار مالی عربستان سعودی، بزرگترین بازار بانکداری اسلامی و بازار بیمه منطبق با شریعت در جهان است.
- بهبود محیط نظارتی در صنعت مالی و بانکی عربستان، با شفافیت پذیری و افزایش سطح حفاظت از فعالان این بستر همراه خواهد بود.
- صنعت مدیریت دارایی عربستان، دارای بزرگترین صندوق های سرمایه گذاری منطبق با شریعت در جهان است که طیف وسیعی از محصولات تکافل را ارائه می دهد.
- سیستم بانکی عربستان دارای سرمایه خوبی است و به طور کلی با ثبات است و بانک های تجاری این کشور موظفند نسبت وام به سپرده خود را در محدوده ۹۰ درصد نگه دارند.

• حمایت دولت در حوزه مالی و بانکی کاملاً واقعی و عملیاتی است. هیچ بانک سعودی تا به امروز ورشکست نشده و دولت در بسیاری از بانک های بزرگ، سهام دارد.

• برنامه های دولت برای بهره برداری گسترده از بازارهای اوراق قرضه داخلی در سال های آینده، منبع رشد جدیدی برای بانک های سعودی ایجاد خواهد کرد.

#### تهدیدها

- فرصت های موجود، تعدادی کثیری از فعالان مالی جدید را جذب کرده و رقابت را در بخش های مختلف این صنعت، سخت تر خواهد کرد.
- بدتر شدن محیط اقتصاد کلان عربستان به دلیل رکود قیمت نفت، تقاضا برای اعتبارات بانکی را کاهش می دهد.
- بدهی قابل توجه دولت، سرعت صدور اوراق بدهی داخلی را کاهش می دهد.
- تجمع شرکت های مالی و بیمه، باعث تقویت جایگاه رقبای منطقه ای می شود.

#### فرصت ها

- برنامه های دولت در راستای افزایش نرخ خانه دار شدن شهروندان این کشور، باعث افزایش

تقاضا برای تسهیلات مسکن در چند سال آینده خواهد شد.

• خصوصی سازی بسیاری از شرکت های دولتی سعودی، فرصت قابل توجهی را برای بانک ها و صندوق های سرمایه گذاری فعال در این کشور ایجاد خواهد کرد.

• بهبود سریع چارچوب قانونی و نظارتی صنعت مالی و بانکی عربستان، به حمایت از رشد این بخش کمک خواهد کرد.

• طبقه متوسط بزرگ و جمعیت جوان این کشور، باعث افزایش تقاضا برای محصولات مالی کلیدی خواهد شد.

• صنعت بانکداری عربستان از نظر نسبت دارایی های بانکی به تولید ناخالص داخلی، امکان پیشرفت و رشد بالقوه دارد.

• برنامه های بلند پروازانه دولت در تنوع بخشی به فرصت های اقتصادی، امکان افزایش تقاضای نرخ وام دهی را طی پنج سال آینده فراهم خواهد کرد.

### بازار خدمات صنعت بانکداری در عربستان سعودی

صنعت بانکداری تجاری عربستان سعودی همچنان در جایگاه ویژه ای در بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس قرار دارد. برنامه های بلند پروازانه تنوع بخشی اقتصادی دولت سعودی، فرصت های بهینه ای را در سال های آتی در جهت افزایش نرخ تقاضا و دریافت تسهیلات بانکی ایجاد خواهد کرد. همچنین طرح جدید دولت عربستان برای افزایش نرخ خانه دار شدن شهروندان این کشور، موجب رونق قابل توجه در تقاضای وام های رهنی، در افق کوتاه مدت و میان مدت پیش رو خواهد شد. از سوی دیگر، وجود بنیان های سرمایه ای قدرتمند در صنعت بانکداری عربستان، حجم وام های غیر جاری (NPL) را تا پایان چشم انداز بلند مدت ۲۰۳۲، در سطوح پایینی قرار خواهد داد و این صنعت، تهدیدی برای اتمسفر مالی و بانکی عربستان نخواهد بود. پیش بینی شده است که در افق کوتاه مدت



### حمایت واقعی دولت عربستان از بانک ها

حمایت دولت عربستان در حوزه مالی و بانکی کاملاً واقعی و عملیاتی است. هیچ بانک سعودی تا به امروز ورشکست نشده و دولت در بسیاری از بانک های بزرگ، سهام دارد.

فعالیت  
وام‌دهی  
بانک‌های  
عربستان  
همچنان به  
دولت وابسته  
است که در  
نتیجه نوسانات  
قیمت نفت  
در معرض  
نوسانات شدید  
قرار می‌گیرد

صنعت بانکداری عربستان به شدت پایین است که علت اصلی آن، رعایت فراتر از استاندارد نسبت وام به سپرده‌ها (حدود ۹۰ درصد که بالاتر از استانداردهای منطقه‌ای و جهانی است) و حجم بسیار پایین وام‌های غیرجاری، در حدود کمی بالاتر از دو درصد است. تلاش نظام بانکی عربستان در راستای توسعه بسترهای اعتباری و تسهیلات خُرده‌فروشی در سال‌های آتی، می‌تواند امکان جایگزین شدن عربستان سعودی به جای مصر به عنوان بزرگترین بازار مالی و بانکی در خاورمیانه را تا پایان افق بلندمدت ۲۰۳۲، محتمل نماید.

### بانک‌های عامل برتر عربستان سعودی در افق ۲۰۳۲

#### ● شرکت خدمات بانکداری و مالی بانک الاهلی سعودی (SNB)

بانک الاهلی سعودی از طریق ادغام با بانک تجاری ملی عربستان و گروه مالی سامبا در سال ۲۰۲۱، به سومین بانک بزرگ در بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از منظر حجم و ارزش دارایی‌ها تبدیل شد و در حال حاضر، سرمایه‌دارترین بانک سعودی با میزان دارایی ۹۴۶ میلیارد ریال عربستان است. این بانک در سال ۱۹۵۳ تأسیس شد و در حال حاضر به حدود ۱۲۰۲ میلیون مشتری از طریق ۱۶ هزار کارمند در ۴۹۴ شعبه و با ۱۳۰ کیوسک سلف سرویس، ۱۲۷۰۰۰۰ پایانه POS، ۹۵۰ دستگاه واریز پول نقد و ۳۸۳۹ دستگاه خودپرداز، خدمات‌رسانی می‌کند.

۳۷ درصد از مالکیت بانک الاهلی متعلق به صندوق سرمایه‌گذاری پادشاهی سعودی و صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان است. این بانک ۲۹ درصد از سهم کل دارایی‌های بانکی عربستان، ۲۰۰۸ درصد از وام‌های کلان نهادی و شرکتی، ۲۸۰۲ درصد از بازار بانکداری خُرده‌فروشی و ۳۶۰۸ درصد از تجارت خزانه‌داری را در اختیار دارد. همچنین بانک الاهلی حضور گسترده‌ای در بستر بازار سرمایه و صنعت مدیریت دارایی عربستان دارد، به طوری که به عنوان یک صندوق سرمایه‌گذاری پیشگام، ۳۳۰۱ درصد از سهم بازار سرمایه و مدیریت دارایی ۱۸۰۲۵ درصد از سهم علم‌یاتی کارگزاری این دو بازار را در اختیار دارد.

#### ● بانک الراجهی عربستان (Al Rajhi Bank)

بانک الراجهی عربستان با ارزش دارایی ۷۷۶ میلیارد ریال عربستان، در جایگاه دومین بانک بزرگ تجاری این کشور قرار گرفته است. الراجهی یکی از بزرگترین بانک‌های اسلامی در جهان است که به خاطر اصول بانکداری اسلامی

پیش‌رو، نرخ رشد تسهیلات شرکتی و تسهیلات نهادی، به ترتیب به ۶۰۸ درصد و ۸۰۷ درصد برسد که نسبت به نرخ رشد متوسط ۴۰۲ درصدی ۴۰۹ درصدی فعلی، افزایش خوبی را تجربه خواهد کرد. از آنجا که چشم‌انداز اقتصاد عربستان سعودی در افق کوتاه‌مدت، روند آهسته‌تر و کندتری را به ما نشان می‌دهد، به همین دلیل، احتمال رشد قابل توجه و محسوس در حجم اعتبارات و ارزش دارایی‌های این صنعت، به شدت پایین خواهد بود. در حقیقت، پیش‌بینی کاهش تولید ناخالص داخلی واقعی به ۲۰۲ درصد، نسبت به نرخ ۳۰۸ درصدی فعلی و نرخ ۸۰۷ درصدی سال ۲۰۲۲، علت این مسئله خواهد بود که این کاهش نیز عمدتاً ناشی از کندی تحرکات قیمت نفت و گاز خواهد بود. ادامه روند کاهش قیمت نفت در سال‌های آتی، تأثیر منفی بر صنعت بانکداری عربستان خواهد داشت و بانک مرکزی این کشور مجبور خواهد شد که سیاست‌های پولی ریاضتی‌تری را اعمال نماید. با این حال پیش‌بینی شده که با شروع چشم‌انداز میان‌مدت، شاهد بهبود درآمدها و روند سودآوری بانک‌های تجاری عربستانی باشیم. در حقیقت انتظاری رود که در پایان افق میان‌مدت ۲۰۲۷، مجموع سودآوری ناخالص ۱۰ بانک برتر سعودی، به ۱۶۰۷ میلیارد دلار و در پایان چشم‌انداز بلندمدت ۲۰۳۲، به ۳۳۰۸ میلیارد دلار برسد که یک افزایش ۲۸۰۴ درصدی نسبت به وضعیت فعلی خواهد بود.

از سوی دیگر، وام‌های رهنی خُرده و تسهیلات مسکن، یکی از موتورهای کلیدی رشد اعتبارات بانکی در پنج سال گذشته در صنعت بانکداری عربستان سعودی بوده که در حال حاضر با توجه التهابات اقتصاد داخلی این کشور، شروع به کاهش کرده است. به طوری که پیش‌بینی شده تمایل و تقاضا برای خرید خانه در ریاض، از ۸۴ درصد فعلی به ۴۰ درصد در پایان افق کوتاه‌مدت پیش‌رو کاهش یابد.

### چشم‌انداز رقابتی آتی در صنعت بانکداری عربستان سعودی

عربستان سعودی بزرگترین بازار بانکداری اسلامی در جهان را دارد. صنعت بانکداری عربستان به خوبی توسط رگولاتورهای کارآمد، بنیان‌های سرمایه‌ای قدرتمند، جریان نقدینگی بالا و نظارت فراگیر و یکپارچه بانک مرکزی این کشور (ساما)، حمایت می‌شود. به همین دلیل، هیچکدام از بانک‌های سعودی تا به امروز، ورشکستگی مالی را تجربه نکرده‌اند. ریسک

سیستم بانکی  
عربستان دارای  
سرمایه خوب  
و باثبات است  
و بانک‌های  
تجاری موظفند  
نسبت وام به  
سپرده خود را  
در محدوده ۹۰  
درصد نگه دارند

عمیقاً ریشه‌دار و توانایی‌اش در پُر کردن شکاف  
بین تقاضاهای مالی مدرن و ارزش‌های اسلامی  
و در عین حال پیشگامی در استانداردهای مالی  
و بانکی صنعتی و توسعه‌ای متعدد، مشهور شده  
است. بانک الراجهی دارای یک شبکه گسترده  
بانکی مشتمل بر ۱۳ هزار پرسنل در بیش از ۵۰۰  
شعبه، بیش از ۱۱۸ شعبه اختصاصی بانوان،  
بیش از ۴۱۰۰ دستگاه خودپرداز، ۴۶۰۰۰ پایانه  
فروش نصب شده برای بازرگانان، به ۱۴ میلیون  
مشتری به عنوان بزرگترین پایگاه مشتریان نظام  
بانکی سعودی، خدمت‌رسانی می‌کند. این  
بانک با ده‌ها شعبه و نمایندگی خارج از کشور،  
حضور بین‌المللی خود را در حال گسترش  
دادن است. مالزی اولین مقصد بانک الراجهی  
در حوزه فعالیت‌های خارجی بوده که به موجب  
آن، محصولات و خدمات اصلی بانکداری  
سعودی، به ویژه در حوزه بانکداری اسلامی  
به بازار آسیا معرفی شدند. این بانک در حال  
حاضر ۲۴ شعبه در مالزی، ۱۱ شعبه در کویت و ۶  
شعبه در عمان دارد. همچنین بانک الراجهی  
در بازار بورس اوراق بهادار عربستان فهرست  
شده است.

#### • شرکت خدمات بانکداری و مالی عربستانی بانک ریاض (Riyad Bank)

شرکت خدمات بانکداری و مالی بانک ریاض،  
سومین نهاد بانکی و مالی بزرگ پادشاهی  
سعودی با حجم دارایی ۳۶۰ میلیارد ریال  
عربستان است. این بانک که در سال ۱۹۵۷  
تأسیس شد در حال حاضر، طیف گسترده‌ای  
از محصولات و خدمات منطبق با شریعت را  
برای مشتریان خرده‌فروشی و شرکتی، از جمله  
شرکت‌های کوچک و متوسط ارائه می‌دهد.  
همچنین در حوزه محصولات صندوق‌های  
سرمایه‌گذاری مشترک، تأمین مالی تجارت  
الکترونیک، خدمات خزانه‌داری، تأمین مالی  
و مشاوره IPO برای بخش‌های نفت، گاز و  
پتروشیمی، فعال است. خدمات‌رسانی بانک  
ریاض مشتمل بر بیش از ۳۰۰ شعبه، ۸۱ شعبه  
اختصاصی ویژه بانوان و ۱۹ شعبه الکترونیکی  
سلف سرویس و بیش از ۲۷۰۰ دستگاه باجه  
اتوماتیک است. همچنین این بانک دفاتری در  
لندن، هیوستون و سنگاپور دارد. بانک ریاض،  
یکی نهاد‌های مالی پیشگام در حوزه تأمین  
مالی وام‌های سندیکایی در بخش نفت و  
پتروشیمی و در بسیاری از پروژه‌های زیرساختی  
کلیدی پادشاهی سعودی است. ریاض کپیتال،  
صندوق سرمایه‌گذاری وابسته به بانک ریاض،  
یکی از بازیگران اصلی صنعت مدیریت دارایی

عربستان است. بانک ریاض در بورس اوراق  
بهادار عربستان موسوم به "بورس تداول/  
Tadawul فهرست شده است.

#### • هلدینگ مالی عربستانی-بریتانیایی سعودی بریتیش بانک (Saudi British Bank/SABB)

هلدینگ مالی سعودی بریتیش بانک، با مجموع  
دارایی ۳۱۵ میلیارد ریال عربستان، چهارمین  
بانک بزرگ تجاری در عربستان از منظر ارزش و  
حجم دارایی است. این بانک بخشی از مالکیت  
گروه بانکداری بریتانیایی-اچ‌اس‌بی‌سی (HSBC)  
محسوب می‌شود. در ژوئن ۲۰۱۹، سعودی بریتیش  
بانک با بانک محلی آوال (Awwal) ادغام شد.  
این بانک، بخش اعظمی از خدمات بانکداری  
خرده‌فروشی را برای اتباع سعودی و مهاجران و  
همچنین یک کیچ پیشنهادی خدمات مالی و  
بانکی جامع برای شرکت‌های کوچک و متوسط  
را بر مبنای متد HSBC ارائه می‌دهد. همچنین  
سعودی بریتیش بانک، یک نهاد مالی پیشرو در  
ارائه خدمات به موسسات مالی چندملیتی در  
داخل و خارج عربستان و یک بانک نوآور در حوزه  
خدمات بانکداری دیجیتال است. این بانک  
۱۰۴ میلیون مشتری خرده‌فروشی و ۱۱۰۰۰ مشتری  
شرکتی و سازمانی دارد. سعودی بریتیش بانک در  
بازار بورس اوراق بهادار عربستان فهرست شده  
است.

#### • شرکت خدمات بانکداری و مالی بانک سعودی فرانسه (Banque Saudi Fransi/BSF)

شرکت خدمات بانکداری و مالی بانک سعودی  
فرانسه، با ارزش دارایی ۲۲۳ میلیارد ریال، در  
جایگاه پنجمین بانک بزرگ تجاری عربستان قرار  
گرفته است. این بانک در سال ۱۹۷۷ تأسیس شده  
و در حال حاضر، طیف گامی از خدمات بانکداری  
شخصی و شرکتی را به ۵ میلیون مشتری خود در  
قالب فعالیت ۳۱۰۰ گامند در ۸۴ شعبه و یک شبکه  
خودپرداز با ۵۶۳ دستگاه، ارائه می‌دهد.

#### بازار خدمات صنعت بیمه در عربستان سعودی

صنعت بیمه عربستان سعودی تحت سلطه بخش  
بیمه‌های عمومی و تخصصی با حدود ۹۶ درصد  
از کل حق بیمه‌های این بازار است و حوزه بیمه  
عمر در این صنعت، به شدت ضعیف و کم تقاضا  
است. دوشرکت بزرگ بیمه‌گر عربستانی، بیش از  
۵۰ درصد از سهم بازار را در اختیار دارند. بازار بیمه  
عربستان تحت تسلط بیمه‌گران داخلی است  
و موانع نظارتی سختی برای حضور شرکت‌های  
خارجی وجود دارد. به سبب پراکندگی به شدت  
بالای بازار بیمه عربستان، گسترش فرآیند ادغام  
و تملک در میان بسیاری از بازیگران کوچک‌تر این

برنامه‌های  
دولت برای  
بهره‌برداری  
گسترده از  
بازارهای اوراق  
قرضه داخلی  
در سال‌های  
آینده منبع  
رشد جدیدی  
برای بانک‌های  
سعودی ایجاد  
خواهد کرد

عربستان سعودی شامل صندوق‌های عمومی، صندوق‌های خصوصی و صندوق‌هایی که توسط مدیران سبدگردان اختیاری اداره می‌شوند، است. سهام‌های عمومی و محصولات بازار پول، غالب‌ترین نوع از دارایی‌های قابل ارائه در صنعت مدیریت دارایی عربستان هستند، اما تقاضای فزاینده‌ای از سوی متقاضیان برای دریافت خدمات و محصولات جدید از جمله سهام خصوصی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر و دارایی‌های حوزه املاک و مستغلات، وجود دارد. صندوق‌های قابل معامله در بورس (EFT) در بازار مدیریت دارایی عربستان در حال افزایش هستند که چشم‌انداز خوبی از بهبود وضعیت این بازار در آینده نزدیک می‌دهد.

پیش‌بینی شده است که در پایان افق کوتاه‌مدت پیش‌رو، کل دارایی‌های تحت مدیریت در صندوق‌های سرمایه‌گذاری عربستان سعودی به ۹۷۰۰۸ میلیارد ریال عربستان برسد که نسبت به وضعیت فعلی، یک رشد چشمگیر ۳۳۰۵ درصدی راتجربه خواهد کرد. همچنین سازمان بازار سرمایه عربستان سعودی پیش‌بینی کرده است که در چشم‌انداز کوتاه‌مدت، ارزش دارایی‌های صندوق‌های سرمایه‌گذاری خصوصی، رشد ۱۸۰۷ درصدی نسبت به وضعیت فعلی راتجربه کنند.

#### بستر خدمات بازار سرمایه و بورس اوراق بهادار

با وجود تأثیر منفی کاهش قیمت نفت بر مبادلات سرتاسر منطقه خاورمیانه و در بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، بورس اوراق بهادار عربستان سعودی با یک استراتژی اصلاحی جسورانه در حال پیشروی است. این اصلاحات در جهت بهبود شفافیت بازار و تدوین قوانین و مقررات جدید در راستای توسعه بسترهای لازم برای ورود سرمایه‌گذاران و شرکت‌های خارجی، عملیاتی می‌شود. به گفته کارشناسان بازارهای مالی، چشم‌انداز مثبتی چه در کوتاه‌مدت و چه در بلندمدت نسبت به ثبات، اندازه و نقدینگی بازار سهام عربستان سعودی وجود دارد.

پیش‌بینی است که ارزش معاملات بورس تداول عربستان در پایان چشم‌انداز کوتاه‌مدت، یک رشد ۸۰۷ درصدی را نسبت به وضعیت فعلی تجربه کند که در مقایسه با دوره اوج رشد معاملاتی خود در سال ۲۰۲۱ (با رشد ۳۴۰۵ درصدی)، کاهش معناداری محسوب می‌شود. همچنین انتظار می‌رود که ارزش کل عرضه‌های اولیه جدید در این بستر بورسی تا پایان افق کوتاه‌مدت، بارشد مثبت ۱۲۰۲ درصدی روبرو شود.

صنعت که فاقد مقیاس و منابع سرمایه‌ای قابل اتکا هستند، احتمالاً ادامه خواهد داشت. با توجه به التهابات اقتصادی پیش‌رو و آفرهای بیمه‌ای فوق‌العاده جذاب دولت سعودی به شهروندان و اتباع خارجی این کشور، احتمال تغییر و بهبود شرایط در بازار بیمه عربستان در افق‌های آتی، بسیار اندک است.

پیش‌بینی شده است که تا پایان افق میان‌مدت ۲۰۲۷، ارزش بازار حق بیمه‌های ثبت شده رسمی در بخش بیمه‌های عمومی و تخصصی، با میانگین رشد سالانه ۶۰۴ درصدی، به ۵۳۰۴ میلیارد ریال عربستان برسد. همچنین انتظار می‌رود که در پایان چشم‌انداز میان‌مدت ۲۰۲۷، بازار حق بیمه‌های ثبت شده رسمی در بخش بیمه عمر، با میانگین رشد سالانه ۴۰۲ درصدی، به ۲۰۲ میلیارد ریال عربستان برسد. به نظر می‌رسد که تا پایان افق بلندمدت ۲۰۳۲، سهم بازار حق بیمه‌های عمر در صنعت بیمه عربستان سعودی، حتی به ۴ درصد نیز نرسد.

#### چشم‌انداز رقابتی آتی در صنعت بیمه عربستان سعودی

صنعت بیمه عربستان سعودی، بزرگترین بازار بیمه در بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در کنار امارات متحده عربی و بزرگترین بازار بیمه در جهان در حوزه ارائه خدمات بیمه‌ای منطبق با شریعت است. طبق آخرین آمارها و اطلاعات، تعداد ۲۹ شرکت بیمه‌گذار عربستانی در این بازار فعال هستند. دو شرکت بزرگ BUPA Arabia و Tawuniya حدود نیمی از فعالیت‌های پذیره‌نویسی این بازار را به خود اختصاص داده‌اند. هشت شرکت بزرگ ارائه دهنده خدمات بیمه در عربستان، ۷۷۰۲ درصد از سهم بازار را در اختیار دارند. ده شرکت کوچک در این صنعت، کمتر از ۵ درصد از سهم بازار را به خود اختصاص داده‌اند.

#### بازار خدمات صنعت مدیریت دارایی

عربستان سعودی دارای بیشترین تعداد صندوق‌های سرمایه‌گذاری در بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است که محصولات متنوعی از دارایی‌های مختلف را به متقاضیان ارائه می‌دهد. صنعت مدیریت دارایی عربستان، تحت لوای یک چارچوب نظام‌مند و یکپارچه از مقررات حقوقی مبتنی بر رویه‌های بین‌المللی، قرار دارد. صندوق‌های سرمایه‌گذاری در





تجربه مقامات پولی کشورها در جنگ‌های اقتصادی

## فدرال رزرو چگونه آمریکا را برنده جنگ سرد کرد؟

- محاصره هفت ساله تجاری، بانکی و اقتصادی شوروی در سایه بی‌تدبیری مقامات پولی و متولیان اقتصادی آن، ارمغانی جز تورم ۵۰ تا ۸۶ درصدی نداشت
- مقامات پولی فدرال رزرو معتقد بودند که تنها مانع برای اثربخشی سیاست‌های پولی در دوران جنگ سرد، انتظارات تورمی شدید شهروندان آمریکایی خواهد بود

بعد از جنگ جهانی دوم گفته می‌شود. به طور کلی دوره زمانی جنگ سرد از ۱۹۴۷ و آغاز دکترین ترومن تا فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱ در نظر گرفته می‌شود. به دلیل آنکه در این دوران هرگز درگیری نظامی مستقیم میان نیروهای ایالات متحده و شوروی به وجود نیامد، اما گسترش قدرت نظامی و کشمکش‌های سیاسی منجر به جنگ‌های نیابتی و درگیری‌های مهم بین کشورهای پیرو و هم‌پیمانان این دو

در این بخش از مجموعه مقالات "تجربه مقامات پولی کشورها در هنگامه جنگ‌های نظامی و اقتصادی" به سراغ تبیین و بررسی سیاست‌های پولی و اقدامات اثرگذار بانکداران مرکزی در دوران موسوم به جنگ سرد در جهان می‌رویم. جنگ سرد (Cold War) به دوره‌ای از رقابت، تنش و کشمکش ژئوپلیتیکی بین اتحاد جماهیر شوروی و متحدانش (بلوک شرق) و ایالات متحده آمریکا و متحدانش (بلوک غرب)



ابرقدرت شد، از واژه سرد برای توصیف این جنگ استفاده می‌شود. ریشه‌های جنگ سرد به پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم و پایان اتحاد موقت آمریکا و شوروی علیه آلمان نازی و در ادامه درگیری ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک دو کشور برای گسترش نفوذ جهانی بازمی‌گردد. ترس از هیچ‌یک از دو طرف حمله پیشگیرانه اتمی را آغاز نکنند. به غیر از مسابقه تسلیحات هسته‌ای و استقرارهای مرسوم نیروهای نظامی دو طرف از راه‌های دیگر همچون جنگ روانی، کارزارهای تبلیغات سیاسی، جاسوسی، تحریم‌های اقتصادی گسترده، رقابت در مسابقات ورزشی و فناوری مثل رقابت فضایی برای اثبات برتری خود استفاده کردند.

### جنگ سرد و شرایط التهاب تورمی که توسط بانک مرکزی آمریکا مهار شد

در سال ۱۹۷۹، در بحبوحه جنگ سرد، ایالات متحده یک "جنگ داغ و سوزان تورمی" را علیه دشمن خود یعنی اتحاد جماهیر شوروی آغاز کرد و با انتقال مولفه‌های تورم‌ساز خود به این کشور و هم‌پیمانانش، در تلاش برای کاهش تنش‌های پولی و بانکی خود و افزایش این بحران در سرزمین‌های دشمن بود. در جهت نیل به این هدف، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا یعنی جیمی کارتر، پل ولکر را به ریاست فدرال رزرو منصوب کرده و به او مأموریت داد تا تورم دورقمی ایالات متحده را از طریق ایجاد بستر سازوکارهای تجاری بین‌المللی با شرکای مالی و اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی، مهار کند. بدین ترتیب، در طراحی و تدوین استراتژی‌های مرتبط با این موضوع، فدرال رزرو به سیاست‌های پولی سختگیرانه و توسل به افزایش موقت نرخ بیکاری در جهت مهار التهاب تورمی خود روی آورد.

در دوران جنگ سرد، نرخ تورم ایالات متحده آنقدر غیرقابل تحمل شده بود که به کارگیری ابزارهای مدیریت تورمی نظیر هدف‌گذاری عددی و لنگراسمی نرخ ارز، از درجه اهمیت و کارایی ساقط شده و آنچه که مهم بود، پایین آوردن نرخ تورم به هر شکل، نحوه و هر سازوکاری حتی انتقال آن از طریق رویکردهای تجاری و صادراتی به کشورهای دیگر، به ویژه اتحاد جماهیر شوروی برای تسلیم نمودن سیاستمداران این کشور و متحدانش بود. در این دوره از تاریخ جنگ اقتصادی در جهان، با تغییر سکان قدرت در ایالات متحده و به قدرت رسیدن دونالد ریگان در جایگاه ریاست جمهوری آمریکا، فدرال رزرو به رهبری ولکر، به استفاده از توپخانه سنگین بسترهای مبادلاتی تجاری و بازرگانی خود برای پایان دادن به ماریج تورمی ادامه

داد و نرخ تورم اصلی این کشور را از ۱۱ درصد به ۵ درصد تا سال ۱۹۸۳ کاهش داد. همچنین در سال‌های آتی، فدرال رزرو تحت رهبری آلن گرینسپن، که در سال ۱۹۸۷ سکان هدایت مهم‌ترین نهاد پولی و بانکی ایالات متحده را به دست گرفت، به نبرد خود علیه تورم ادامه داد و باره اندازه کمیونی برای دستیابی به ثبات قیمتی در آمریکا که در باطن هدف آن، افزایش سطح تورم اتحاد جماهیر شوروی از طریق محدود کردن و پیچیده‌سازی تجارت خارجی این کشور با هم‌پیمانانش و کاهش ارزش پول ملی این کشور بود، به تحقق اهداف خود نزدیک شده بود. سرانجام تلاش‌های استراتژیک بانکداران مرکزی آمریکا برای مهار تورم خود و انتقال آن به زمین دشمن، به ثمر نشست و در حالی که بوریس یلتسین، از رهبران سیاسی اتحاد جماهیر شوروی با قوای نظامی مستقر در میدان سرخ مسکو، آماده رویارویی نظامی با آمریکا بود، روند تورم ایالات متحده در سال ۱۹۹۱، به ۳ درصد رسید و در همین حال، محاصره هفت ساله تجاری، بانکی و اقتصادی شوروی در سایه بی‌تدبیری مقامات پولی و متولیان اقتصادی آن، ارمغانی جز تورم ۵۰ تا ۸۶ درصدی در یک بازه زمانی دوده‌ای و در نهایت، سقوط این امپراطوری بزرگ را در پی داشت. در طرف مقابل، فدرال رزرو توانسته بود میانگین نرخ تورم خود را به سطوحی کاهش دهد که در تاریخ اقتصادی ایالات متحده تا آن موقع، بی‌سابقه بوده و مشاهده نشده بود. بدین ترتیب رویارویی و مواجهه سیاست‌گذاران پولی آمریکا علیه جنگ داغ و سوزان تورمی به پایان رسیده بود و ایالات متحده توانست این پیروزی بزرگ خود را در بحبوحه جنگ سرد، جشن بگیرد.

### اقدامات مؤثر و کارآمد مدیریت روانی بانک

#### مرکزی آمریکا در مقابله با تبعات منفی جنگ سرد

یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که توسط شورای حکام فدرال رزرو تصویب و به کار گرفته شد و موجب شد که مولفه‌های کلان اقتصادی آمریکا در دوران جنگ سرد، در دوره‌های میان‌مدت و بلندمدت، دچار تنش فراگیر و از هم گسیختگی ساختاری نشوند، پیاده‌سازی مرحله به مرحله رویکرد مدیریت روانی و ذهنی در اقتصاد داخلی این کشور بود. مقامات پولی فدرال رزرو معتقد بودند که تنها مانع برای اثربخشی سیاست‌های پولی در دوران جنگ سرد، انتظارات تورمی شدید شهروندان آمریکایی خواهد بود و تنها مسیر بهینه برای دستیابی به اهداف متعالی مالی، بانکی، ارزی و اقتصادی این کشور و عبور کم‌هزینه از پیامدهای منفی جنگ سرد، همراهی ذهنی عموم مردم ایالات متحده، از صاحبان صنایع، کسب و کارها، ثروتمندان، تجار و بازرگانان تا شهروندان عادی، با شرایط موجود خواهد بود.

در سال ۱۹۷۹  
در بحبوحه  
جنگ سرد  
ایالات متحده  
یک "جنگ داغ  
و سوزان تورمی"  
را علیه دشمن  
خود یعنی اتحاد  
جماهیر شوروی  
آغاز کرد





در دوران جنگ  
سرد، نرخ تورم  
ایالات متحده  
آنقدر غیرقابل  
تحمل شده بود  
که به کارگیری  
ابزارهای  
مدیریت  
تورمی نظیر  
هدفگذاری  
ناکارآمد شد

## مدیریت اذهان عمومی با اطلاع رسانی در مورد جزئیات شرایط اقتصادی موجود

در اولین اقدام، مقامات فدرال رزرو علناً و به طور رسمی در مورد پیچیدگی‌ها و دشواری‌های مسیر دستیابی به ثبات قیمتی صحبت نمی‌کردند اما اعلام می‌کردند که با تمهیدات انجام گرفته، اقتصاد آمریکا در آینده‌ای نزدیک، شاهد کاهش نرخ تورم و بهبود اوضاع اقتصادی جامعه خواهد بود. همین امر موجب شده بود که اذهان عمومی، امیدوار به تغییر شرایط کنونی در اقتصاد این کشور، بدون تحت فشار قرار گرفتن نسبت به آگاهی و آنچه که در پیچیده‌ترین حالت ممکن در حال رخ دادن بود، شوند. در جهت اجرای بهترین برنامه، به دستور کاخ سفید، رسانه‌های آمریکایی به مدت بیش از ۳۰ ماه از پرداختن به جزئیات تحولات و تنش‌های اقتصادی داخلی این کشور، منع شده بودند.

## تحقق وعده کاهش پلکانی در قیمت کالاهای اساسی و حامل‌های انرژی

در دومین اقدام که هدف آن، خنثی‌سازی اثر انتظارات تورمی شهروندان بر نرخ تورم و شرایط ملتبه مولفه‌های کلان اقتصادی این کشور بود، سخنگوی فدرال رزرو در یک کنفرانس مطبوعاتی رسمی اعلام کرد که قیمت کالاهای اساسی و استراتژیک نظیر برخی خوراکی‌های ضروری مردم مانند نان، گوشت، مرغ، لبنیات و همچنین قیمت حامل‌های انرژی، مرحله به مرحله کاهش خواهد یافت. این اقدام، تنها سیاست عملیاتی بانک مرکزی آمریکا بود که برای دستیابی به اهداف مهار انتظارات تورمی، ملزم به اجرای آن تحت هر شرایطی بود. به همین دلیل، با تأیید کابینه سیاسی دولت آمریکا و امضای مستقیم ریاست جمهوری این کشور، فدرال رزرو طی ۷ مرحله در یک بازه زمانی ۳ ساله، با ارائه سوبسیدهای تولیدی، قیمت کالاهای اساسی و استراتژیک و حامل‌های انرژی را به صورت پلکانی کاهش داد. به اذعان بسیاری از صاحب‌نظران اقتصاد سیاسی، این اقدام، یکی از موفق‌ترین و موثرین اقدامات بانک مرکزی آمریکا در راستای مهار تورم افسارگسیخته این کشور در دوره جنگ سرد به شمار می‌رود.

## آگاهی بخشی هدفمند در مورد بروز تبعات احتمالی قابل بروز در مسیر کاهش تورم

سومین اقدام مهم فدرال رزرو در حوزه مدیریت روانی جامعه آمریکا در دوران جنگ سرد، آگاهی بخشی هدفمند در مورد ارزش ثبات قیمت‌های برای بهبود وضعیت آتی اقتصادی این کشور با وجود تشدید بحران در برخی مولفه‌های دیگر بود. شورای حکام

بانک مرکزی آمریکا به خوبی می‌دانست که کاهش نرخ تورم، بدون افزایش در نرخ بیکاری و ایجاد رکود مصنوعی در بازار سرمایه امکان پذیر نیست. به همین دلیل در قالب برنامه‌های رادیویی، تلویزیونی، مقامات علمی در مجلات و روزنامه‌های پرتیراژ و پرفروش و دیدارهای عمومی مردمی در اقصی نقاط ایالات ۵۲ گانه این کشور، به تبیین و دانش‌افزایی نرم در باب مفاهیم بازار و مکانیزم‌های اجرای چنین رویکردهایی برای عبور از وضعیت پُر تنش تورمی موجود و پذیرش سختی‌های این مسیر، به ویژه متعادل‌سازی در مورد الزام افزایش نرخ بیکاری و رکود ساختاری برای اجرای سیاست‌های کارآمد در جهت دستیابی به هدفگذاری تورمی، پرداختند. بدین ترتیب، مجموعه اقدامات بانکداران مرکزی ایالات متحده در دوران جنگ سرد، موجب همراهی شهروندان این کشور با واقعیت‌های در حال وقوع در بستر اقتصادی جامعه و پذیرش و پشتیبانی تمام‌عیار مردم از مواجهه فدرال رزرو علیه جنگ داغ و سوزان تورمی در بحبوحه جنگ سرد شد. در حقیقت، ارتقا سطح پذیرش عمومی شهروندان ایالات متحده در قالب طراحی و پیاده‌سازی یک رویکرد روانشناسی کارآمد توسط فدرال رزرو، حتی بیشتر از اقدامات فنی و تکنیکال این نهاد برای مقابله با پیامدهای منفی جنگ سرد، موثر واقع شد.

## منابع:

1. Ozili, Peterson & Okeke, Esther & Obiora, Kingsle (2024), "Wartime monetary policy: Monetary policy options to adopt during war", USA: Publishing By Elsevier Inc press, DOI: 10.1016/B978-0-44-313776-1.00261-0
2. Park S. Sniderman (1997), "Monetary policy in the cold war era", Economic Commentary, Federal Reserve Bank of Cleveland, issue Jun.
3. Qusfeld, Daniel R. (1998), "Economics and the Cold War: An Inquiry into the Relationship between Ideology and Theory", Journal of Economic Issues, Vol. 32, No. 2, pp. 505-511
4. SHATON, NIGEL J. (2005), "Reviewed Work: Money and Security: Troops, Monetary Policy, and West Germany's Relations with the United States and Britain, 1950-1971 Hubert Zimmermann", Published By: Oxford University Press, Diplomatic History, Vol. 29, No. 1, pp. 209-213
5. <https://www.clevelandfed.org/publications/economic-commentary/1997/ec-19970601-monetary-policy-in-the-cold-war-era>
6. [https://www.riksbank.se/globalassets/media/rapporter/pov/artiklar/engelska/2022/221216/2022\\_2-monetary-policy-and-inflation-in-times-of-war.pdf](https://www.riksbank.se/globalassets/media/rapporter/pov/artiklar/engelska/2022/221216/2022_2-monetary-policy-and-inflation-in-times-of-war.pdf)
7. <https://www.independent.org/publications/article.asp?id=1297>
8. <https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9780429270949-17/monetary-policy-cold-war-era-mark-sniderman>





تجربه طراحی سیاست‌های منعطف پولی در شرایط بحرانی

## بانک مرکزی ژاپن الگوی کارآمد مدیریت جنگی

- یک راهبری موفق تمام عیار توسط بانک مرکزی ژاپن در خلال تنش‌های متعدد نظامی در این کشور اتفاق افتاد
- در آغاز قرن بیستم و سال‌های ابتدایی دهه ۱۹۰۰، با اکثریت آراء شورای حکام بانک مرکزی ژاپن پایه‌گذاری شد
- یکی از اقدامات درخشان بانک مرکزی ژاپن در دوره مناقشات جنگی در این کشور، ابتکار عمل چاپ و انتشار ارز نظامی بوده است

۷۱



اقتصاد

● شماره ۵۸ - مهر ۱۴۰۳ ●

پولی و بانکداران مرکزی، دو طراحی منحصر به فرد و کاملاً متمایز از تصمیمات و اجرائیات در سیاست‌های اقتصادی را، یکی با در نظر گرفتن بستر ثبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و دیگری با در نظر گرفتن وقوع نابه‌هنگام یک تنش جنگی یا اقتصادی تمام عیار، در برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت خود گنجانده‌اند.

همانطور که واضح و مبهرن است، سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در دوران برقراری صلح و آرامش در کشورها، متفاوت از دوره درگیری ممالک جهان در مناقشات نظامی و جنگی و حتی جنگ اقتصادی است. در حقیقت امروزه، مراکز فرماندهی اقتصادی دولت‌های جهان به مرکزیت و محوریت سکنداران

بانک مرکزی  
ژاپن توانست در  
یک دوره بیش  
از هفت دهه‌ای  
با تسلط کامل بر  
شرایط موجود  
اقتصاد را از  
ورطه نابودی  
همیشگی  
نجات دهد

ژاپن به عنوان اقتصادی که در بیش از هفت دهه گذشته، درگیر یکی از بدترین مناقشات نظامی و بحران‌های جنگی تاریخ جهان بوده، کارنامه قابل قبولی از سیاست‌گذاری‌های کارآمد پولی، با وجود سایه سنگین و چندین ساله جنگ‌های بین‌الملل، بر جای گذاشته است. بررسی اقدام و عملکرد متولیان مالی و اقتصادی این کشور به راهبری و مدیریت مقامات پولی و بانکداران مرکزی، اطلاعات مفیدی از نحوه طراحی، تدوین، چینش و به کارگیری ابزارهای پولی بهینه در اختیار ماکرار خواهد داد. لذا در مقاله‌ای در قالب پرونده پژوهشی "تجربه مقامات پولی کشورها در هنگامه جنگ‌های نظامی و اقتصادی"، به سراغ تجربه بانکداران پولی ژاپن از مدیریت اقتصادی کارآمد در بستر مناقشه نظامی فراگیر جهان در دوره جنگ جهانی اول و دوم می‌رویم و در پایان، مروری مختصر بر وضعیت اقتصاد ژاپن در دوران پس از جنگ تا به امروز می‌نماییم.

### موقعیت بانک مرکزی ژاپن در راهبری اقتصادی این کشور در خلال جنگ‌های بین‌الملل

به گواه بسیاری از پژوهشگران و صاحب‌نظران مالی و اقتصادی جهان و به استناد تحقیقات علمی معتبر صورت گرفته در حوزه اقتصادهای جنوب شرق آسیا، اصلی‌ترین رویکردهای کارآمد و ابتکار عمل‌های بهینه و راهگشایی که مقامات پولی و بانکداران مرکزی ژاپن در طول تاریخ اقتصادی خود انجام داده‌اند، به تاریک‌ترین دوره‌های سیاسی و اقتصادی این کشور، یعنی دوران درگیری ژاپن در مناقشات نظامی بین‌المللی بازمی‌گردد.

یعنی این نهاد پولی و مالی توانست در یک دوره بیش از هفت دهه‌ای، با تسلط کامل بر شرایط موجود، اقتصاد ژاپن را از ورطه نابودی همیشگی نجات دهد. اما آنچه که از اندیشه و اقدام نیم قرن پیش بانک مرکزی ژاپن در اذهان دانشمندان و پژوهشگران این عرصه باقی مانده است و امروزه نیز به عنوان الگویی بهینه توسط حکمرانان اقتصادی در کشورهای مختلف جهان در حال اجراست، مسئله انعطاف‌پذیری این نهاد در سیاست‌ها، تصمیمات و اقدامات است. به عبارت دیگر، نرخ بالای انعطاف‌پذیری بانک مرکزی ژاپن نسبت به تدوین برنامه‌های پولی مدنظر خود برای مقابله با رویدادهای ناگوار و چالش برانگیز در حال وقوع و موقعیت‌پرتنش جنگی، مهم‌ترین عاملی بوده است که ژاپن مدرن و پیشرفته امروز را پایه‌گذاری کرده است. طراحی سیاست‌های جایگزین کوتاه‌مدت و میان‌مدت، پیش‌بینی دوراندیشانه نسبت به بودجه نظامی و برآورد تقریبی هزینه‌های جنگی و دفاعی در تعامل موثر با دولتمردان ژاپنی و داشتن برنامه بازسازی اقتصادی پس از جنگ با تمرکز بر قابلیت

تحقق و دستیابی به اهداف حداقلی در حوزه معیشت و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای کشور، همه و همه، اقداماتی بوده است که پازل‌های شاخص انعطاف‌پذیری بانک مرکزی ژاپن را به خوبی تکمیل کرده و موجب تمایز عملکرد و اندیشه این نهاد نسبت به سایر هم‌تایان خود در موقعیت‌های مشابه در اقتصاد جهان شده است. بنابراین مجموعه‌ای از این تصمیمات و اجرائیات موثر و کارآمد سبب شد که ما شاهد یک راهبری موفق تمام عیار توسط بانک مرکزی ژاپن در خلال تنش‌های متعدد نظامی در این کشور باشیم. در ادامه برخی از این ابتکار عمل‌های موفق و منحصربه‌فرد را به مرور می‌کنیم:

### تاسیس صندوق ذخیره بازسازی برای شورای حکام بانک مرکزی ژاپن

با آنکه از دوران میجی (دوره چهل و پنج ساله از تاریخ ژاپن در آن امپراتور میجی بر تخت پادشاهی نشست) تا پایان جنگ جهانی دوم، هزینه‌های نظامی همیشه درصد بالایی از بودجه دولت ژاپن را به خود اختصاص می‌داد اما در کمال تعجب، از آغاز جنگ اول چین و ژاپن در سال ۱۸۹۴ تا پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵، بانک مرکزی ژاپن به عنوان راهبر پولی و تخصیص‌گر اصلی بودجه در این کشور، با طراحی و تدوین سیاست‌های پولی متناسب با شرایط جنگی توانسته بود که خزانه دولتی ژاپن را ملو از ارزهای ملی برای بازسازی‌های مورد نیاز پس از جنگ ننگه دارد. در واقع، چنین رویکردی، یک اقدام منحصر به فرد در تاریخ اقتصادی جهان محسوب می‌شود، یعنی در هنگامه‌ای که فکر و هدف دولت‌ها، فقط و فقط معطوف به پیروزی در نبردهای نظامی و جنگی به هر قیمتی بوده است، بانک مرکزی ژاپن با داشتن اختیارات تام از سوی دولت این کشور، با تاسیس "صندوق ذخیره بازسازی"، امکان بازگشت سریع‌تر اقتصاد این کشور به شرایط عادی را فراهم می‌کرد.

این صندوق، در آغاز قرن بیستم و سال‌های ابتدایی ۱۹۰۰، با اکثریت آراء شورای حکام بانک مرکزی ژاپن پایه‌گذاری شد و هدف آن، توجه ویژه به بازسازی‌های عمرانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در دوران پس از جنگ و با باز زمانی بین درگیری‌های متعدد نظامی بود. بانکداران مرکزی وقت ژاپن معتقد بودند که تأمین مالی و تخصیص بودجه به هزینه‌های جنگ، بدون در نظر گرفتن تأمین مالی هزینه‌های نوسازی همه جانبه و فراگیر پس از جنگ، معنایی ندارد و اقدامی بی‌منطق و ضرر‌رسان به کلیت هویت کشورشان خواهد بود. مبتنی بر همین امر، یکی از مهم‌ترین وظایف این نهاد در طول دوران مناقشات نظامی، تشکیل کارگروه ویژه برای بررسی و اقدام در جهت درآمدزایی مستقل در راستای افزایش سطوح

ارتش ژاپن از  
آغاز یورش‌های  
نظامی جنگ  
جهانی اول، از  
پولی به شکل  
اسکناس و  
موسوم به  
"بلیط نظامی  
یا ارز نظامی"  
استفاده می‌کرد

### انتشار اوراق قرضه دولتی در جهت تامین مالی کارآمد بود چه جنگی

درآمد مالیاتی دولت ژاپن در طول کابینه هاراناگاشی (۱۹۲۱-۱۸۵۶)، اولین کابینه دولتی حزب سیوکی ژاپن، در نتیجه هراس مالی پس از جنگ جهانی اول کاهش یافته بود. علاوه بر این، سیاست‌های مالی کابینه هاراناگاشی، از حالت کارآمد خارج شده بود. لذا به همین دلیل، دولت وقت این کشور با افزایش سرسام آور هزینه‌ها در هنگامه وقوع مداخله سبیری، نبرد نیکولایفسک و اعزام نیروهای خود به کارافوتو روبرو شد. در همین زمان بود که برای عبور از این بحران، بانک مرکزی ژاپن با تغییر سیاست‌های پولی خود، در جهت تامین مالی حساب ویژه مخارج جنگی اضطراری، دست به انتشار اوراق قرضه دولتی زد. این اوراق که به اوراق قرضه جنگی معروف شد، دارای نرخ بهره سالانه ۵ درصد و سررسید بین یک تا هشت سال بود. در جهت بهبود وضعیت پیش آمده، بخش عمده‌ای از این اوراق قرضه به ارزش ۵۰ میلیون ین توسط خود بانک مرکزی ژاپن خریداری شد و بخش دیگری از آن نیز، با آفرهای ویژه و جذاب، توسط بیش از دو میلیون ژاپنی خریداری شد. این رویکرد کارآمد تامین مالی از طریق عرضه اوراق قرضه ملی، موجب افزایش سرریز درآمد‌های حساب ویژه مخارج جنگی اضطراری دولت ژاپن در یک بازه زمانی ۳ ساله به ارزش مجموع ۴۴۱,۲۹۸,۷۰۵ ین شد.

بدین ترتیب، تفکرات، ایده‌ها، تصمیمات و ابتکار عمل‌های مقامات پولی بانک مرکزی ژاپن در طول بیش از هفت دهه جنگ و مناقشه نظامی که دولت این کشور را به طور مستقیم و غیرمستقیم درگیر کرده بود، شرایطی را به وجود آورد که چه اقتصاد امروز ژاپن و چه اقتصاد سایر کشورهای جهان بتوانند با الگوبرداری از چنین ابزارها و اقدامات هوشمندانه و موثری، آمادگی مالی و اقتصادی خود برای رویارویی با مناقشات نظامی و درگیری‌های منطقه‌ای را ارتقا دهند.

### منابع:

1. <https://www.britannica.com/money/economy-of-Japan>
2. <https://encyclopedia.1914-1918-online.net/article/war-finance-japan/>
3. <https://encyclopedia.1914-1918-online.net/article/wartime-and-post-war-economies-japan/>
4. <https://www.elibrary.imf.org/display/book/9781513511795/ch007.xml>
5. <https://slideplayer.com/slide/8006635/>
6. [https://digitalcommons.liberty.edu/context/research\\_symp/article/2059/type/native/viewcontent](https://digitalcommons.liberty.edu/context/research_symp/article/2059/type/native/viewcontent)
7. <https://olemiss.edu/courses/pol337/japan-his.ppt>

مختلف سرمایه قابل تحقق داخلی و خارجی برای واریز به صندوق ذخیره بازسازی بوده است که شواهد تاریخی نشان می‌دهد، در این امر به موفقیت‌های درخشانی دست پیدا کرده است. به پاس قدرانی از این تفکر و ایده کارآمد که موجب عبور کم‌هزینه دولت‌های ژاپن از خسارات و پیامدهای منفی ناشی از درگیری‌های نظامی و جنگی در این کشور شده است، این صندوق تا به امروز هم به صورت نمادین فعال بوده و سهمیلی از یک الگوی بهینه حکمرانی خوب در عرصه پولی، مالی و بانکی محسوب می‌گردد.

### چاپ و انتشار بلیط نظامی یا ارز نظامی در بحبوحه مناقشات جنگی توسط بانک مرکزی ژاپن

یکی دیگر از اقدامات درخشان بانک مرکزی ژاپن در دوره مناقشات جنگی در این کشور، ابتکار عمل چاپ و انتشار ارز نظامی بوده است. در حقیقت، ارتش ژاپن تقریباً از آغاز یورش‌های نظامی جنگ جهانی اول، از پولی به شکل اسکناس و موسوم به "بلیط نظامی یا ارز نظامی" در حوزه فعالیت خود برای پرداخت هزینه‌های جنگ استفاده می‌کرده است.

در آن دوران، تامین و پرداخت هزینه‌های جنگ به صورت سکه، مستلزم صرف مبالغ زیادی برای حمل و نقل، نگهداری و پرداخت بود. بنابراین لازم بود به دلیل شرایط ویژه کشور و کمبود سرمایه و نقدینگی، تا حد امکان از صرف مقادیر اضافی و هزینه‌های بی‌رویه جلوگیری شود. یکی از ویژگی‌های مهم این نوع از پول این بود که بلیط‌ها و ارزهای نظامی به شدت تحت تأثیر سیستم‌های پولی ملی و محلی ژاپن قرار داشتند و به همین دلیل، مدیریت ذخیره ارزش آنها در طول دوران جنگ، آسان‌تر بود. ارتش ژاپن بدون استناد در طول جنگ جهانی اول و همچنین در جنگ موسوم به مداخله سبیری در طول سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۲، خود را متعهد به استفاده و به کارگیری این ارزهای نظامی کرد و به عنوان مثال، استاندارد نقره‌ای که در استان شاندونگ چین، محل کمپین‌های نظامی گسترده ژاپنی‌ها در طول جنگ جهانی اول، به کار گرفته شده بود، متوقف و ارزش پولی آن که معادل یک میلیون و ۲۰۰ هزار ین بود، از رژیم پولی ین-نقره به اسکناس‌های بلیط نظامی تبدیل شد. علاوه بر این، در طول مداخله سبیری که در آن، استاندارد طلا به عنوان رویکرد رایج برای پرداخت‌ها اتخاذ شده بود، بانک مرکزی ژاپن ۳۰ میلیون ین اسکناس ارز نظامی منتشر کرد که قابل تبدیل به طلا بود. لذا در این دوران، در حالی که ارزش روبل روسیه در پی شکست جنبش ضدانقلاب در روسیه در حال سقوط بود، ژاپن از ارز نظامی همراه با اسکناس‌های بانک کره که قابل تبدیل به طلا نیز بودند، برای حفظ ارزش ذخیره و مبادله‌ای ارز ملی خود استفاده کرد.





تجربه جهانی تامین مالی بخش واردات

## نفوذ بانک مرکزی فنلاند تا جنوب شرق آسیا

- بخش عمده جریان سرمایه لازم برای تامین مالی حوزه واردات در فنلاند، بانک محور است
- رویکرد استفاده از اعتبار اسنادی، پُرکاربردترین ابزار در حوزه واردات فنلاند محسوب می شود
- فنلاند موقعیت پویای امروز خود در حوزه تجارت بین الملل را مدیون وجود یک بانک مرکزی مستقل با عملکردی نظام مند است

تعاملات تنگاتنگ کالایی، خدماتی و فناورانه با حاکمیت های مختلف، چه در اتحادیه اروپا و منطقه یورو و چه در سایر قاره ها و کشورهای جهان داشته و همین امر سبب شده که همواره از حجم بالای تراز پرداخت های تجارت بین الملل برخوردار باشد، به طوری که در ۵ سال اخیر و به ویژه در سال ۲۰۲۳، به عنوان یکی از سه اقتصاد برتر منطقه نوردیک از منظر حجم و ارزش واردات و صادرات انتخاب شده و پس از سوئد و نروژ، در جایگاه سوم در این عرصه قرار گرفته است. به اذعان بسیاری از کارشناسان و صاحب نظران اروپا و جهان، فنلاند موقعیت پویای امروز خود در حوزه تجارت بین الملل را مدیون وجود یک بانک مرکزی مستقل

در بخش دیگری از مجموعه مقالات مرتبط با پرونده پژوهشی "تجربه جهانی تامین مالی بخش واردات" به سراغ تجربه اقتصاد ثروتمند فنلاند در بحث بازرگانی بین الملل می رویم و نقش بانک مرکزی و نظام بانکداری این کشور را در حوزه تامین مالی واردات و رویکردهای تخصیص بودجه ارزی به فعالان این بخش را تبیین می نماییم.

### بانک مرکزی فنلاند، ستون محوری و اثرگذار در حوزه تجارت خارجی و تامین مالی واردات

فنلاند به عنوان یکی از پویاترین اقتصادهای توسعه یافته و پیشرفته در اروپا و جهان، از دیرباز

۷۴



اقتصاد

● شماره ۵۸ - مهر ۱۴۰۳ ●



با عملکردی نظام مند، منطقی و کارآمد در راستای حداکثری سازی مطلوبیت اقتصادی شهروندان این کشور دستبایی به اهداف متعالی و کلان مالی این کشور است.

چنین شرایطی از زمان آغاز سکنداری "اولی ایلمارین"، بر مسند بانک مرکزی فنلاند از ژوئیه ۲۰۱۸، وارد مرحله جدیدی از شکوفایی و رشد قابل توجه شد. یکی از ثمرات ناشی از ابتکارات هوشمندانه و ماندگار در دوره ریاست اولی ایلمارین، اقدامات بهینه و موثر تیم تحت مدیریت وی در حوزه افزایش قابل توجه در حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI)، بهبود وضعیت مولفه های تجارت خارجی به ویژه تنوع در رویکردهای تامین مالی واردات بوده است. برنامه ریزی مدون اولی رن از ابتدای حضور در این مسند اجرایی، در طراحی، تئوریزه کردن و پیاده سازی سیاست های پولی خارجی بهینه، پویا و کار متناظر بر تلاش برای افزایش قابل توجه در اندازه اقتصاد این کشور در عرصه بین المللی، موجب شده که کشور فنلاند از آغاز دوره ریاست اولی رن تا به امروز، مازاد تجاری مثبت را تجربه کرده و از سال ۲۰۱۸، توانسته واردات رسمی کالاها و خدمات خود را از مسیرهای متنوع، کارآمد و سودآور، تامین مالی کند.

در واقع مجموعه اقدامات وی در دور اول مدیریت بر بانک مرکزی فنلاند سبب شد که سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) از میزان ۶۲۹۴۵ واحد در سال ۲۰۱۸، به رقم قابل توجه حدود ۷۸۰۰۰ واحد از تولید ناخالص داخلی در پایان سال ۲۰۲۲، افزایش یابد که در تاریخ اقتصادی فنلاند، بی سابقه و تکرار نشدنی بوده است. همچنین بهبود سرمایه گذاری خارجی در حوزه طرح های تولیدی و صنعتی، افزایش بهره وری خارجی در طرح های آب و هوایی، افزایش صادرات محصولات فناورانه و انتقال دانش و افزایش نرخ واردات از طریق تعاملات مشترک با نهادهای بین المللی از جمله فاکتورهایی بوده که توسط بانک مرکزی فنلاند، موجب ارتقا و بهبود وضعیت مولفه های مرتبط با بستر تجارت خارجی و به ویژه حوزه تامین مالی بخش واردات در این کشور شده است.

یکی دیگر از مهم ترین اقدامات بانک مرکزی فنلاند در زمان اولی ایلمارین که موجب توسعه رویکردها و افزایش قابل توجه حجم سرمایه در گردش در حوزه تامین مالی و تخصیص بودجه ارزی به بخش واردات این کشور شد، اهتمام ویژه بانک مرکزی فنلاند بر تحکیم دیپلماسی اقتصادی این کشور با اقتصادهای نوظهور جهان و تحول بنیادین در سطح مراودات بانکی و مالی فنلاند، به ویژه با

اقتصادهای نوظهور در آمریکای لاتین و جنوب شرق آسیا بوده است. اولی رن معتقد بود در صورتی که حاکمیت اقتصادی فنلاند بتواند سطح همکاری ها و مشارکت های مالی و تجاری خود را از طریق معاهدات بازرگانی، خطوط سوآپ و تفاهم نامه های پولی دویا چند جانبه با کشورهای تازه توسعه یافته و در حال پیشرفت این مناطق، افزایش دهد، چنین اقدامی در مسیر شتاب دهی به فرآیند توسعه بین المللی فنلاند، بهبود وضعیت شاخص های کلان اقتصادی این کشور و افزایش مستمر ارزش یوروی قابل مبادله در شبکه بانکی و مالی فنلاند در سطح بازارهای ارزی جهانی، موثر خواهد بود.

همچنین وی معتقد بود که به سبب اعتبار ویژه فنلاند در سطح تجارت بین الملل، این کشور می تواند با دریافت آفرهای متعدد و تخفیفات قابل توجه، واردات اقلام، کالاها و خدمات مورد نیاز شهروندان خود به ویژه در حوزه کالاهای اساسی و استراتژیک را به سرانجام برساند که با تحقق این امر، به سبب افزایش حجم واردات، فنلاند به سمت استفاده از رویکردهای مختلف داخلی و بین المللی برای تامین مالی واردات خود روی آورد. در راستای تحقق این مهم، اولی ایلمارین در طول دوران ریاست خود در این نهاد مالی تا به امروز، بارها و بارها با روسای بانک های مرکزی، وزرای اقتصاد و دارایی، مقامات مهم و متولیان صنعت و بازرگانی کشورهای آمریکای لاتین و جنوب شرق آسیا دیدار و گفتگو داشته است.

تلاش برای راه اندازی اتحادیه پولی اسکاندیناوی - جنوب شرق آسیا و اسکاندیناوی - لاتین در سال ۲۰۲۱، ایجاد سوآپ ارزی بلندمدت با مالزی، ویتنام و بنگلادش، برزیل، آرژانتین، پرو و کلمبیا تا سال ۲۰۲۳، تلاش برای بهبود تجارت خارجی با کشورهای استراتژیک و مهم آمریکای لاتین نظیر برزیل، آرژانتین و شیلی صندوق بین المللی پول و انجام مقدمات تشکیل صندوق پولی مشترک بانکداران مرکزی اسکاندیناوی، جنوب شرق آسیا و آمریکای لاتین، از جمله اقدامات بانک مرکزی فنلاند در این حوزه بوده که موجب شده به سبب افزایش قابل توجه نرخ واردات، تامین مالی و تخصیص بودجه به فعالان، تجار و بازرگانان نیز شکل ساختار یافته تر و حرفه ای تری به خود بگیرد.

### معرفی تجار و بازرگانان خوشنام به صندوق بین المللی پول توسط بانک مرکزی فنلاند

یکی از مهم ترین ابتکار عمل های بانک مرکزی فنلاند در مدیریت و تخصیص بودجه های ارزی در حوزه واردات، استفاده از امکانات و طرح های تامین وجوه نهادهای اقتصادی شاخص

بانک مرکزی  
فنلاند هر ساله  
در یک بازه  
زمانی مشخص  
اقدام به اخذ  
استعلام از  
بانک های عامل  
خود نسبت به  
سابقه فعالان  
و متقاضیان  
تخصیص  
بودجه واردات  
می کند





در دوره  
گسترش بحران  
همه‌گیری  
کرونا در سال  
۲۰۲۰ و ۲۰۲۱  
بخش اعظمی  
از تسهیلات  
بلندمدت  
صندوق  
بین‌المللی  
پول، در اختیار  
شرکت‌های  
واردکننده دارو  
و تجهیزات  
پزشکی قرار  
گرفت

۷۶



● شماره ۵۸ - مهر ۱۴۰۳ ●

بین‌المللی نظیر صندوق بین‌المللی پول بوده است. دولت‌های حاکمه در فنلاند از دیرباز، به دلیل تعاملات موثر و کارآمد مالی و بانکی خود با سازمان‌های اقتصادی مشهور و شناخته شده در سراسر جهان، از اعتبار بالایی برخوردار بوده‌اند. از طرفی دیگر، موقعیت منحصر به فرد فنلاند در شمال اروپا و منطقه نوردیک به عنوان یک اقتصاد پیشرفته، مدرن، قانون مند و توسعه یافته، موسسات اعتباری و نهادهای مالی و بانکی متعددی را متقاضی انعقاد تفاهم‌نامه‌های همکاری و مشارکت با وزارتخانه‌های بازرگانی و تجاری و متولیان اقتصادی این کشور کرده است. در یکی از این نمونه‌ها که با درایت و هوشمندی رئیس فدرال بانک فنلاند و موافقت و تصویب در شورای حکام این نهاد، از سال ۲۰۱۸ به اجرا درآمده است، امضای تفاهم‌نامه صندوق بین‌المللی پول و بانک مرکزی فنلاند در جهت ارائه تسهیلات بلندمدت‌ارزی به بازرگانان و تجار خوشنام فنلاندی است. در این قرارداد مشارکتی، بانک مرکزی فنلاند هر ساله در یک بازه زمانی مشخص، اقدام به اخذ استعلام از بانک‌های عامل خود نسبت به سابقه فعالان و متقاضیان تخصیص بودجه واردات می‌کند. در صورتی که این افراد حقیقی و حقوقی، در ۳ سال گذشته، هیچگونه نکول و یا دیرکرد در پرداخت اقساط تسهیلات خود نداشته باشند، واجد شرایط برای معرفی به صندوق بین‌المللی پول در جهت دریافت بودجه‌ای تحت عنوان "تسهیلات بلندمدت تجارت بین‌الملل" خواهند شد.

همچنین بسته به اینکه در چشم‌انداز کوتاه‌مدت و میان‌مدت اقتصاد فنلاند، واردات چه گروه از کالاها و خدمات اولویت داشته باشد، مبتنی بر آن، این گزینش از بین متقاضیان صورت می‌پذیرد. به عنوان مثال، در دوره گسترش بحران همه‌گیری کرونا در سال ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱، بخش اعظمی از تسهیلات بلندمدت صندوق بین‌المللی پول، در اختیار شرکت‌های واردکننده دارو و تجهیزات پزشکی و همچنین در اختیار شرکت‌های واردکننده مواد غذایی، به ویژه خوراکی‌های اساسی و استراتژیک قرار گرفت تا بتوانند دولتمردان فنلاندی را در عبور کم‌هزینه از این تنش بهداشتی همگير جهانی، به‌تر یاری دهند. پس از فروکش کردن این بحران در اواخر سال ۲۰۲۲، افق میان‌مدت سیاستی اقتصاد داخلی فنلاند تغییر کرد و این فرصت برای سایر فعالان و تجار در حوزه‌های دیگر نیز در جهت استفاده از این تسهیلات فراهم گردید.

## اعتبار اسنادی بانکی، مهم‌ترین رویکرد تامین مالی حوزه واردات در فنلاند

با استناد به آمار و اطلاعات رسمی موجود، بخش عمده جریان سرمایه لازم برای تامین مالی حوزه واردات در فنلاند، بانک محور است و بخش کوچک‌تر آن نیز در تعامل بانک مرکزی این کشور با نهادهای بین‌المللی، محقق می‌شود. در بین رویکردهای بانک محور تامین مالی واردات، رویکرد اعتبار اسنادی، پُرکاربردترین ابزار در این حوزه محسوب می‌شود. رویکرد اعتبار اسنادی (Letter of Credit / LC) تعهد مالی است از طرف نظام بانکی به فعالان تجارت خارجی داده می‌شود و طی آن، بانک متعهد می‌شود که میزان پرداختی مالی توافق‌شده فی‌مابین واردکننده و صادرکننده را به موقع و بامبلغ صحیح به دست وی برساند. همچنین در فوریه سال ۲۰۲۴، رئیس مرکز مدیریت بازرسمایه و شورای عالی بورس اوراق بهادار فنلاند اعلام کرد که متولیان این بازار قصد دارند که از ابتدای سال ۲۰۲۵ میلادی، امکان تامین مالی حوزه واردات را برای برخی از صنایع و شرکت‌های نمایه‌شده در بازار بورس هلسینکی، فراهم نمایند. وی در ادامه می‌افزاید که در فاز اول از اجرای این پروژه، امکان تامین مالی بورسی بخش واردات برای شرکت‌های کوچک و متوسطی که حجم دارایی اندکی داشته و سهام آنها در ماه‌های اولیه عرضه عمومی در بورس قرار دارد، فراهم است.

### منابع:

1. A group of Authors(2024),"FINNISH BANKING 2023: Overview of the Finnish banking sector and the key changes in its operating environment in 2023", Research Department of the Central Bank of Finland, STAFF WORKING DOCUMENT, No.435, <https://www.finanssiala.fi/wp-content/uploads/2024/05/finnish-banking-2023.pdf>.
2. A group of Authors(2023),"Finland- 2023 financial and economic report ",COMMISSION STAFF WORKING DOCUMENT, Recommendation for a COUNCIL RECOMMENDATION, on the 2023 National Reform Programme of Finland and delivering a Council opinion on the 2023 Stability Programme of Finland, Brussels, 24.5.2023, SWD(2023) 626 final.
3. Jones, Derek & Kalmi, Panu & Kato, Takao & Mäkinen, Mikko. (2012)," Financial participation in Finland: Incidence and determinants", International Journal of Human Resource Management, INT J HUM RESOUR MANAG, Vol.23, No.8, 10.1080/09585192.2012.661990.
4. <https://www.trade.gov/country-commercial-guides/finland-trade-financing>
5. <https://documents1.worldbank.org/curated/en/283571591883127983/pdf/Announcement-of-Financing-in-Finland-on-September-18-1963.pdf>
6. <https://www.waselius.fi/wp-content/uploads/2015/11/Finland.pdf>



بانک پارسیان، در استقرار نظارت و تطبیق شرعی پیشتاز شد



## دستاوردهای بانک پارسیان در بانکداری اسلامی

نظام بانکداری کنونی و شناسایی چالش‌های نوپدید، به طراحی مدل مطلوب یک بانک اسلامی با نگاهی تحول‌خواه بپردازد و راهکارهایی برای بهبود شرایط سیستم بانکی ارائه کند. براین اساس در خصوص اقدامات بانک پارسیان در جهت "پیاده‌سازی مطلوب بانکداری اسلامی" توضیحات مبسوط‌تری ارائه می‌شود.

### تشکیل کارگروه تخصصی نظارت و تطبیق شرعی

با هدف تقویت نظارت و تطبیق شرعی در عملیات بانک پارسیان، کارگروه تخصصی نظارت و تطبیق شرعی بانک ایجاد گردید که تاکنون جلسات متعددی با حضور صاحب‌نظران فقهی، اساتید دانشگاه و کارشناسان، در خصوص اجرایی شدن برنامه‌های آموزشی، ترویجی و تبلیغاتی در حوزه بانکداری اسلامی داشته و به سؤالات و ابهامات شرعی مرتبط با عملیات بانک توسط واحدهای اجرایی، پاسخ داده است. گزیده‌ای از وظایف این کارگروه‌های می‌توان به شرح ذیل نام برد:

- انجام وظیفه نظارت و تطبیق شرعی از طریق شناسایی و مدیریت ریسک عدم رعایت موازین فقهی (ریسک شریعت) در تمامی سطوح بانک و

بانک پارسیان طی سال‌های اخیر در حوزه بانکداری به‌ویژه بانکداری اسلامی کارنامه قابل قبولی داشته است. در این زمینه ایجاد مرکز تخصصی نوآوری و تحقیقات بانکداری اسلامی، تدوین مدل مطلوب یک بانک اسلامی، تشکیل کارگروه تخصصی نظارت و تطبیق شرعی، ایجاد صندوق مستقل بانکی قرض‌الحسنه و راه‌اندازی اپلیکیشن قرض‌الحسنه را می‌توان به عنوان گزیده‌ای از دستاوردهای بانک پارسیان در راستای تحقق اهداف بانکداری اسلامی برشمرد.

### طراحی مدل مطلوب یک بانک اسلامی با نگاهی تحول‌خواه

بانک پارسیان در صدد است با تکیه بر زیرساخت‌های تخصصی خود همچون ظرفیت صندوق قرض‌الحسنه پارسیان به عنوان تنها صندوق قرض‌الحسنه مستقل بانکی کشور، ایجاد مرکز تخصصی تحقیقات بانکداری اسلامی، تجربه و دانش فنی پرسنل و همکاری نزدیک با مراکز تخصصی حوزه بانکداری اسلامی همچون پژوهشگاه فقه نظام، ضمن آسیب‌شناسی مشکلات



بانک پارسیان  
درصد است  
با تکیه بر  
زیرساخت های  
تخصصی  
خود همچون  
ظرفیت صندوق  
قرض الحسنه  
پارسیان، ایجاد  
مرکز تخصصی  
تحقیقات  
بانکداری  
اسلامی و...  
به طراحی مدل  
مطلوب یک  
بانک اسلامی  
بانگاهی  
تحول خواه  
بپردازد

۷۸



اقتصاد

• شماره ۵۸ - مهر ۱۴۰۳ •

اطمینان از پایش منظم و پیوسته رعایت این موازین در عمل

- اظهارنظر در خصوص تدوین/ بازنگری دستورالعمل ها و رویه های داخلی بانک از جنبه فقهی
- پاسخگویی به ابهامات شرعی و فقهی واحدهای مجری دستورالعمل ها و رویه ها
- تدوین و ارائه گزارش سالانه انطباق با شریعت در رابطه با عملکرد کلی بانک بر اساس شیوه نامه اجرایی تدوین شده توسط دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی

### اهم شاخص های عملکردی صندوق قرض الحسنه پارسیان

بانک پارسیان به عنوان بانک پیشرو در تاریخ یکم اسفندماه ۱۳۹۱ موفق به اخذ مجوز فعالیت صندوق قرض الحسنه پارسیان شد. صندوق قرض الحسنه پارسیان به عنوان نخستین صندوق قرض الحسنه مستقل شبکه بانکی کشور در آبان ماه ۱۳۹۲ طی مراسمی با حضور رئیس کل بانک مرکزی و اتصال به سامانه تسهیلات قرض الحسنه ازدواج بانک مرکزی، رسماً فعالیت خود را آغاز نمود و از آنجایی که مطابق با برنامه پنج ساله هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران، شبکه بانکی کشور موظف است، به منظور گسترش و نهادینه کردن سنت پسندیده قرض الحسنه، منابع فراهم آمده از حساب های پس انداز قرض الحسنه را صرفاً برای اعطای تسهیلات قرض الحسنه به کار گیرد.

صندوق قرض الحسنه پارسیان با اتکا به سرمایه دانش، تخصص و پشتکار کارکنان خود، تلاش می کند منابع مالی ارزان قیمت را جمع کند و آن ها را با مدیریت صحیح و دقیق اعتباری، در قالب وام ارزان، در اختیار اقشار آسیب پذیر و کم درآمد جامعه قرار دهد. در همین راستا نیز تفاهم نامه های گوناگون بین این صندوق و مؤسسات مختلف همچون کمیته امداد، بنیاد برکت، سازمان بهزیستی، بنیاد شهید و امور ایثارگران و انجمن حمایت از بیماران هموفیلی منعقد گردیده است.

همچنین در راستای غیرحضوری نمودن ارائه خدمات این صندوق، پس از رونمایی از اپلیکیشن قرض الحسنه، فاز اول طرح درخواست تسهیلات قرض الحسنه در بستر اپلیکیشن تلفن همراه (سامانه غیرحضوری تسهیلات) در خصوص تسهیلات ازدواج و فرزند آوری و فاز دوم طرح درخواست تسهیلات قرض الحسنه در بستر اپلیکیشن تلفن همراه در خصوص تسهیلات اشتغال زایی نیز اجرایی گردید. همچنین از دیگر اقدامات این صندوق در راستای ایفای مسئولیت های اجتماعی آن، اجرای طرح مشکلات (تعریف بستری نو در راستای جمع آوری

کمک های مردمی برای سازمان ها و مؤسسات خیریه)، اختصاص مبالغی جهت تهیه ابزارهای کمک آموزشی به معرفی شدگان ستاد اجرایی فرمان امام (ره) و کمک به پروژه گازسانی مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) در مناطق محروم رامی توان نام برد. بررسی عملکرد این صندوق نشان می دهد، تنها در سال گذشته این صندوق در عمل به تکالیف قانونی تسهیلات قرض الحسنه مصوب ۱۴۰۲، ۸۰ هزار و ۷۱۵ میلیارد ریال تسهیلات قرض الحسنه پرداخت کرده است. از این رو در سال مذکور ۱۳۲،۷۲ نفر از هم وطنان در بخش های: ازدواج، فرزند آوری، اشتغال زایی، خودرو، بنیاد شهید و امور ایثارگری، رفع نیازهای ضروری، مسکن و درمان از تسهیلات قرض الحسنه صندوق بانک پارسیان بهره مند شده اند.

### ایجاد مرکز تخصصی نوآوری و تحقیقات بانکداری اسلامی

مرکز نوآوری و تحقیقات بانکداری اسلامی بانک پارسیان، با مأموریت انطباق فعالیت های بانک با موازین بانکداری اسلامی، ایجاد گردید. از جمله وظایف این مرکز، موارد زیر را می توان نام برد:

- انجام مطالعات تطبیقی از خدمات و محصولات بانک های داخلی با سایر کشورها و ارائه گزارش در خصوص نوآوری های بانک های اسلامی
- طراحی و تدوین الگوی تاب آوری بانک با عنایت به ضرورت توجه به اقتصاد مقاومتی
- ارائه گزارش های تحلیلی و ادواری از وضعیت بازار پولی و شرایط بانک پارسیان در این بازار جهت تصمیم گیری مدیران ارشد بانک
- شناسایی و برقراری ارتباط با مراکز تحقیقاتی داخلی و خارجی باهدف ایجاد شبکه تحقیقات محلی و بین المللی
- هماهنگی با مراکز آموزشی، جهت برگزاری دوره های آموزشی مرتبط با بانکداری اسلامی
- ارتباط با اعضای هیأت علمی، گروه های پژوهشی، پژوهشکده های حوزه بانکداری اسلامی و دانشگاه های فعال در موضوع بانکداری اسلامی در راستای تعریف پروژه های بانکداری اسلامی و برگزاری نشست های تخصصی مشترک حوزه بانکداری اسلامی

### طراحی مدل مطلوب بانک اسلامی با همکاری پژوهشگاه فقه نظام

بانک پارسیان با همکاری پژوهشگاه فقه نظام، اقدام به طراحی مدل مطلوب یک بانک اسلامی بر اساس مبانی اسلام با رویکرد فقه نظام نموده است. این مدل نه تنها به دنبال تطبیق ساختارهای موجود با مبانی اسلام بوده بلکه درصد کشف نظام مطلوب

بانکی از درون اصول، قواعد و مبانی فقهی و اسلامی است. طراحی الگوی بانکداری اسلامی در فاز اول برای سه حوزه قرض الحسنه، سرمایه گذاری و سایر خدمات بانکی صورت گرفت.

بر این اساس مدل مطلوب یک بانک اسلامی به صورت مدل کلان سه بخشی ارائه گردید. این مدل در فعالیت های بانکی مدلی است که می تواند اصول مطلوب بانکداری اسلامی را تأمین نماید و اهدافی مانند: تخصصی شدن، ایجاد بستر تقارن اطلاعاتی، تحقق بیشتر عدالت، زمینه سازی مشارکت واقعی به عنوان ضامن جلوگیری از تمرکز ثروت و همچنین ارتباط با بخش واقعی اقتصاد، امکان اجرای هر چه بیشتر قواعد و احکام فقهی و دوری از حیل، کم شدن هزینه های غیر مرتبط و ایجاد بستر شفافیت اطلاعات و ایجاد بستر مردمی شدن بانک را دنبال کند.

در راستای مدل طراحی شده دو نشست با حضور ارزشمند اساتید گرانقدر حضرت آیت الله اراکی، حضرت آیت الله محقق داماد و مدیران محترم نظام پولی و بانکی کشور، اساتید حوزه و دانشگاه و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تحت عنوان "نقد روش بانکداری مرسوم و تبیین روش بانکداری مطلوب" به میزبانی بانک پارسیان برگزار

شد و نشست های بعدی با شکل و شمایل جدید در قالب کرسی های آزاداندیشی با همکاری پژوهشگاه فقه نظام در حال طراحی می باشد.

### طراحی مدل مشارکت در سود و زیان واقعی (PLS) به عنوان یکی از اجزای مدل مطلوب بانک اسلامی

با توجه به اینکه در اسلام، اساس فعالیت بانکداری بر واسطه گری حقیقی بین فعالان اقتصادی و صاحبان وجوه و یا ثروت می باشد، در مدل مشارکت در سود و زیان واقعی (PLS)، با استفاده از ظرفیت های نهادهای اجتماعی و معنوی و همچنین ابداع روش ها و یا ایجاد سازوکارهای جدید، مشکلات اجرایی مشارکت به حداقل می رسد و با هدف توزیع عادلانه ثروت، تمامی بازدهی ناشی از امور سرمایه گذاری - چه به صورت سود و یا زیان - به صاحبان منابع پولی منتقل می شود.

در این مدل، صرفاً استفاده از ظرفیت عقود با ماهیت مشارکتی در دستور کار قرار دارد. همچنین سرمایه هایی که در این طرح مورد استفاده قرار می گیرد انحصار به سرمایه های نقدی افراد نداشته و امکان استفاده از سرمایه های غیر نقدی نیز در فعالیت های اقتصادی وجود خواهد داشت.

صندوق  
قرض الحسنه  
پارسیان سال  
۱۴۰۲ در عمل  
به تکالیف  
مصوب قانونی  
تسهیلات  
قرض الحسنه  
۸۰ هزار و ۷۱۵  
میلیارد ریال  
تسهیلات  
قرض الحسنه  
پرداخت کرده  
است

## بش



### پیشرو در استقرار نظارت و تطبیق شرعی

- در سی و چهارمین همایش بانکداری اسلامی که با حضور عبدالناصر همتی وزیر امور اقتصاد و دارایی، محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی و مدیران عامل و معاونین بانک های دولتی و خصوصی برگزار شد، از بانک پارسیان به عنوان بانک پیشرو در حوزه نظارت و تطبیق شرعی با اهدای لوح تقدیر قدردانی و تجلیل شد.
- علیرضا خلیل پور معاون امور شعب و پشتیبانی بانک پارسیان و مهدی قاسمی مسئول نظارت و تطبیق شرعی بانک پارسیان در این مراسم لوح تقدیر دریافت کردند.
- در بخشی از لوح تقدیر که به امضای محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی و آیت الله غلامرضا مصباحی مقدم رئیس شورای فقهی بانک مرکزی رسیده، آمده است: با عنایت به ارزیابی انجام شده توسط دبیرخانه شورای فقهی، بانک پارسیان به عنوان یکی از مؤسسات اعتباری پیشرو در زمینه استقرار نظارت و تطبیق شرعی در سال ۱۴۰۳ شناخته شده است.







عضو هیات مدیره بانک سپه در همایش بانکداری اسلامی مطرح کرد

## ایده جدید وام قرض الحسنه اموال (منقول و غیرمنقول) برای جهش تولید

و تجهیزات برای شروع به کار و عدم پوشش سقف لازم قرض الحسنه از طریق وام بدون بهره، می توان برای این دسته از افراد با توجه به ظرفیت وسیع عقد قرض و اجازه قرض مال و تعریف مال که صرفا وجه نقد نمی باشد؛ زمینه ایجاد اشتغال و جهش تولید را فراهم کرد.

عضو هیات مدیره بانک سپه افزود: در این طرح مردم، سازمان ها، دولت و بانک ها می توانند اموال و دارایی های خود از قبیل زمین، مسکن، ماشین آلات، تجهیزات و غیره که راکد بوده و مورد نیاز کارآفرینان که توان انجام کار دارند را در قالب عقد قرض تهیه و از طریق بانک ها و یا ایجاد سازمان و نهاد مدیریت قرض الحسنه اموال، در اختیار آنان قرار دهند.

دکتر پرتوافکنان خاطرنشان کرد: مطالعه پژوهش مورد نظر از طریق مدل داده بنیاد با بررسی پیشینه نظری داخلی، خارجی و خبرگان بانکی، ۱۳۵ مفهوم را استخراج و با تحلیل داده ها، مدل اجرایی موضوع را طراحی نموده است. مقاله مورد نظر از طریق موسسه عالی آموزش بانکداری به زودی به همراه سایر مقالات در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد.

دکتر پرتوافکنان عضو هیات مدیره بانک سپه در سی و چهارمین همایش بانکداری اسلامی با ارائه مقاله ای، ایده جدیدی برای ارائه وام قرض الحسنه اموال (منقول و غیرمنقول) در راستای جهش تولید ارائه کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بانک سپه، در سی و چهارمین همایش بانکداری اسلامی که با حضور مدیران و کارشناسان نظام بانکی و جمعی از اساتید، دانشجویان و پژوهشگران این حوزه برگزار شد، دکتر مصطفی پرتوافکنان عضو هیات مدیره بانک سپه ضمن ارائه مقاله ای با عنوان "آسیب شناسی و بالفعل سازی ظرفیت های قرض الحسنه" ایده جدیدی برای ارائه وام قرض الحسنه اموال (منقول و غیرمنقول) برای جهش تولید با مطالعه موردی در بانک سپه ارائه کرد.

دکتر پرتوافکنان در این همایش اظهار داشت: با توجه به بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی مبنی بر تأمین امکانات و شرایط لازم برای کسانی که قادر به کار هستند ولی وسایل و امکاناتش را در اختیار ندارند، با لحاظ افزایش قیمت امکانات

مردم سازمان ها دولت و بانک ها می توانند اموال و دارایی های خود از قبیل زمین، مسکن ماشین آلات تجهیزات و غیره که راکد بوده و مورد نیاز کارآفرینان که توان انجام کار دارند را در قالب عقد قرض تهیه و از طریق بانک ها و یا ایجاد سازمان و نهاد مدیریت قرض الحسنه اموال، در اختیار آنان قرار دهند



۸۰



• شماره ۵۸ - مهر ۱۴۰۳ •